

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظام‌گرایی

سال بیست و یکم، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۷۴

تبیینی از معنای «اجتماع عقل و کمال اندیشه انسان در عصر ظهور» بر اساس آموزه «انسان کامل» در عرفان شیعی
حسن پناهی آزاد

آینده پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی، با رویکرد همگرایی فناورانه
هدایت کارگر شورکی - فاطمه پاک‌نژاد

بررسی شاخص‌های انتقار سازنده و انتقار مخرب در نظام تربیتی اسلام، با محوریت پیامات مقام معظم رهبری
محمد رضا جابر انصاری - ندا کاوند

واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری
سید محمد علی میر جلیلی

بررسی مبانی انتقار مقاومتی و بازتاب آن در وصیته‌ها شهید قاسم سلیمانی
محمد شهبازیان

توسعه دانش بنیان از غرب تا جامعه عصر ظهور
سلیمان خاکیان - رحیم کارگر - سعید نوسلی خواه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار موعود

با استناد به نامه شماره ۶۰۶۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ فصلنامه انتظار موعود از شماره ۵۰ به رتبه علمی-پژوهشی ارتقا یافت. براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهریزی لک، غلامرضا

(استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع))

جباری، محمدرضا

(دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع))

خسروپناه، عبدالحسین

(استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

رضانژاد، عزالدین

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

رضایی اصفهانی، محمدعلی

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

زارعی متین، حسن

(استاد دانشگاه تهران)

شاکری زاردهی، روح‌الله

(دانشیار دانشگاه تهران)

صفری فروشانی، نعمت‌الله

(استاد جامعة المصطفی العالمیة)

کلباسی، مجتبی

(استاد حوزه علمیه قم)

محمدرضایی، محمد

(استاد دانشگاه تهران)

صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

سرپریر:

حجت الاسلام دکتر روح‌الله شاکری زاردهی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

محسن رحیمی جعفری

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

صفحه‌آرا:

مسعود سلیمانی

طراح جلد:

عباس فریدی

مترجم انگلیسی:

زینب فرجام‌فرد

مترجم عربی:

ضیاء الزهاوی

پایگاه‌های استنادی که این فصلنامه در آن‌ها نمایه شده است:

www.entzar.ir

پایگاه مجله انتظار موعود

www.isc.gov.ir (ISC)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

پایگاه مجلات تخصصی نور



حوزه علمیه قم
مرکز تحقیقاتی مهدویت

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفائییه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر

فصلنامه انتظار موعود

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶۱ - شماره: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰

سایت فصلنامه: www.entzar.ir

پست الکترونیکی: Entzarmagg@gmail.com

قیمت: ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

«فصلنامه انتظار موعود^ع» نشریه‌ای علمی - پژوهشی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه، متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش دارد مقالاتی در این نشریه منتشر کند که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:

۱. مسئله محور و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
۲. به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت^{علیهم‌السلام} مستند و دارای قدرت استدلال و تبیینی در عرصه مهدویت باشد؛ به طوری که با ارائه دیدگاه‌های جدید، یا روش جدید در حل مسائل، به توسعه علم بیفزاید؛ به گونه‌ای که از نظر اهل تحقیق، مقالات در حد مقالات پژوهشی باشد.
۳. علاوه بر نوآوری در عرصه مهدویت، به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد:

- الف) مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب) چکیده: حداکثر در ۱۵ تا ۱۷۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله، روش تحقیق، نوآوری‌ها و سؤال اصلی مقاله باشد (چکیده عربی و انگلیسی، همراه مقاله ارائه گردد)؛
- ج) واژگان کلیدی: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه، حداقل ۳ و حداکثر ۷ واژه)؛
- د) مقدمه: به بیان مساله و ضرورت آن و همچنین به پیشینه پرداخته می‌شود.
- ه) نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و) شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن سال نشر: (حسینی، ۱۳۸۴: الف، ص ۱۲۴)؛
- ز) در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان (پر رنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر.
- ح) برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

تذکرات:

۱. مقالات، از ۱۵ صفحه (حدود ۴۵۰۰ کلمه) کم‌تر و ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) بیش‌تر نباشد.
۲. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۳. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۴. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جداً خودداری شود).
۵. در صورت درخواست نویسنده، دفتر فصلنامه گواهی پذیرش مقاله را صادر خواهد کرد.
 - دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله الزاماً دیدگاه فصلنامه نیست.
 - فصلنامه در ویرایش مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.
 - مقالات ارسالی، بعد از ارزیابی بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مقالات

- تیبینی از معنای «اجتماع عقل و کمال اندیشه انسان در عصر ظهور» بر اساس آموزه «انسان کامل» در عرفان شیعی ۵
حسن پناهی آزاد
- آینده پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی، با رویکرد همگرایی فناورانه..... ۲۱
هدایت کارگر شورکی / فاطمه پاک‌نژاد
- بررسی شاخص‌های انتظارسازنده و انتظار مخرب در نظام تربیتی اسلام، با محوریت بیانات مقام معظم رهبری ۴۵
محمد رضا جابر انصاری / ندا کاوند
- واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری..... ۷۱
سید محمد علی میرجلیلی
- بررسی مبانی انتظار مقاومتی و بازتاب آن در وصیتنامه شهید قاسم سلیمانی..... ۹۷
محمد شهبازیان
- توسعه دانش بنیان از غرب تا جامعه عصر ظهور..... ۱۲۳
سلیمان خاکبان / رحیم کارگر / سعید توسلی خواه
- ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی..... ۱۵۱

تبیینی از معنای «اجتماع عقل و کمال اندیشه انسان در عصر ظهور» بر اساس آموزه «انسان کامل» در عرفان شیعی

حسن پناهی آزاد^۱

چکیده

یکی از اوصاف مذکور در روایات برای عصر ظهور، «جمعیت عقول و کمال اندیشه انسان‌ها» است. در تفکر شیعی، این ویژگی، ارمغان حضور ظاهر امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان بندگان خدا است. امام معصوم، انسان کامل و مظهر تام اسما و صفات الاهی است. از این رو، جمعیت عقل و کمال اندیشه انسان‌ها، نه تنها تحقق هدایت تشریحی و بلوغ معرفتی انسان با تعلم از نفس متعالی انسان کامل است؛ که یکی از ابعاد ظهور حق و تحقق جامعه توحیدی به تبع ظهور آخرین ذخیره الاهی و مظهر تام توحید، یعنی امام معصوم قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. نوشتار حاضر، مبتنی بر روایات، ویژگی یادشده را با عطف توجه به آموزه انسان کامل در عرفان شیعی، به روش تبیینی - تحلیلی، بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: عصر ظهور، جمعیت عقل، کمال اندیشه، هدایت، انسان کامل، ختم ولایت.

۱. طرح مسئله

دوران ظهور قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، یکی از «ایام الله» است که در آن «کلمه حق»، سیطره می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ص ۱۷۵). جولان ظلمت و باطل به پایان می‌رسد و فلسفه والای بعثت انبیا و نصب ائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، محقق می‌شود (همان، ج ۱۷، ص ۴۰۶). منابع اسلامی، عصر ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به ویژگی‌هایی وصف کرده‌اند که حتی دوران حیات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آن ویژگی‌ها را نداشته است.^۱ یکی از اوصاف این دوران، «جمعیت عقل و کمال اندیشه بندگان خدا» است. کلام معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در این زمینه، گویای آن است که گویی این ویژگی در هیچ دوره‌ای تحقق نیافته و تحقق آن، مختص عصر ظهور است. این ویژگی در منابع مختلف، از جمله کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمة» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۷)؛ کتاب «کافی» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۵۷) و در روایتی از حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین آمده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَاءِ، عَنِ الْمُتَنَّى الْحَنَاطِ، عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْمَشِيِّ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ مَوْلَى لَيْبِنِ شَيْبَانَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا، وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ.^۲

۱. ممکن است این پرسش طرح شود که چرا انسان‌های دوران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه پیش از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ، هدایت تام را نیافته و در پرتو این امر به جمعیت عقل و کمال اندیشه نایل نشده‌اند. در پاسخ دو نکته را باید ذکر کرد: ۱. در عصر ظهور، موانع ابلاغ و تبیین معارف به بشر توسط امام معصوم به قدرت الاهی قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برچیده خواهد شد. این امر در دوره هیچ کدام از معصومان تحقق نیافت؛ ۲. علامه حلی، ذیل بیان لطف بودن امام، با توجه به اختیار انسان‌ها در انتخاب راه و منشأ هدایت و توجه به آن می‌نویسد: «والتحقیق أن نقول لطف الإمامة يتم بأمر، منها ما يجب على الله تعالى و هو خلق الإمام و تمكينه بالقدرة و العلم و النص عليه باسمه و نسبه و هذا قد فعله الله تعالى. و منها ما يجب على الإمام و هو تحمله للإمامة و قبوله لها و هذا قد فعله الإمام و منها ما يجب على الرعية و هو مساعدته و النصرة له و قبول أوامره و امتثال قوله و هذا لم تفعله الرعية فكان منع اللطف الكامل منهم لا من الله تعالى ولا من الإمام» (حلی، ۱۴۱۳: ص ۳۶۳).

۲. علامه مجلسی درباره ضمیر «یده»، می‌نویسد: «الضمير في «یده» راجع إلى الله تعالى، أو إلى القائم عليه السلام، و «یده» كناية عن الرحمة و الشفقة و النعمة و الإحسان، أو كناية عن الوساطة في الفيض و المراد من الرؤوس نفوسهم الناطقة، فالعنى: أنزل رحمة و أكمل نعمته، أو واسطة جوده و فيضه، و المراد بها إما القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ، أو العقل الذي هو أول ما خلق الله، أو ملك من ملائكة قدسه و



مقاله «بررسی سندی و دلالی روایت «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد» در پرتو سنت‌های قرآنی» روایت مذکور را بررسی و ضمن تشریح و معنایابی از واژگان وضع، ید، رؤوس، عباد و...، و سنجش نسبت آن با قرآن کریم؛ این نتایج را ارائه کرده است: ۱. این روایت از لحاظ سندی صحیح است؛ ۲. «وضع ید»، به معنای عنایت و رحمت الاهی در روزگار پس از قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ ۳. در آن دوران، استعداد بشر به حدی می‌رسد که بیان و ابلاغ معارف توسط آن حضرت، به مقصد لازم واصل شود؛ ۴. «عباد»، به معنای انسان‌هایی است که به تبعیت از امام خویش ملتزم هستند؛ ۵. مراد از تجمیع افکار و عقول، کمال معرفتی و تفکر عباد، ذیل رهبری امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف است (میرزایی، ۱۳۹۸: ص ۷۶-۱۰۲). از این رو، پژوهش پیش‌رو، ضمن پذیرش این روایت و بدون پرداختن به سند و دلالت آن، منشأ و ابزارهای تحقق جمعیت و کمال عقل و اندیشه بشری در دوران ظهور و نقش امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در تحقق این ویژگی را بر اساس مبانی و آموزه‌های انسان‌شناختی ارائه شده در نظام حکمت شیعی (کلام، فلسفه، عرفان)؛ جست‌وجو و ارائه خواهد کرد. این فرایند با تبیین کلامی به عنوان مقدمه تبیین فلسفی به عنوان مقدمه تبیین عرفانی، با توجه به آموزه «انسان کامل» سامان خواهد یافت.

نوشتار حاضر در صدد ارائه معنایی از «جمعیت عقول و کمال اندیشه بشری» از روایت مذکور است که با جایگاه امام معصوم در مقام انسان کامل و مضامین عالی مندرج در روایات درباره شأن و منزلت ائمه هدا عجل الله تعالی فرجه الشریف متناسب و توان انعکاس آن شأن متعالی را داشته باشد. از این رو، به روش تحلیلی و تبیینی، معطوف به برتری تبیین عرفانی ذیل آموزه‌های قرآن و سنت معصومان سامان یافته است.

از میان مفاهیم این نوشتار، تنها اصطلاح «انسان کامل»، به ارائه معنای منتخب نیاز دارد. این واژه در عرصه‌های علوم عقلی و نقلی دارای کاربردهای مختلفی است؛ اما منظور از این واژه در پژوهش حاضر، معنایی است که در عرفان اسلامی ارائه شده است. انسان کامل که در منابع

→

نور من أنوار عظمته» ایشان در این بیان خود، به منابعی از جمله دو شرح صدرالمتألهین و ملاصالح مازندرانی بر اصول کافی استناد کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۸۰).



عرفان اسلامی با توجه به مفاهیم مندرج در کتاب و سنت، با واژگانی همچون کون جامع، قطب عالم، خلیفه، امام، صاحب زمان، اکسیر اعظم، خضر و مهدی یاد می‌شود؛ کسی است که مظهر اتم اسمای حق تعالی است. او متخلّق تام به اخلاق الهی متخلّق علت غایی آفرینش، سبب ایجاد و بقای هستی، واسطه میان حق و خلق، خلیفه خدای تعالی و به تمام معنا مصداق نیابت در اسما و صفات از حضرت حق است. او مظهر تام توحید و آیینه تمام‌نمای الهی است (ابن عربی، ۱۴۱۰: ج ۱۳، ص ۱۲۹؛ ترمذی، ۱۹۶۵: ج ۱، ص ۳۱۵؛ نسفی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۲۵۵ و صدرالمطالعهین، ۱۳۶۶: ج ۵، ص ۳۲۸).

۲. پیشینه پژوهش

مسئله مورد نظر نوشتار حاضر، در پژوهش‌های مختلفی ملاحظه می‌شود. براساس بررسی به عمل آمده، این مسئله در آثار ذیل درج گردیده است: «توحیدگرایی، رهاورد دینی عصر ظهور» تبلور آرمان والای اسلام یعنی توحید در جامعه عصر ظهور» (موسی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۷-۳۴)؛ «بصیرت اخلاقی در عصر ظهور» (کارگر، ۱۳۸۷: ص ۴۳-۸۶)؛ «تاثیر نظر امام عصر در اصلاح انسان» (طاهرزاده، ۱۳۸۴: ص ۱۰۹-۱۲۸). اما اثری که به طور مشخص در صدد ارائه جایگاه انسان کامل و اجتماع عقل و کمال اندیشه انسان در آن دوران باشد؛ به دست نیامد. مقاله «بررسی سندی و دلالتی روایت «وضع الله یده علی رؤس العباد» در پرتو سنت‌های قرآنی»؛ با تمرکز بر اعتبار سند و دلالت حدیث، با نوشتار حاضر ارتباطی تعیین‌کننده یافت؛ اما از آثاری که به تحلیل منشأ و چگونگی کمال عقول انسانی در عصر ظهور پرداخته‌اند، دو مقاله ذیل، با مسئله مورد نظر ارتباط واضح و صریح داشتند:

۱. مقاله «تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور»، اثر روح‌الله دریکوندی و جواد جعفری، که با التزام عمده به روش کلامی و تفسیری - حدیثی، به شرح کیفیت کمال عقول انسان‌ها در عصر ظهور و نقش تبیینی و ابلاغی امام و عدم استفاده ایشان از اعجاز یا کرامت پرداخته است.

۲. نیز مقاله «معناشناسی ویژگی‌های عقلانی عصر ظهور»، از روح‌الله دریکوندی و جواد جعفری، با اشاره به کمال عقول انسانی، به عنوان یکی از ویژگی‌های عصر ظهور، به تبیین کارکردهای مهم این کمال، به‌ویژه توحیدباوری، عدل‌گرایی و پذیرش و پرورش ارزش‌های



اخلاقی در جامعه عصر ظهور پرداخته است.

با وجود این، تفاوت نوشتار حاضر با آثار یادشده، آن است که این نوشتار می‌کوشد مسئله را با بهره‌گیری از ابعاد محتوایی آموزه «انسان کامل» در حکمت شیعی و معطوف به معنای هدایت توحیدی توسط امام، به عنوان انسان کامل؛ بررسی و نتیجه‌گیری کند. بنابراین، نوشتار حاضر با دو پژوهش یادشده، در معنای تمرکز عقول و کمال اندیشه، مشترک؛ اما در شرح منشأ و عامل آن، متفاوت است.

۳. ضرورت وجود امام معصوم

هدایت انسان به سوی کمال حقیقی، از سوی آفریدگار حکیم، که کمال‌طلبی را در فطرت انسان تعبیه کرده، ضرورتی عقلی است. هدایت انسان، توسط انبیا و اولیای الهی تحقق می‌یابد، تا وجود انسان مجمع و کانون پیوستگی اراده تکوینی الهی (ایجاد فطرت کمال‌طلب) و اراده تشریحی الهی (هدایت توسط اولیای دین) باشد؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمودند: «فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیائه لیستأدوهم میثاق فطرته و یدکروهم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یشیروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه اول). هدایت، به عنوان رسالت اصلی دین خاتم، با وجود ائمه معصوم علیهم السلام امتداد یافته و آخرت ذخیره الهی، قائم آل محمد علیهم السلام، همان امام هدایت‌گری است که آرمان والای همه انبیای الهی، به ویژه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام را تحقق خواهد بخشید. بنابراین، وجود امام، در فرهنگ قرآن، منصبی برتر از نبوت و رسالت (بقره: ۱۲۴ و طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۶۸-۲۷۰) و ضرورتی همیشگی است. این معنا در کلام شیعی، با اصطلاح «لطف» بیان شده است: «الامام لطف فیجب نصبه علی الله تحصیلاً للغرض» (طوسی، ۱۴۰۷: ص ۲۲۱). این معنا در قالب شکل اول قیاس اقترانی چنین است:

امامت (که حقیقت آن هدایت انسان‌ها است) لطفی از سوی خدا است؛ صدور لطف از خدای حکیم ضرورت دارد؛ پس، امامت و نصب امام برای هدایت انسان‌ها، توسط خدای تعالی، ضرورت (و جوب بر خدای تعالی) دارد (سیوری، ۱۴۰۵: ص ۱۷۸).

اما علاوه بر وجود امام، تصرف او در امور بندگان خدا نیز لطفی مضاعف و سببی افزون در



تحقق هدایت انسان‌ها است: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر» (همان). هدایت مبتنی بر اصل حکمت، که فراگیرترین رابطه خدای تعالی با انسان است و توسط انبیا و اولیای معصوم علیهم‌السلام عملی است، تا کنون به تمام معنا ظهور نیافته و به بیان قرآن کریم (توبه: ۳۳): این امر در دوران ظهور قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تحقق خواهد یافت (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷).

رکن تحقق هدایت تام بشر در دوران ظهور، پس از وجود امام معصوم، جریان فراگیر معرفت به حقایق عالم و معارف دین در همه ابعاد حیات و نظام‌های بشری به دست امام قائم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ همان وظیفه‌ای که بر عهده تمام انبیا و اولیای الهی استقرار داشت. عصر ظهور که در قرآن (قصص: ۵ و انبیاء: ۱۰۵) و کلام معصومان علیهم‌السلام دوره استیلای صالحان بر زمین خوانده شده (رک: طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۱۶ و ۱۷)؛ همان دوران اعطای «حکمت» به مردم است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۹). دورانی که امام قائم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مظاهر جهل را نابود و علم و آگاهی را بر حیات انسان‌ها غالب می‌کند (همان، ص ۲۳۱ و مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۱۶۸). آنچه با مفاهیم وراثت و خلافت صالحان در زمین، سیطره و تمکن دینی مؤمنان، امامت مستضعفان و اظهار و غلبه دین حق بر آیین‌ها، در قرآن کریم بیان شده (انبیا: ۱۰۵؛ قصص: ۵؛ نور: ۵۵ و توبه: ۳۳)؛ با فقدان آگاهی مردم از حقایق و حیانی دین و راه و رسم تحصیل کمال و سعادت حقیقی، سازگار نیست. این حقیقت، با وجود انسان‌های حقیقت‌طلب (طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ص ۱۵۶) و سرپرستی امام معصوم، که انسان کامل و واقف بر تمام حقایق و معارف دین از طریق برخورداری از ابزارهای ادراکی باطنی متصل به منبع غیب و عالم به راه‌ها و اسباب هدایت و کمال است (صدرالمتالهین، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۶۸ و ج ۹، ص ۲۲)؛ حاصل می‌گردد. این آرمانی والا و ویژه در فرهنگ شیعی است که ائمه معصوم علیهم‌السلام آن را با قیام و ظهور قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوید داده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۴۵). این بیان، عبارتی از مفاد حدیث شریف مذکور در ابتدای نوشتار حاضر است. جمعیت عقل و کمال اندیشه انسانی در عصر ظهور، تحت حاکمیت اراده حق تعالی، ارمغان ویژگی‌های متعالی انسان‌شناختی امام معصوم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد؛ او که برگزیده و خلیفه خدا، انسان کامل و مظهر تام اسما و صفات الهی در دنیا است (قیصری، ۱۳۷۵: ص ۱۲۷).

۴. امام معصوم، انسان کامل

انبیا و اولیای الهی که هدایت بشر را بر عهده دارند، مصادیق خلیفه خدای تعالی در زمین و برخوردار از کمالات وجودی، به ویژه ارتباط با منبع غیب و منشأ وحی و در تعبیری عرفانی - قرآنی «انسان کامل» هستند. این ویژگی، عطیه‌ای الهی است که با انتخاب و تعیین از سوی خدای تعالی تحقق می‌یابد و تنها اوست که شایستگان این منصب والا را می‌شناسد: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (انعام: ۱۲۴).

امام، در کلام شیعی، هدایت تشریحی را بر عهده دارد و علاوه بر منزّه بودن از عیب و نقص جسمی و روحی، از خطا در اندیشه، دریافت معارف الهی از عالم غیب و ارائه آن به انسان‌ها و همچنین هرگونه گناه و خطا در رفتار مصون است. در غیر این صورت، غرض خدای تعالی از تعیین امام، یعنی هدایت مبتنی بر اصل حکمت، نقض خواهد شد (ربانی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۹). نبی و امام، همانند قوه کسب معرفت در پیکره بشر هستند که صلاحیت ارتباط با جهان غیب را دارند و با اراده تشریحی الهی و وحی، «مبعوث» و «منصوب» می‌شوند تا رشد، خیر و صلاح بشر را «دریافت» و «القا» کنند (مطهری، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۵۳).

فلسفه اسلامی، امام را دارای نفسی متعالی می‌داند که از قوای ادراکی مختلف؛ یعنی حواس ظاهری، وهم، خیال و عقل نظری و عقل عملی بالفعل و کارآمد برخوردار است و با توجه به دارا بودن مراتب کمال معرفتی، بر ممکنات و انسان‌های مادون احاطه دارد. قوای ادراکی او با فعلیت لازم و کافی به تمام معنا در اختیار عقل وحیانی او و همه این قوا، تحت تدبیر و سلطه نفس متعالی او قرار دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۵۳ و ۵۴). هیچ اندیشه، گفتار و رفتاری از او صادر نمی‌شود، جز در برترین درجه عقلانیت، صدق و حجیت معرفتی و رفتاری (فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۰ و امینی نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۲۵۸، ۲۶۱ و ۲۶۳). یکی از قوای ویژه و ممتاز بالفعل که در وجود انسان کامل مأموریتی ویژه دارد، «قلب» است. کارکرد ممتاز این قوه که در صورت فعلیت تام، هم دارای شأن ادراکی است و هم شأن تدبیری؛ دریافت معارف وحیانی از عالم عقل و القای آن بر مراتب مثالی خود و در مرتبه مادون، دیگر انسان‌ها است؛ چنان‌که آیه ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ (شعرا: ۱۹۲)؛ به این معنا اشاره دارد (ر.ک: صدرالمتالهین، ۱۳۶۰: ص ۵۴ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و طباطبایی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۴۵). صاحب



کتاب «عین نَصَاح» در بیانی ویژه، در خصوص مراتب و توان معرفتی امام معصوم می نویسد:

عارف، گاهی معارف برین عقلی را از اوج عقل مجرد خود تنزل داده و در مرحله خیال قرار می دهد و در این مرتبه فرودین برای آن مطالب، صورت های مناسب می سازد. در حالی که مرتبه برین، اولاً، منزّه از صورت بوده و ثانیاً، مبرا از قوه و حرکت است. تنزل معنای معقول از عقل به خیال، به نحو تجلی است نه تجافی. همین مطلب می تواند راهگشای تنزل فیض از مبدأ هستی به مراحل مادون باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۵۵).

عرفان شیعی، امام معصوم را انسان کامل می داند. اساساً مفهوم انسان کامل در نگاه عرفان شیعی، مصداقی جز انبیا و اولیای معصوم ندارد؛ زیرا ویژگی های انسان شناختی او، جز در پرتو تجلیات الهی و تحقق نفس او به اسما و صفات حق تعالی ممکن نیست (همان، ص ۵۳). انسان کامل و مظهر تام اسم جامع و اعظم الهی و جامع جمیع مراتب وحدت و کثرت، بدون غلبه یکی بر دیگری است (همان و قیصری، ۱۳۷۵: ص ۱۲۷-۱۲۹).

این معنا نه تنها در منابع عرفان شیعی، که در کلمات معصومان علیهم السلام با صراحت بیان شده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (اعراف: ۱۸۰)؛ قَالَ عليه السلام: «نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱، ص ۳۵).

امام رضا علیه السلام در مورد امام معصوم که انسان کامل و موحد است، فرمودند: «الْإِمَامُ: وَاحِدٌ دَهْرِهِ، لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ، وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ، وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ، وَ لَا لَهُ مِثْلٌ» (ر.ک: همان، ص ۴۹۵). امام یگانه دهر خویش است و کسی را جز حق تعالی به منزلت او راه نیست. عقل آدمی کجا و جایگاه امام کجا، تا از تشخیص انسان کامل برآید! (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۹ و ۲۰).

به حق، این وجود متعالی است که مصداق ﴿وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾ است. حق تعالی منزّه است از مثل؛ اما به بیان قرآن می توان برای او مَثَل و مثالی یافت. مَثَل حق تعالی، همان وجودی است که مظهر تام اسما و صفات او باشد. بردن نام آفتاب برای تفهیم فیاضیت حق تعالی بر ممکنات،

در افق فهم و درک بشر عادی است و آنچه بر درک و دریافت انسان کامل نزول یابد، ورای عقول و فهم انسان عادی است؛ چنان که حق تعالی خود، برای بیان شأن خویش، این مثال را برای نور ساطع از خود بر هستی ذکر فرموده است: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ...﴾ (نور: ۳۵). مراد از «مشکاة»، وجود نورانی و ملکوتی معصومان عليهم السلام است که طینتشان از نور فیاض علی الاطلاق منبعث است و نور حق، از طریق آن ذوات مقدس بر سایر خلق فایض می‌شود (مجلسی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۶۰۳).

صدرالمتألهین می‌نویسد:

می‌توان به تأسی از قرآن کریم، در تبیین فیض وجودی او که نازل بر هستی است، مثلی یافت. آنچه در نظام هستی بیش‌ترین صلاحیت را برای اشاره، در قامت مثل برای حق تعالی دارد، انسان است و بر اساس همین تناسب است که امیرالمومنین عليه السلام فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۳۹۳).

ناگفته پیداست که نه هر انسانی، بلکه تنها انسان کامل است که صلاحیت مثل بودن برای حق تعالی را دارد.

۵. ضرورت وجود انسان کامل

اکنون می‌توان گفت از دیدگاه فرهنگ شیعی، به حکم ضرورت وجود امام در هر عصری، وجود انسان کامل در هر عصر و دورانی نیز ضرورت دارد؛ اما این معنا در سه افق بیان پذیر است: نخست، افق و مرتبه «کلامی» است که در آن، امام مأمور برگزیده خدا و فلسفه وجودی او، ارشاد، اصلاح و هدایت تشریحی به آموزه‌های دینی است؛ دوم، افق «فلسفه» است که در آن، امام دارای نفسی متعالی و ابزارهای ادراکی باطنی فعال و کارآمد و مرتبط با منبع غیب و آگاه از راه و رسم دریافت معارف وحیانی و ارائه آن به انسان‌های مخاطب دین است؛ سومین افق، مرتبه «عرفان» شیعی است که ذیل معارف وحیانی قرآن و سنت، ضرورت وجود امام را بر ضرورت تجلی لاینقطع حق تعالی در وجود انسان کامل که جامع همه حضرات «حقی» و «خلقی» است، (آشتیانی، ۱۳۸۲: ص ۲۴۶)؛ مبتنی می‌داند (فیض کاشانی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۷، ۱۱۹ و ۱۲۰). یکی از حکمای متأله شیعی، در بیان این نکته ناب و دقیق (ضرورت انسان کامل مبتنی بر ضرورت



تجلی) می‌نویسد: «وجود مظه‌ری که هم جنبه طبیعی که مصداق ﴿يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْسِي فِي الْأَسْوَاقِ﴾ (فرقان: ۷) است، و هم جنبه فراطبیعی که مصداق ﴿ذَنَّا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ (نجم: ۸ و ۹) باشد، ضروری است؛ زیرا اسم ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری: ۱۱) اقتضا دارد که انسان کامل در هر دوران، وحید عصر خود و تنها مظهر تام حق، همان انسان کامل باشد که کون جامع است. بر این اساس است که با ارتحال هر انسان کامل از عالم شهادت به عالم غیب و وفات عنصری او، انسان کامل دیگری ظهور می‌یابد: «أَلَا إِنَّ مِثْلَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمِثْلِ نَجْمِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰ و جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۵ و ۳۱ و ۵۲).

انسان کامل که مظهر تام اسما و صفات حق تعالی است، جز امام معصوم نیست. او برزخ عبودیت و ربوبیت است؛ زیرا از دو قوس نزول و صعود برآمده و به مقام «أو أدنی» نایل شده و از این رو، وساطت فیض حق بر ماسوی را یافته و مظهر ربوبیت حق شده است؛ چنان که مولای متقیان، امام علی علیه السلام فرمود: «ما لله آية أكبر مني» (صفار، ۱۴۰۴: ص ۷۷ و جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۵). انسان کامل، دارای دو چهره ظاهر و باطن است. با چهره ظاهر به عالم خارج ناظر است و در مراتب حسی، خیالی و عقلی تعیین می‌یابد و با چهره باطن، به اخلاق الهی متخلق است. او جامع غیب و شهود و قابل جمیع موجودات حادث و قدیم و دارای «دو نسبت کامل» است. با یکی، به مقتضای خطاب ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ (فجر: ۲۹ و ۳۰). با ورود در جنت الهی هرگز چیزی از خود یا دیگران مشاهده نمی‌کند و آنچه می‌بیند صفات الوهی و ربوبی است؛ و با دیگری با توجه به حضور در عالم طبیعت، به حدوث و امکان و فقر ذاتی خود پی برده و با تکلیف و بندگی آشنا می‌گردد. مشاهده عبودیت، همان رؤیت وصف ذاتی خود و نظاره ربوبیت و الوهیت، نگاه بر تعیینات ذاتی حق تعالی است. این منزلت، تنها بر محمل «استخلاف» (قونوی، ۱۳۷۱: ص ۱۸۵)، به انسان کامل اعطا می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۶ و ۲۷). انسان کامل، به سبب جامعیت بی‌مانند خود، مظهر اسم ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ است و در حضرات دیگر (عوالم طبیعت، مثال، عقل و مراتب اسما و صفات) مانندی ندارد (همان، ص ۲۸ و قیصری، ۱۳۸۱: ص ۶۲ و ۶۳).



۶. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین مصداق انسان کامل

اکنون که جملات و اشاراتی از منزلت امام معصوم و انسان کامل در فرهنگ شیعی گذشت؛ باید گفت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین مصداق انسان کامل است و همه شئون ارشاد، اصلاح و هدایت جامعه، وساطت در نزول فیض معرفت و حکمت بر بشر و برتر از آن، مظهریت تام اسما و صفات الاهی در وجود ایشان مستقر است.

روایاتی، نخستین ولی الاهی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین ایشان را مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۱۵۲ و حر عاملی، ۱۳۶۶: ج ۷، ص ۲۱). ضمن این که ادعیه و زیاراتی در منابع روایی شیعه، بر این معنا تصریح دارند: «وأنتم نور الأخیار و هداة الأبرار و حجج الجبار بكم فتح الله و بكم يختم» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۹، ص ۲۲۹). عرفان شیعی، ولایت مطلقه و تامة الاهیة، را متعلق به «حقیقت محمدیه» برشمرده است (قیصری، ۱۳۸۱: ص ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ «از رساله تحقیق در مباحث ولایت کلیة» و ر.ک: صدرالمتالهین، ۱۳۸۵: ص ۱۹)؛ که در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از ایشان، ذوات مقدس ائمه معصوم علیهم السلام از حضرت علی علیه السلام تا حضرت حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جاری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منصب «ختم نبوت» و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقام «ختم ولایت» را دارد و با این منزلت ایشان است که کمال صلاح دنیا و آخرت بشر به تمام معنا رقم خواهد خورد. ولایت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف همان ولایت تام الاهی و «مقام جمع» است (جامی، ۱۳۷۰: ص ۲۱۳ و قیصری، ۱۳۸۱: ص ۶۱)؛ که علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم ایشان نیز داشتند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۳۸۰) قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره آفرینش و ولایت تام الاهی از آن عصاره آفرینش است. وجود آن بزرگوار تنها یک نسخه و خود نسخه تمام عالم و عصاره همه عالم و آدم در وجود آن یگانه هستی است. از این روست که قرآن به «عصر» قسم یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ص ۳۸۳ و امام خمینی، ۱۳۷۲: ص ۲۱ و همان، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ص ۴۲۳).

۶. تحلیل پایانی

روایت مورد بحث، می‌تواند منبع و منشأ سه مرتبه تبیین مفاد قرار گیرد:

۱. بیان مطلب در مرتبه آموزه‌های کلامی چنین است: «جمعیت عقل و کمال اندیشه بندگان



الاهی در عصر ظهور» ارمغان هدایت تشریحی امام معصوم است. او خلیفه حق تعالی و مصداق کلمه «ید» در روایت است؛ یعنی حضور آن حضرت در میان مردم، به منزله دست رحمت و هدایت الاهی است که همراه با شأن سرپرستی و راهبری، بر سر بندگان خدا قرار می‌گیرد و آنان از برکت این سرپرستی، به صلاح، سداد و هدایت نایل می‌شوند. این امر، ارمغان حکمت حق تعالی است که در قالب «لطف مقرب» برای هدایت، که همان مقصود آفرینش انسان است، عینیت می‌یابد. در این مرتبه از بیان مطلب، می‌توان گفت: امام معصوم که دارای عصمت در اندیشه و دریافت پیغام الاهی و گفتار و رفتار است، از طریق تبیین معانی متعالی کتاب الاهی و ارائه بینه و احتجاج، آگاهی بندگان خدا از معارف دین را ارتقا می‌بخشد و این امر سرمایه تمرکز عقل و کمال اندیشه آنان در درک حقایق و معارف دین می‌گردد. در این فرایند، هر کس به اختیار خود در مسیر هدایت قرار گیرد، به «جمعیت عقل و کمال اندیشه» نایل خواهد گشت.

در این بیان، منشأ جمعیت عقل و کمال اندیشه بشر، اصل حکمت است؛ اصلی که عقل بشر بدان رسیده؛ ضمن این که در این مرتبه از تبیین، نوعی کثرت یا مواجهه میان حق و خلق برقرار است.

۲. بیان مطلب و چگونگی جمعیت عقل و کمال اندیشه در افق فلسفی، چنین است که امام معصوم، بر اساس فعلیت‌های متعالی نفس خود، از جمله فعلیت تام ابزارهای معرفتی ظاهری و باطنی (ر.ک: صدرالمتهلین، ۱۳۸۰: ص ۱۴۳ و همان، ۱۳۸۵: ص ۱۹)؛ ارتباط وجودی با عالم غیب و توان تبیین منطقی و برهانی معارف دین، توان تحصیل انقیاد معرفتی انسان‌ها و در پی آن، تعالی بخشی به نفوس دیگر انسان‌ها را از طریق تقویت قوا و ابزارهای معرفتی آنان دارد. عقل انسانی هرچه بیشتر با برهان مانوس باشد، توان بیش‌تری در درک حقایق به دست می‌آورد (همان، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۳۲۲). بنابراین، امام معصوم از این طریق نیز منشأ جمعیت عقل و کمال اندیشه بشری می‌گردد. در این فرایند، هر معرفت برهانی بیان شده از سوی امام معصوم، علت گامی ارتقا در استعداد بیش‌تر نفوس و عقول انسان‌ها برای درک حقایق برتر هستی می‌گردد. در این فرایند، حس ظاهری امام معصوم توانمندتر از حواس ظاهری انسان‌ها و قوای باطنی شامل «خیال و قلب و عقل» (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۳۲۳-۳۲۵؛ صدرالمتهلین، ۱۴۱۹: ص ۲۱۴؛ همان، ۱۳۸۸: ص ۲۹۳ و جوادی آملی، ۱۳۷۹: ص ۲۹۸) و بر قوای باطنی



انسان‌ها مشرف و محیط است.

آنچه در این بیان تحصیل می‌شود، بر برهان و دستاورد عقل بشری مبتنی است. از این رو، باز با آموزه‌های والای مندرج در توحید عرفانی و کلام معصومان علیهم‌السلام، فاصله دارد و نمی‌توان جمعیت عقول و کمال اندیشه برآمده از این بیان را در تراز منزلت حقیقی انسان کامل دانست.

۳. با توجه به سرچشمه گرفتن عرفان شیعی از آموزه‌های والای قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام باید آنچه از مفاد روایت مورد بحث ارائه می‌کند، در همان نصاب و مرتبه باشد. در این بیان، جمعیت عقول و کمال اندیشه انسان‌ها، با امام معصوم، یعنی ماهیتی تماما توحیدی ماهیتی متناظر می‌یابد. بدین معنا که بندگان خدا که در عصر ظهور به اختیار، در شعاع نظر امام عصر علیه‌السلام قرار می‌گیرند، از آن رو به جمعیت عقل و کمال اندیشه می‌رسند که امام معصوم، مظهر اسمای الهی، از جمله اسم «علیم» و «حکیم» است. علم و حکمتی که از وجود ملکوتی امام معصوم بر دیگر انسان‌ها فیضان می‌کند، تجلی علم و حکمت لاینقطع حق تعالی است. در این منزلت، عقل و اندیشه بشر در وجود معصوم مندک و همسو شده و از او جز جلوه الهی درک نمی‌کند. شاید بتوان گفت این بیان صلاحیت تناظر با کلمات والایی همچون «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَحْيِي اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۹، ص ۳۱۲) و «نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ نَحْنُ وَاوَّلَةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۶۱) دارد. حال اگر عبارت «نحن وجه الله» را در کنار آیه کریمه «أَيُّمَّا تُولُوا فَمَنْ وَجْهَ اللَّهِ» قرار گیرد، معنایی حاصل می‌شود که با «سریان انسان کامل در موجودات» نامبردار است: «الانسان الكامل لا بدّ ان يسرى في جميع الموجودات كسريان الحق فيها» (قیصری، ۱۳۷۵: ص ۱۱۸).

در نتیجه آنچه به طور ویژه از تبیین مفاد روایت مورد بحث بر اساس آموزه انسان کامل در عرفان شیعی به دست می‌آید؛ این که جمعیت و کمال عقل و اندیشه بشر در عصر ظهور، سه بیان دارد و مناسب‌ترین بیان با شأن و منزلت امام معصوم، «بیان عرفانی» شیعه است. این استفاده، پیرو معنایی است که در این عبارت والا ذکر شده است: «خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي» (ر.ک: حافظ برسی، ۱۴۲۲: ص ۲۸۳ و حرّ عاملی، ۱۳۸۰: ص ۷۱۰). جمعیت عقل و کمال اندیشه در نصاب عرفان شیعی و آموزه انسان کامل، عبارت از نیل به مرتبه تجلی اسما و صفات حق تعالی و تحقق انسان کامل به اسما و صفات الهی است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۷-۳۰).



۷. نتیجه

طبق آنچه عرفان شیعی نسبت به انسان کامل که همان امام معصوم است، ارائه می‌کند؛ آنچه از روایت مورد بحث بر می‌آید، باید در نصاب منزلت امام معصوم علیه السلام بیان گردد. از این رو که امام معصوم علیه السلام، در فرهنگ شیعی، مصداق حقیقی انسان کامل و تجلی توحید است، تمرکز عقول و کمال اندیشه بشری به دست او در عصر ظهور نیز باید در نصاب همان جایگاه، شناسایی شود. برداشت و بیان شایسته جایگاه و منزلت امام معصوم از این حدیث شریف، این است که اجتماع عقول و کمال اندیشه بشر به تحقق توحید در بعد ادراک و اندیشه انسان در عصر ظهور، توسط مظهر توحید، یعنی امام معصوم علیه السلام معنا شود.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن عربی، محی الدین (۱۴۱۰ق). *الفتوحات المکیة*، به کوشش عثمان یحیی، قاهره، بی نا.
۲. امینی نژاد، علی و دیگران (۱۳۹۰). *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم، موسسه امام خمینی.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۸۲). *هستی از نظر فلسفه و عرفان*، قم، بوستان کتاب.
۴. آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). *جامع الاسرار و منبع الانوار*، تهران، علمی فرهنگی.
۵. ترمذی، محمد حکیم (۱۹۶۵م). *ختم الاولیاء*، به کوشش عثمان اسماعیل یحیی، بیروت، بی نا.
۶. جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۰). *نقد النصوص*، تعلیقه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. جوادی آملی (۱۳۸۷). *عبدالله، عین نضاخ*، قم، اسرا.
۸. حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ق). *مشارق أنوار الیقین فی أسرار امیرالمؤمنین علیؑ*، بیروت، اعلمی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه*، تهران، دهقان.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *کشف المراد*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۱. خمینی، امام سید روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. _____ (۱۳۷۲). *مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. دریکوندی، روح الله و جواد جعفری (پاییز ۱۳۹۴). «تمرکز و تکامل عقول در عصر ظهور»، فصلنامه اندیشه نوین دینی، دانشگاه معارف اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، ص ۴۹-۶۶.
۱۴. _____ (تابستان ۹۸). «معناشناسی و ویژگی های عقلانی عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش های مهدوی، موسسه آینده روشن، سال هشتم، شماره ۲۹، ص ۷۷-۹۶.
۱۵. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۲). *امامت در بینش اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
۱۶. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مترجم: صبحی صالح، قم، موسسه دارالهجره.
۱۷. سیوری، جمال الدین مقداد (۱۴۰۵ق). *ارشاد الطالبین*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۸. صدرالمتلهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰). *اسرارالآیات*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
۱۹. _____ (۱۳۶۱). *تفسیر القرآن الکریم*، به کوشش محمد خواجهی، قم، بیدار.
۲۰. _____ (۱۳۸۳). *شرح اصول کافی*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. _____ (۱۳۸۰). *المبدأ و المعاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. _____ (۱۴۱۰ق). *اسفار*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



۲۳. _____ (۱۴۱۹ق). **مفاتیح الغیب**، بیروت، موسسه التاریخ العربی.
۲۴. _____ (۱۳۸۸). **الشواهد الریویة**، قم، مطبوعات دینی.
۲۵. _____ (۱۳۸۵). **اسرار الآیات**، تهران، حکمت.
۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمة**، تهران، اسلامیة.
۲۷. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات**، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۴). «تاثیر امام عصر در اصلاح انسان»، مکاتبه و اندیشه، ۱۳۸۴، شماره ۲۱، ص ۱۰۹-۱۲۸.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، اسماعیلیان.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، فراهانی.
۳۱. طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۷ق). **تجرید الاعتقاد**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۲. فیض کاشانی (۱۳۸۶). **ملاحسن، کلمات مکنونه**، قم، مطبوعات دینی.
۳۳. قونوی، صدرالدین (۱۳۷۱). **فکوک**، مصحح: محمد خواجوی، تهران، مولی.
۳۴. قیصری، داوود بن محمود (۱۳۸۱). **رسائل قیصری**، مصحح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۳۵. قیصری، داوود بن محمود (۱۳۷۵). **شرح فصوص الحکم**، مصحح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۳۶. کارگر، رحیم (تابستان و پاییز ۱۳۸۷). «**بصیرت اخلاقی در عصر ظهور سازوکارها و روش ها**»، انتظار موعود، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۴۳-۸۶.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). **الکافی**، قم، دارالحدیث.
۳۸. مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴ق). **لوامع صاحبقرانی (شرح فقیه)**، قم، اسماعیلیان.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). **مرآة العقول**، تهران، اسلامیة.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). **مجموعه آثار**، تهران، صدرا.
۴۱. موسی زاده، رقیه (زمستان ۱۳۹۶). «**توحید گرایی رهاورد عصر ظهور**»، مشرق موعود، شماره ۴۴، صص ۷-۳۴.
۴۲. میرزایی، محمد و علی اکبر حبیبی مهر (پاییز ۱۳۹۸). «**بررسی سندی و دلالتی روایت «وضع الله یده علی رؤوس العباد» در پرتو سنت های قرآنی**»، فصلنامه علوم حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، شماره ۸۹، ص ۱۰۱-۷۶.
۴۳. نسفی، عزیزالدین (۱۴۰۳ق). **الانسان الکامل**، به کوشش ماریژان موله، تهران، مولی.
۴۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبه**، تهران، نشر صدوق.

آینده پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی، با رویکرد همگرایی فناورانه

۱ هدایت کارگر شورکی

۲ فاطمه پاک نژاد

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نظام تعلیم و تربیت مهدوی، با وجود نقش راهبردی در انتقال اندیشه و حیانی به جامعه، خود تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف، از جمله نظام علم و فناوری قرار دارد و انتظار آن است، جریان نوپدید همگرایی فناورانه دارای آثار بنیادین بر آن باشد؛ اما این تأثیرات چندان روشن نیست و مهم‌تر، آن که سرنوشت نظام یادشده در مواجهه با فناوری‌های همگرا مبهم است. برای یافتن پاسخ این پرسش، پژوهش کیفی حاضر با استفاده از تکنیک‌های دلفی و سناریونگاری می‌کوشد آینده‌های محتمل در این جریان را تصویرسازی کند. در این راه، ابتدا فهرستی از کلان‌روندهای همگرایی فناورانه احصا و اولویت بندی شد و در ادامه با تلاقی دادن عدم قطعیت‌های ناظر بر این روندها، چهار سناریو از آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی (شامل شجره طیبه، ملک سلیمان، شجره خبیثه و ابراهیم در آتش) طراحی شد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مسئولان نظام تعلیم و تربیت دینی و مهدوی را در مواجهه آینده‌نگرانه با جریان توسعه علم و فناوری، به ویژه فناوری‌های همگرا راهنمایی کند.

واژگان کلیدی: مهدویت، تعلیم و تربیت مهدوی، همگرایی فناورانه، فناوری‌های همگرا، آینده‌پژوهی.

مقدمه

به گواهی مستندات متعدد و مدارک معتبر، تلاش علمی و دقیق برای دینی ساختن علوم انسانی، به ویژه دانش تربیت، از مباحث مهم فراروی اندیشمندان مسلمان به شمار می آید (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). مفهوم کلی تربیت دینی، به منزله زیرساختی برای زمینه سازی به منظور دستیابی اعضای جامعه، به مراتب ایمان و کسب دستاوردهای فردی و اجتماعی، پدیده ای کلیدی در توسعه اجتماعی جوامع دین باور محسوب می شود (توسلی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۳). علاوه بر این و به صورت خاص، استقرار «نظام تعلیم تربیت مهدوی» از اهمیت راهبردی و سرنوشت ساز در مکتب اسلام برخوردار است و از همین رو، گروه های مختلفی از قبیل خانواده، نظام آموزشی، رسانه ها و جامعه برای همراهی در اجرای این تعهد مشترک به همکاری دعوت شده اند (قاسمی نژاد و لک زایی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۹). در نظام جمهوری اسلامی نیز پرداختن به تعلیم و تربیت اعضای جامعه اسلامی، اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان، بر اساس ذخیره های ارزشمند مکتب تشیع و به ویژه آرمان انتظار و مهدویت، مسئله ای کلیدی به شمار می آید و تلاش برای تحقق نظام آموزشی و پرورشی متناسب با مختصات حیات طیبیه دینی، همواره از دغدغه های مسئولان ارشد نظام جمهوری اسلامی بوده است (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵). اهمیت و حساسیت نظام تعلیم و تربیت مهدوی برای جامعه کنونی ما از آن جا مضاعف می شود که امید می رود از طریق شناسایی مبانی تعلیم و تربیت مهدوی بتوان موجی از اندیشه های معنوی و انسان ساز اسلامی را به ساختارها و ارکان جامعه مدرن امروزی، از جمله سازمان ها و دانشگاه ها و مدارس و رسانه ها تزریق کرد (فروزنده دهکردی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷).

براساس دیدگاه بسیاری از متفکران و دین پژوهان معاصر، از آن جا که بخش مهمی از تعلیم مکتب مهدویت، در برگیرنده موضوعاتی از قبیل توجه به آینده، بایستگی آمادگی رو به آینده، برنامه ریزی و همچنین زمینه سازی برای شکل گیری آینده مطلوب است؛ میان این بخش از آموزه های اسلامی با روش ها و نگرش های ناظر بر مفهوم آینده پژوهی، تناسب و قرابت فراوانی وجود دارد (کارگر، ۱۳۹۷: ص ۶۵). این تناسب و همسویی تا حدی است که بعضی از صاحب نظران معتقدند در شریعت آسمانی اسلام، آموزه های مهدویت به عنوان مهم ترین جنبه از



رویکرد آینده‌پژوهی دینی قابل معرفی و ترویج است (علی اکبری، ۱۳۹۲: ص ۱۴۳)؛ و بر همین اساس، توصیه کرده‌اند که تعالیم متعالی مهدوی با نگاهی آینده‌پژوهانه مورد بررسی، تبلیغ و تعلیم قرار گیرد (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳). این جاست که میان دانش نو آینده‌پژوهی و نظام ارزشی تعلیم و تربیت مهدوی پیوندی راهگشا شکل می‌گیرد که حاصل آن، پدید آمدن رشته‌ای از تحقیقات و مطالعات مبتنی بر روش‌شناسی مدرن آینده‌نگارانه خواهد بود که چشم انداز پیش‌رو از پدیدار تعلیم و تربیت مهدوی را تصویرسازی می‌کند.

در میان جریان‌های تأثیرگذار بر آینده تمدن بشری در ابعاد و لایه‌های گوناگون، آنچه با عنوان «همگرایی فناورانه» یا «فناوری‌های همگرا» شناخته می‌شود؛ گروهی از شگفت‌آورترین دستاوردها را بشارت می‌دهد که از ارتقای توانایی‌های فیزیکی و ذهنی انسان شروع می‌شود و تا اتصال همواره و یکپارچه میان تمامی عناصر زنده و غیرزنده جهان طبیعی و مصنوعی ادامه می‌یابد. این پدیده بسیار جدید که از هم‌افزایی و ترکیب هوشمندانه میان چهار دانش پیشرفته نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی حاصل می‌آید؛ چنان تحولاتی را در سرتاسر حیات فردی و اجتماعی بشر ایجاد خواهد کرد که از آن، با عنوان «رنسانس جدید» یا «انقلاب تمدنی فراگیر» یاد (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶) و پیش بینی می‌شود که هیچ پدیده‌ای، از جمله نظام تعلیم و تربیت مهدوی از دامنه تأثیرات شگرف ناشی از آن به دور نخواهد ماند.

با توجه به جایگاه کم نظیر نظام تعلیم و تربیت مهدوی در نهضت فرهنگ‌ساز اسلامی و همچنین بنا بر توصیه‌های رسیده از بزرگان مکتب تشیع مبنی بر ضرورت توجه به آینده و آماده کردن جامعه مهدوی برای حضور تأثیرگذار و موفق بر آینده جهان، مقاله حاضر تلاش می‌کند با نگاهی آینده‌پژوهانه، پدیده تعلیم و تربیت مهدوی را مورد تحلیل و تصویرسازی قرار دهد. در این راه، تمرکز اصلی بر جریان نوپدید همگرایی فناورانه (ترکیب هم‌افزا میان نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی) است تا بتوان آینده‌های محتمل از تعلیم و تربیت مهدوی را در سایه تحولات برخاسته و قابل پیش‌بینی از فناوری‌های همگرا ترسیم کرد. در واقع، هدف از مطالعه پیش‌رو آن است که ابعاد مختلف از تأثیرات جریان همگرایی فناورانه بر تعلیم و تربیت مهدوی را شناسایی و با رویکردی آینده‌نگارانه، سناریوهای ممکن از آینده این



پدیده را به روشی علمی معرفی کند.

پیشینه نظری و پژوهشی

به نظر می‌رسد که در زمینه آینده‌پژوهی نظام تعلیم و تربیت مهدوی با رویکرد فناوری‌های همگرا، سوابق نظری و پژوهشی کافی در دسترس نیست؛ چرا که با وجود مطالعات اندکی که در زمینه آینده‌نگاری تأثیرات فناوری‌های همگرا در حوزه‌های مختلف انجام شده است؛ تاکنون تحقیق مستقلی که تأثیرپذیری نظام تعلیم و تربیت مهدوی را از این جریان مورد تحلیل قرار داده باشد، صورت نگرفته است. با توجه به این سطح از کمبود سوابق تحقیقاتی، ضرورت اجرای مطالعه حاضر و همچنین تمایز و نوآوری این پژوهش به صورت مضاعف درک می‌شود. خلاصه‌ای از مبانی نظری مرتبط با قلمروی موضوعی این پژوهش را می‌توان به شرح زیر گزارش کرد:

الف) تعلیم و تربیت مهدوی

تحقق اهداف توسعه جوامع در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، مستلزم وجود زیرساخت‌ها و خرده نظام‌های متعدد و به هم پیوسته‌ای است که در میان آن‌ها خرده نظام آموزش و پرورش از جایگاهی مرکزی و اهمیتی بنیادین برخوردار است؛ به صورتی که موفقیت یا ناکامی سایر عناصر و اجزای نظام توسعه، از قبیل رشد اقتصادی، توسعه فرهنگی، سلامت و امنیت، به میزان کارآمدی نظام تعلیم و تربیت وابسته خواهد بود. این خرده نظام پراهمیت و اولویت‌دار در جوامعی که با نگاه مذهبی مدیریت شوند و مناسبات اجتماعی شهروندان بر تعالیم دینی مبتنی باشد؛ از خصوصیات و شرایط ویژه‌ای برخوردار است (توسلی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۵-۱۵۷). نظام تعلیم و تربیت دینی در چنین جوامعی می‌کوشد تا بینش و رفتار انسان‌ها، خانواده‌ها و گروه‌ها را مطابق با آرمان‌های مورد انتظار مکتب دینی حاکم تنظیم کند و از این راه، همسویی الگوهای رفتاری شهروندان با هنجارهای معنوی را تضمین کند. برخی صاحب‌نظران، نظام تعلیم و تربیت دینی را مجموعه‌ای از ساختارها، فرایندها و دیدگاه‌ها تعریف کرده‌اند که ترکیب هماهنگی از معارف دینی ناظر بر توانمندسازی دانشی و بینشی دین‌باوران را استخراج، تدوین و



منتقل می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷).

ساحت ویژه‌ای از نظام تعلیم و تربیت دینی در مکتب اسلام، با استناد به تعالیم برخاسته از اندیشه مهدویت، تلاش دارد فرهنگ انتظار و آینده‌سازی را در ذهن و رفتار انسان نهادینه کند. در تبیین اهمیت تعلیمی و جایگاه تربیتی آموزه‌های مهدویت چنین گفته شده است که این مفاهیم را باید عصاره ناب تمام معارف اسلامی دانست که در آن ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد که لازم است از آن‌ها برای پرورش افراد جامعه به منظور زمینه‌سازی شرایط ضروری برای ظهور در جهت تحقق جامعه، تراز اسلامی بهره‌برداری شود (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۸۱). پیوند میان نظام تعلیم و تربیت با آموزه‌های مهدویت را می‌توان در این واقعیت نیز سراغ گرفت که مفهوم جهان‌گستر عدالت اجتماعی که از جمله اصلی‌ترین آرمان‌های مهدویت به شمار می‌آید؛ دارای ابعاد و مولفه‌های متعددی است که بخش مهمی از آن در ساختار تعلیم و تربیت نمودار خواهد شد (نصیری، ۱۳۸۷: ص ۲۱۱).

باید پذیرفت که هسته مرکزی نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، برنامه‌ریزی و تلاش هدف‌مند برای تربیت انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر واقعی مصلح جهانی است که این انسان‌ها ضمن دوری از اندیشه‌های پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به حیات طیبه و ساختن جامعه زمینه ساز و منتظر گام برمی‌دارند (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵). چنین حرکتی را که از جنس و فرهنگ و اندیشه و باور است، باید از دوران خردسالی و متناسب با اقتضائات کودکی و نوجوانی طراحی و محقق کرد. از همین روست که در تجارب عملی مروجان نظام تعلیم و تربیت مهدوی، رسانه‌هایی نظیر شعر، قصه، نقاشی و نمایش برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های این نظام دینی و تربیتی پیشنهاد شده است (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷) و امید است که از طریق بهره‌گیری هوشمندانه از این قالب‌ها و همچنین ضمن مواجهه خرد ورزانه با ویژگی‌ها و خواسته‌های مخاطبان خردسال این جریان، سازکارهایی مطمئن برای تحقق کامل و دقیق نظام تعلیم و تربیت مهدوی در آینده‌سازان جامعه دنبال شود.

از آن‌جا که به استناد دیدگاه متفکران و اندیشه‌ورزان اسلامی، مهم‌ترین کارکرد مکتب مهدویت، تعالی بخشی به اخلاق و معنویت در سطح جامعه دینی محسوب می‌شود (محمدی،



۱۳۹۲: ص ۱۱۴)؛ چنین انتظار است که الگوی جامعی از تربیت مهدوی برای دوران معاصر طراحی و نظریه پردازی شود که بتوان با تکیه بر آن بلیه‌ها و ابتلائات امروز جوامع مسلمان را برطرف کرد؛ ضمن آن که برای مواجهه با اوضاع جدید و ناشناخته در دین‌ورزان آمادگی نسبی پدید آورد (موسوی، ۱۳۹۲: ص ۹۲). طبیعی به نظر می‌رسد که چنین ضرورتی تنها از طریق تدوین چشم‌انداز بلندمدت نظام تعلیم و تربیت مهدوی قابل پیگیری است که خود، از بایسته‌های اساسی این عرصه خوانده شده است. چنین نگاهی که بر این باور هوشمندانه شکل گرفته باشد، ضمن ارائه تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی از ارزش‌ها و باورهای فراوری جامعه، تقویت‌کننده این امیدواری خواهد بود که آینده‌ای مبتنی بر عدالت و حاکمیت توحید در سراسر جهان در انتظار ماست و لذا ضروری می‌نماید که برای نقش‌آفرینی موثر بر چنان چشم‌اندازی آماده شویم (کارگر، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰).

ب) همگرایی فناورانه

طی نخستین سال‌های قرن بیست و یکم و براساس گزارشی که در سال ۲۰۰۱ میلادی از اجلاس علمی در بنیاد ملی علوم آمریکا منتشر شد؛ مفهومی جدید در ادبیات علم و فناوری جهانیان متولد گردید که امروزه آن را با عنوان همگرایی فناورانه^۱ یا فناوری‌های همگرا^۲ می‌شناسیم. هرچند برخوردهای اولیه با این اندیشه، سرشار از بهت و ناباوری و حتی انکار بود؛ به تدریج، مبانی فکری مستحکمی یافت و به سرعت در میان محافل علمی و اجرایی کشورهای پیشرفته دنیا نفوذ کرد. واضعان این تفکر معتقد بودند که جهان در آستانه انقلاب تمدنی عظیمی قرار گرفته است که دلیل آن همگرایی و هم‌افزایی میان چهار دانش-فناوری بسیار پیشرفته است. این فناوری‌های چهارگانه که ترکیب آن‌ها را با استفاده از حروف اولشان در انگلیسی «انیک^۳» و در فارسی «شزان^۴» نامگذاری کرده‌اند، عبارتند از: نانوفناوری (یا ریزفناوری)، زیست فناوری (فناوری حیاتی)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و علوم (یا

1. Technological Convergence
2. Convergent Technologies
3. NBIC: Nanotechnology, Biotechnology, Information technology, Cognitive science

۴. شزان: شناختی، زیستی، اطلاعات، نانو.

فناوری‌های) شناختی (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۰۹).

قابل یادآوری است که هرچند، مفهوم همگرایی و هم‌افزایی میان دانش‌ها و فناوری‌های مختلف دارای قدمتی دیرینه است و بیش‌تر صنعتگران و فن‌آوران با این ادبیات آشنایی دارند؛ قابلیت‌های بسیار ویژه‌ای که در ترکیب این چهار فناوری خاص وجود دارد، دنیایی کاملاً جدید و وضعیتی بسیار بدیع را به وجود خواهد آورد که گفته می‌شود، حتی درک تمامی جنبه‌های آن برای ذهن امروز بشر، دشوار و چه بسا ناممکن است. از آن‌جا که دستکاری مواد شناخته شده در مقیاس نانو می‌تواند ویژگی‌های شگفت‌انگیز و تجربه نشده از ماده را پدید آورد (مانند آب‌گریزی یا تغییر رنگ و وزن) و همین مداخلات در سازکارها و سامانه‌های حیاتی موجودات زنده می‌تواند به تحولاتی شگرف در نیازها و کارکردهای آن‌ها منجر شود (مثلاً پرورش گیاه یا جانورانی بدون نیاز به اکسیژن یا غذای محیطی)؛ انتظار چنین است که تلفیق این دو دانش با فناوری اطلاعات که قدرت کنترل لحظه‌ای بر داده‌ها و سامانه‌ها را فراهم می‌آورد، دنیایی یکپارچه و قابل کنترل را شکل دهد که تمامی اجزا و عناصر زنده یا غیرزنده‌اش به یکدیگر متصل هستند (اینترنت همه‌چیز). چنانچه این ترکیب سه‌گانه را بتوان در ابعاد شناختی انسان وارد و سازکارهای مربوط به کارکرد مغز را نیز برایش طراحی کرد، چنین امید است که سیطره ذهن بشر بر این جهان جدید، به صورتی مداوم، متکامل و بی‌کران حاصل آید (همان، ۱۳۹۸: ص ۲).

طرفداران جریان همگرایی فناورانه شزان مدعی هستند که بازسازی ذره به ذره جهان طبیعت، به مدد فناوری‌های همگرا امکان‌پذیر است و در این دنیای نوساخته، تمامی ابعاد و وجوه فردی و اجتماعی انسان، از قبیل اقتصاد، محیط زیست، سلامت و بهداشت، آموزش و پرورش، اخلاق و معنویت، فلسفه و... تاثیراتی عمیق و بنیادین خواهند پذیرفت. دستاورد اولیه چنین اوضاعی آن است که بحران‌های مزمنی همچون آلودگی زیست محیطی، کمبود آب و غذا، کاهش منابع سوخت، جنگ‌ها و ترورها و رشد جمعیت؛ به سرعت حل خواهند شد؛ هرچند منتقدان این رویکرد، هشدار داده‌اند که حتی پس از رفع این نگرانی‌ها، بحران‌هایی جدید و البته چالشی‌تر فراروی بشر همگرا قرار خواهد گرفت که یکی از آن‌ها «هویت‌ناشناسی» است؛ چرا که انسان مجهز شده به انبوهی از فناوری‌های همگرا که به صورت پوشیدنی یا کاشتنی از آن‌ها استفاده می‌کند و به یاری این فناوری‌ها از قدرت جسمی (سرعت، انعطاف، قدرت و...) و همچنین



توانایی‌های ذهنی (هوش، حافظه، قدرت یادگیری و...) بسیار بالاتری نسبت به انسان‌های واقعی و پیش از خود برخوردار است؛ نمی‌تواند خود را همچنان بشر بداند (مختاری، ۱۳۹۸: ص ۳۳).

هرچند قلمرو فناوری‌های همگرایی شزان روز به روز در حال گسترش است و هیچ سکون و ثباتی در حوزه نفوذ این جریان جدید علمی-فناورانه وجود ندارد؛ می‌توان برخی از شناخته‌شده‌ترین حوزه‌های معرفی شده از همگرایی فناورانه انبیک را بدین ترتیب برشمرد: زیست‌شناسی مصنوعی، سنجش زیستی، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، نانوزیست فناوری، نانوپزشکی، هوش مصنوعی، نانوالکترونیک، نانوفوتونیک، سایبرنتیک، روباتیک، عصب‌شناسی، چاپ سه بعدی، اینترنت همه چیز، شبیه‌سازی و مدل‌سازی (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۱۶). یادآوری می‌شود که دستاوردهای این همگرایی، به مصنوعات ملموس و مشهود (مانند کالاها یا محصولات جدید) محدود نخواهد بود و بخش مهم‌تری از این خروجی‌ها به جنبه شناختی انسان و افزایش قابلیت‌های ذهنی بشر مربوط است.

ج) آینده پژوهی

ترس از مواجهه با آینده، همواره با انسان همراه بوده است و دلیل اصلی آن را باید نااطمینانی از ادامه روندهای موجود دانست که از تجربیات چه بسا تلخ بشر در طی قرن‌ها حاصل شده است. انسان‌ها آموخته‌اند که با پیش‌بینی آینده، بهتر می‌توان آن را ساخت (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۵) و بر مبنای همین نکته است که ساحتی در علم با عنوان «آینده‌پژوهی» شکل گرفته است. آینده‌پژوهی، حوزه نسبتاً جدیدی از معارف بشر است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های مرتبط، دانشی کم نظیر محسوب می‌شود و دستاوردهای بسیار مهمی برای کشورها و جوامع به ارمغان آورده است؛ به‌گونه‌ای که آن را در زمره مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌سازی در دنیای کنونی دانسته‌اند (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳). آینده‌پژوهی، به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی، مأموریت دارد وضعیت آینده جهان را ترسیم کند تا بتوان آن را به شیوه‌ای موفقیت‌آمیزتر مدیریت کرد (کارگر، ۱۳۹۲: ص ۹۸). به بیان دیگر، آینده‌پژوهی، هنر شکل دادن به آینده است و از این منظر که قدرت شناخت و تحلیل تغییرات محیطی پیش‌رو را در اختیار



انسان هوشمند قرار می‌دهد؛ از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز جوامع و مکاتب به شمار می‌آید (پوررستمی، ۱۳۹۲: ص ۳۱). به همین دلیل است که امروزه، آینده‌پژوهی، به عنوان دانش شناخت و شکل‌دهی به آینده، جایگاه مهمی در دنیا پیدا کرده و به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها وارد شده است (علی اکبری، ۱۳۹۲: ص ۱۴۳).

براساس دیدگاه برخی محققان، فرایند آینده‌پژوهی را می‌توان مجموعه اقداماتی مطالعاتی دانست که بر شناخت آینده در موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناوری تمرکز دارد و می‌کوشد امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آن‌ها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم آورد. این دانش نسبتاً نو، در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده‌شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آن‌ها را فراهم و یا الگوها و سناریوهای مطلوب و موجهی برای آن ارائه کند (کارگر، ۱۳۹۷: ص ۶۵). صرف نظر از حوزه پژوهش، آینده‌پژوهی به شناخت یا مطالعه آینده‌های ممکن و مطلوب جامعه می‌پردازد تا بتوان براساس شناخت گذشته و اوضاع کنونی، آینده‌های پیش روی جامعه را تخمین زد و متناسب با هرکدام از آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام کرد (شاکری زواردهی و شاهرخی ساردو، ۱۳۹۲: ص ۷).

د) پیوند مهدویت با آینده‌پژوهی همگرایی فناورانه

بعد از شکل‌گیری موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی در ایران، در میان استادان و صاحب‌نظران حوزه مهدویت، رویکردهای علمی مختلفی شکل گرفته است که هرکدام از آن‌ها می‌تواند از ظرفیت ویژه خود برای تحقق آرمان‌های تمدن اسلامی بهره‌گیرد. یکی از این رویکردها، رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت بوده که از سوی برخی متفکران عرصه مهدویت مطرح شده است (برزویی، و جهانگیری فیض آبادی، ۱۳۹۷: ص ۸۲). در واقع، این رشته به عنوان رویکردی نوپا، از طریق امتزاج مبانی علمی رشته آینده‌پژوهی با آموزه‌های معنوی مکتب مهدویت به دست آمده است (الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۵۷)؛ هرچند تفاوت مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی موجب می‌شود روش‌شناسی آینده‌پژوهی مهدوی از سایر الگوهای رایج در این عرصه متفاوت و متمایز باشد (منطقی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۵۱)؛ باید این نکته را پذیرفت که نظام



معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی، متضمن مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت، قابلیت کاربرد دارند (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳).

به ادعای برخی متفکران، مهدویت در آیین اسلام به عنوان قلب تپنده تحقیقات آینده‌محور شناخته می‌شود و آینده‌پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد (پوررستمی، ۱۳۹۲: ص ۳۱). از این منظر، رویکرد آینده‌پژوهی در جوامع اسلامی و شیعی از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا از منظر دین، آینده‌سازی در ظهور امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخی روشن و جامع به پرسش‌های فطری و بنیادین بشر در خصوص زندگی مطلوب و آرمانی آینده است (شاکری زواردهی و شاه‌رخی ساردو، ۱۳۹۲: ص ۷). از این رو به اسلام پژوهان و محققان مکتب مهدویت توصیه شده است که با نگاه آینده‌پژوهانه، آموزه‌های مهدوی را تحلیل و با بهره‌گیری از روش‌شناسی دینی، تفسیری دین باور از تحولات و رخدادهای آینده ارائه و برای شکل دهی به آینده بر اساس این تعالیم آسمانی راهبردهای لازم پیشنهاد کنند (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۱). در این جنس از آینده‌پژوهی، با تأکید بر جایگاه خاستگاهی نظام حق در عالم و با گذار از نگرش‌های انسان‌بنیاد در آینده‌پژوهی تجددمدار، با محوریت بخشی به ساحت الهی عالم در جایگاهی ولایی، کنش دین‌مدارانه جوامع انسانی در رهیافتی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی مورد تأکید قرار می‌گیرد (مطهری نژاد و خزایی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۷).

تحقیقات پژوهش‌گران معاصر حاکی از آن است که اولویت‌دارترین عرصه برای اجرای مطالعات آینده پژوهانه دینی و مهدوی، نظام علم و فناوری است که در مقایسه با قلمروهای مشابه و مکمل، از قبیل اقتصاد، سیاست و هنر، از جایگاهی برجسته‌تر برخوردار است (برزویی، و جهانگیری فیض آبادی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۰). بدین ترتیب، دور از تصور نخواهد بود که مطالعات آینده‌پژوهانه در مکتب مهدویت، با جریان‌های بسیار نوپدید علمی و فناورانه از قبیل فناوری‌های همگرا نیز همسویی و تناسب داشته باشد. به نظر می‌رسد آینده مطلوبی که پس از ظهور و حکومت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انسان مسلمان منتظر تصویرسازی شده است، نشانه‌هایی از جریان همگرایی فناورانه شزان را القا می‌کند. برای مثال، می‌دانیم که بر اساس



آموزه‌های دینی در عصر ظهور، طبیعت و محیط زیست در شرایط مطلوبی قرار دارند؛ به طوری که به اوج شکوفایی و بهره‌وری و کمال مادی و معنوی خود می‌رسند (شاکری زواردهی و گورکانی، ۱۳۹۰: ص ۳۷) و تحقق چنین آینده‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های زیست‌شناسی مصنوعی باورپذیرتر خواهد بود. از سوی دیگر، نظام تعلیم و تربیت مهدوی نیز که اصلی‌ترین راهکار خود را در مفاهیمی از قبیل تلقین و باور دنبال می‌کند (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۸۲)؛ به مدد جریان همگرایی فناورانه می‌تواند از طریق ارتقای توانایی‌های ذهنی و ظرفیت‌های شناختی بشر، از بهره‌وری و اثربخشی بسیار بالاتری بهره‌مند شود.

روش تحقیق

در تبیین ویژگی‌های روش شناختی مطالعه حاضر، می‌توان به این نکته اشاره کرد که رویکرد کلی حاکم بر این تحقیق، کیفی است و در آن از تکنیک‌های دلفی و سناریونگاری استفاده شده است. بازه زمانی در این مطالعه آینده‌پژوهی، بیست ساله لحاظ شده است و مراحل اصلی آن بدین ترتیب تنظیم شده‌اند که ابتدا فهرستی از روندهای مهم بر تاثیرپذیری پدیده تعلیم و تربیت مهدوی از جریان همگرایی فناورانه تهیه شد که عبارتند از: غوطه‌وری در داده‌ها، سلطه هوش مصنوعی، نوسازی اقتصادی، اتصال همیشگی و همگانی، انعطاف‌پذیری، ظهور آبرانسان و کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی. در ادامه و ضمن مشورت با خبرگان، از طریق اجرای سه دور تکنیک دلفی، این روندهای هفت‌گانه مورد پالایش قرار گرفتند تا دو عنوان از روندهای محوری این جریان مشخص شوند. در بخش دوم، عدم قطعیت‌های تشکیل‌دهنده این کلان‌روندها (شامل جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها و سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار) مورد شناسایی قرار گرفت و از تلاقی آن‌ها چهار سناریو متمایز از آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی در سایه فناوری‌های همگرا طراحی گردیدند. فرایند تدوین سناریوها توسط محققان آغاز و از طریق مباحثه گروهی خبرگان تکمیل شده است. جامعه آماری تحقیق خبره محور حاضر را شش تن از خبرگان دانشگاهی و اجرایی تشکیل داده‌اند که در هر دو حوزه آینده‌پژوهی فناوری (با تأکید بر فناوری‌های همگرا) و تعلیم و تربیت دینی (با تأکید بر تعلیم و تربیت مهدوی) دارای سابقه تدریس، پژوهش، تألیف و یا فعالیت اجرایی باشند. شرح



مشخصات تفصیلی خبرگان این مطالعه در جدول یک آمده است. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌های محقق ساخته‌ای بوده‌اند که اعتبار آن‌ها به تایید متخصصان مرتبط رسیده است و در مراحل سه گانه اجرای تکنیک دلفی برای همگرا کردن دیدگاه‌های خبرگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. مشخصات خبرگان مطالعه

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	تعداد آثار علمی (کتاب، مقاله، پایان نامه و...)	
				فناوری‌های همگرا	تعلیم و تربیت دینی
۱	مرد	دکتری تخصصی	حقوق	۱	۳
۲	مرد	دکتری تخصصی	الاهیات	۲	۱۹
۳	زن	دکتری تخصصی	فلسفه دین	۴	۷
۴	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت منابع انسانی اسلامی	۲	۳
۵	مرد	دکتری تخصصی	مدیریت فناوری	۷	۲
۶	مرد	کارشناسی ارشد	نهج البلاغه	۱	۵

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در مراحل مختلف مطالعه حاضر، گویای یافته‌هایی هستند که شرح مختصر آن‌ها در ادامه این بخش از گزارش آمده است.

الف) یافته‌های پژوهش: ابرروندهای کلیدی همگرایی فناورانه

برای شناسایی اولیه فهرست روندهای همگرایی فناورانه، به یکی از گزارش‌های علمی منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی زبان استناد شده است. در این فهرست، هفت کلان‌روند ناشی از جریان همگرایی فناورانه معرفی شده‌اند که از ترکیب ۵۹ روند فرعی حاصل آمده‌اند (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۴). جدول ۲ فهرست این کلان‌روندهای هفتگانه را نشان داده است.



جدول ۲. کلان‌روندهای همگرایی فناوریانه (همان)

ردیف	کلان‌روند	روندهای تشکیل دهنده کلان‌روند
۱	غوطه‌وری در داده‌ها	تولید نامحدود اطلاعات، شکل‌گیری جامعه شناختی، رواج محاسبات شناختی، توسعه پردازش‌های پویا، نفوذ حسگرهای جاسازی شده، استفاده از منابع توزیع شده اطلاعات و حکمرانی دانش
۲	سلطه هوش مصنوعی	نفوذ بینش ماشینی، انسجام فناوری‌های هوشمند، استقلال بازیگران هوشمند شبکه، رشد خودکارسازی و عدم نیاز ماشین‌ها به کنترل انسانی
۳	نوسازی اقتصادی	اصلاح نظام پرداخت، تغییر ساختار مشاغل، ارتقای کیفیت زندگی، تغییر راهبردهای سازمانی، ارتقای بهره‌وری از منابع سازمانی، رشد کارایی و کاهش هزینه
۴	اتصال همگانی و همیشگی	تحقق جهان واحد (به هم پیوسته)، تسهیل ارتباطات، کیفیت ارتباطات سازمانی، مشارکت گسترده، ارتباطات نامحدود، شبکه‌گرایی، فرصت‌سازی برای تعاملات بین سیستمی، اتصال و یکپارچه‌سازی جهانی، تعاملات شبکه محور، ارتباطات انسان-ماشین، اینترنت تجهیزات (اشیا)، ارتباطات ماشین-ماشین، تعاملات متقابل فناوری‌ها و ترکیب اشیا
۵	انعطاف‌پذیری	توسعه کاربرد روبات‌های انعطاف‌پذیر، تغییر ساختارهای سازمانی، پویایی کسب و کار، افقی‌سازی ساختارها، محو شدن مرزها، تحول محیطی، انعطاف‌پذیری، غیرقابل مشاهده شدن رسانه‌ها و ابزارها و میان‌رشتگی مرز دانش‌ها و فعالیت‌ها
۶	ظهور آبر انسان	انسان‌های توانمندشده، یادگیری مادام‌العمر، جوامع توانمندشده، رفع محدودیت‌های شناختی انسان، تقویت ذهن اجتماعی، ارتقای عملکرد انسان، تقویت یادگیری و ادراک و انسان مدرن
۷	کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی	کنترل فرهنگ سازمانی، مشارکت گسترده در تصمیم‌گیری، تحول در نظام آموزش، مشارکت‌های داوطلبانه در مدیریت، انگیزش کارکنان، مهندسی فرهنگ سازمانی، کنترل توزیع شده، فرایندهای تحت کنترل، کاهش نیاز به کنترل و استانداردهای جهان‌شمول

اولویت‌بندی این روندهای هفتگانه، از طریق اجرای تکنیک دلفی و نظرخواهی از شش تن از خبرگان تخصصی انجام شده است. با برگزاری سه دور از دلفی، دو ابرروند اولویت دار و کلیدی از جریان همگرایی فناوریانه که بیش‌ترین تأثیر را بر نظام تعلیم و تربیت مهدوی خواهند داشت؛ بدین ترتیب شناسایی شدند: غوطه‌وری در داده‌ها و کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی.



ب) یافته‌های پژوهش: عدم قطعیت‌های همگرایی فناورانه

پس از تعیین ابرروندهای کلیدی همگرایی فناورانه، از خبرگان خواسته شد تا عدم قطعیت اصلی ناظر بر هرکدام از این ابرروندهای کلیدی را معرفی کنند. منظور از اصطلاح عدم قطعیت، برساخته‌ای مفهومی است که حاوی دو کرانه حدی باشد و وقوع هرکدام از این دو وضعیت کرانه‌ای نیز محتمل به نظر برسد و با اطمینان کافی نتوان پیش‌بینی کرد که کدام یک از وضعیت‌های دوگانه در آینده رخ خواهد داد یا احتمال بسیار بیش‌تری دارد. بدین ترتیب و پس از برگزاری یک جلسه نود دقیقه‌ای (با رویکرد بحث گروهی)، عدم قطعیت‌های مرتبط با هرکدام از کلان‌روندها به شرح جدول (۳) شناسایی گردید. شرح مختصری از این عدم قطعیت‌ها بدین قرار است:

الف) جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها: از آن‌جا که کلان‌روند «غوطه‌وری در داده‌ها»، به مفاهیمی از قبیل تولید بی‌رویه داده‌های متنوع و همچنین ضرورت شکل‌گیری نظام حکمرانی داده می‌پردازد؛ اصلی‌ترین ناطمینانی در این عرصه که بر آینده‌های نظام تعلیم و تربیت مهدوی تأثیر خواهد گذاشت؛ موقعیت بشر در تنظیم مناسبات میان ارکان مختلف این زیست‌بوم جدید است. خبرگان مشارکت‌کننده در این مطالعه، بر این اعتقادند که مهم‌ترین عدم قطعیت ناظر بر روند غوطه‌وری جهان در حکمرانی داده‌ها را جایگاه انسان در این نظام جدید تشکیل می‌دهد که می‌تواند دربرگیرنده دو آستانه حدی باشد که عبارتند از: اسارت انسان در نظام حکمرانی داده و حاکمیت وی بر این ساختار. طبیعی است که اگر بشر بتواند حاکمیت خود را در نظام حکمرانی داده به فعلیت برساند، نقش‌آفرینی انسان دینی در نظام تعلیم و تربیت قابل برنامه‌ریزی خواهد بود؛ اما در صورتی که بشر به اسیری تحت سلطه در این کارزار اطلاعاتی تبدیل شود، عناصری غیرانسانی (مانند هوش مصنوعی) تصمیم‌گیرنده اصلی در نظام آموزش و پرورش خواهند بود.

ب) سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار: آنچه از دیدگاه خبرگان مورد مشورت در این مطالعه دارای بیش‌ترین اهمیت در میان گزاره‌های ناظر بر عدم قطعیت مرتبط با کلان‌روند «کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی» ارزیابی می‌شود؛ ماهیت ارزشی اندیشه حاکم بر نظام کنترل رفتارهاست. به بیان دیگر، این موضوع که سازکار شکل‌دهی به رفتارهای آدمی در



آینده به اختیار کدام جریان تفکری و ارزشی باشد؛ بر آینده‌های پیش روی نظام تعلیم و تربیت دینی و مهدوی تأثیری سرنوشت‌ساز خواهد داشت. قابل پیش‌بینی است که هرکدام از آستانه‌های حدی مورد انتظار در این پیوستار، شامل سلطه دستگاه شر یا تسلط نظام خیر بر فرایندها و ساختارهای شکل‌دهنده به رفتارهای ارادی و غیرارادی بشر، آینده‌ای متفاوت و حتی متضاد از نظام تعلیم و تربیت دینی رقم خواهد زد. بسته به آن‌که دیدمان ارزشی حاکم بر رفتارهای انسان آینده، برخاسته از اندیشه‌های خیرخواهانه باشد یا برخاسته از تفکرات شرط‌بانه؛ موفقیت یا ناکامی فعالان عرصه آموزش و پرورش دینی هم دستخوش نوسان خواهد بود.

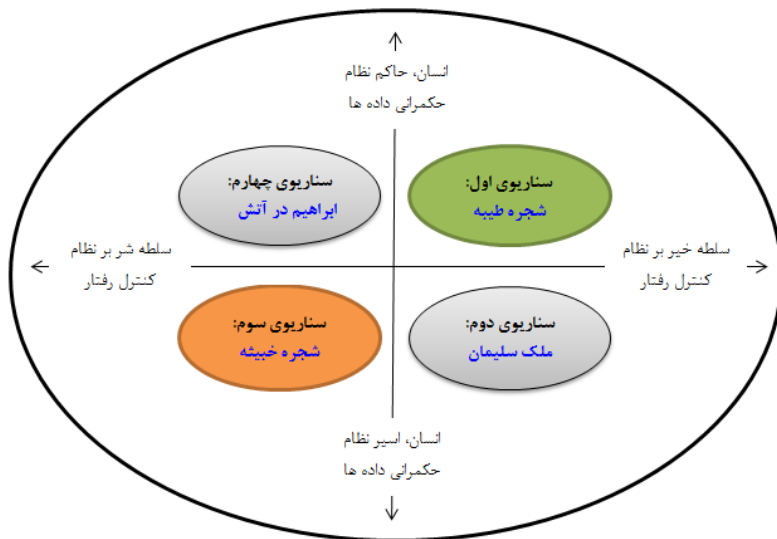
جدول ۳. عدم قطعیت‌های ناظر بر همگرایی فناورانه در نظام تعلیم و تربیت مهدوی

ردیف	عنوان کلان‌روند محوری	عنوان عدم قطعیت	وضعیت‌های کرانه‌ای عدم قطعیت
۱	غوطه‌وری در داده‌ها	جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها	انسان، حاکم نظام حکمرانی داده‌ها / انسان، اسیر نظام حکمرانی داده‌ها
۲	کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی	سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار	سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار / سلطه شر بر نظام کنترل رفتار

ج) یافته‌های پژوهش: سناریوهای آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی

اینک دو کلان‌روند کلیدی ناشی از همگرایی فناورانه شزان و موثر بر نظام تعلیم و تربیت مهدوی شناسایی شده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به این‌که برای هرکدام از این ابرروندها، دو وضعیت کرانه‌ای محتمل (عدم قطعیت) معرفی شده است؛ می‌توان با تلاقی دادن این دو کلان‌روند، چهار سناریو از آینده‌های پیش روی نظام تعلیم و تربیت مهدوی را تصویرسازی کرد. عنوان این سناریوها در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود و شرح مختصر هرکدام از آن‌ها نیز در ادامه آمده است.





نمودار ۱. سناریوهای آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی در جریان همگرایی فناورانه

سناریو اول

در این روایت از آینده که با عنوان «شجره طیبه» نامگذاری شده است؛ از یک سو، انسان به عنوان حاکم نظام حکمرانی داده‌ها، دارای اقتدار و تسلط کافی بر جریان تولید و انتشار داده و اطلاعات در سرتاسر گیتی است؛ و از طرف دیگر، نظام کنترل رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان‌ها در اختیار نظام خیر قرار دارد. صاحب نظران مورد مشورت در این مطالعه، اعتقاد دارند نظام تعلیم و تربیت دینی در چنین اوضاعی خواهد توانست به شایستگی، اهداف و آرمان‌های خویش را محقق کند؛ چرا که توسعه فناوری‌های همگرا در جهان، به خدمت اهداف آموزشی و پرورشی این سیستم در خواهد آمد و می‌توان با صرف کم‌ترین زمان یا انرژی، انبوهی از تعالیم دینی برخاسته از اندیشه مهدوی را به مخاطبان عرضه کرد. سطح پذیرش این آموزه‌ها در میان جامعه هدف نیز بسیار بالا خواهد بود و نمادهای رفتاری از تأثیرگذاری فرهنگ انتظار بر کنش‌ها و واکنش‌های شهروندان جامعه اسلامی به صورتی ملموس مشاهده می‌شود. از منظر خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش، دلیل نامگذاری این سناریو به «شجره طیبه» آن است که نظام تعلیم و تربیت دینی در این آینده، همچون درختی پر برکت، همواره در حال رشد و نمو است و دستاوردهای خود را به جامعه پیرامونش ارزانی می‌دارد. به استناد داده‌های گردآوری شده از

فرایند همفکری با خبرگان می‌توان به این برداشت دربارهٔ چنین آینده‌ای از پدیده تعلیم و تربیت مهدوی دست یافت که مفهوم واقعی انتظار سازنده در سایهٔ تحقق این اوضاع بهینه، فراهم خواهد آمد. به عبارت دیگر، در این تصویر از آینده، سازگاری محیطی برای تقویت رویکرد انتظار ناب از وضعیتی مناسب و قابل قبول برخوردار است و به مدد چنین ظرفیتی، امید آن است که جامعه اسلامی و به‌ویژه نسل جوان و در حال تعلیم شیعیان به شناخت و ادراک شایسته از مفاهیم و آموزه‌های متعالی مکتب مهدویت دست یابد.

سناریو دوم

اگر وضعیتی پدید آید که سلطه نظام خیر بر فرایند کنترل رفتارها همچنان برقرار بماند؛ اما بشر نتواند خود را بر نظام حکمرانی داده‌ها حاکم کند؛ سناریو دوم از سرنوشت نظام تعلیم و تربیت دینی رقم خواهد خورد که با عنوان «ملک سلیمان» نامیده شده است. بنا بر آنچه خبرگان مشارکت‌کننده در مطالعه اعلام داشته‌اند، در چنین فضایی، انسان با این‌که نتوانسته است ارشادت و تفوق باستانی خود را بر سایر مخلوقات و یا مصنوعات حفظ کند؛ خوشبختانه تحت حاکمیت نظام خیر قرار دارد و اختیار رفتارهای ارادی و غیرارادی خود را به حکومت دینی شایسته‌ای سپرده است که صلاح وی را دنبال می‌کند. برآیند دیدگاه اندیشمندان طرف مشورت در این پژوهش آن است که در آینده مورد نظر نظام تعلیم و تربیت دینی، انسان، همانند سایر موجودات احتمالی (مانند سایبورگ‌ها، هوش مصنوعی و روبات‌ها) و نه برتر از آن‌ها، در سیطره نظام حکمرانی داده‌ها قرار دارد و از آن‌جا که سرشتی خیرخواهانه و دین‌باور بر سامانه کنترل رفتارها تسلط یافته است؛ تعالیم آسمانی مکتب مهدویت به شایستگی در اختیار اذهان و افکار جامعه مخاطب قرار گرفته است؛ اما به دلیل سلطه‌پذیری بشر از نظام حکمرانی داده، این اندیشه‌ها همواره در حال رقابت و هموردی با اطلاعات متفاوت و حتی متناقضی است که از سوی هوش مصنوعی حاکم بر نظام حکمروایی داده‌ها ارسال می‌شود. تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت دینی در آینده مورد نظر، دست‌یافتنی، ولی چالشی و مستلزم صرف انرژی و توان قابل توجه است. منطق نامگذاری چنین سناریویی با عنوان ملک سلیمان، ناشی از این برداشت است که نظام خیر بر کلیت جهان بر رفتارها حاکم است (سلطهٔ عام پیامبر خدا حضرت



سلیمان)؛ اما موجودی به نام بشر تنها عضوی از مجموعه عناصر طبیعی است که در چنین سیطره‌ای به سر می‌برد و بر سایر موجودات (حیوانات و پرندگان و...) تفوق چندانی ندارد؛ چه بسا همچون ملکه سبا در مقابل برخی از این موجودات غیرانسانی (مثلاً اجنه) کاملاً ناتوان و اسیر محسوب می‌شود. آنچه در چنین موقعیتی باعث صلاح و فلاح انسان خواهد شد، در وهله نخست قرار گرفتن در نظام سلطه خیر (حاکمیت الهی پیامبر خدا) خواهد بود.

سناریو سوم

دشوارترین و البته تلخ‌ترین آینده برای نظام تعلیم و تربیت دینی، در اوضاعی شکل خواهد گرفت که از یک سو، بشر در سیطره نظام حکمرانی داده‌ها به اسارت درآمده باشد و از طرف دیگر، نظام کنترل رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان نیز در تسلط پدیده شر واقع شده باشد. صاحب نظران همکاری کننده در پژوهش پیش‌رو، بر این باورند که در این سناریو از آینده، به دلیل مزاحمت‌ها و ممانعت‌هایی که از سوی نظام شر، به عنوان حاکم بلامنازع فرایند کنترل رفتارها اعمال می‌شود؛ تعالیم ارزنده مکتب مهدویت، به درستی به جامعه انسانی مخاطب منتقل نمی‌شود و دسترسی به این داده‌ها بسیار دشوار و حتی غیر ممکن خواهد شد؛ ضمن آن که بشر نیز آن‌چنان در گردابی از داده‌های متفاوت و متناقض با اندیشه وحیانی و مهدوی گرفتار آمده است که توان تحلیل منطقی همان اندک دریافتی‌های آسمانی را ندارد و به همین دلیل، اهداف و آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت دینی، نامحقق و دست‌نیافتنی مانده‌اند. عنوان این سناریو «شجره خبیثه» تعیین شده است تا نشان دهد در فقدان نظام اثربخش تعلیم و تربیتی مهدوی، انبوهی از اندیشه‌های مغایر با مهدویت در حال گسترش هستند و پیامدهای منفی این رشد ملعون، گریبان جامعه را هر لحظه بیش‌تر خواهد فشرد. به بیان دیگر، درختی که در بستر سلطه نظام شر، بر رفتارهای آدمی و تسلط موجودات غیرانسانی بر نظام حکمرانی داده رشد خواهد کرد؛ گیاه رونده و مضرری است که با بهره‌گیری از ظرفیت رشد سریع و غیرقابل کنترل خود، فضای بالندگی برای سایر گیاهان سالم (اندیشه‌های وحیانی و آسمانی) را غصب و از رشد آنان جلوگیری خواهد کرد و چه بسا ادامه حیات آن‌ها را نیز با چالش روبه‌رو کند. لطمات و پیامدهای منفی حاصل از گسترش این درخت شوم بر تمامی ارکان و عناصر زیست‌بوم حیات



بشر، پایدار و فراگیر خواهد شد.

سناریو چهارم

آخرین تصویر از آینده‌های محتمل نظام تعلیم و تربیت دینی در سایه پیشرفت فناوری‌های همگرایی شزان، زمانی به وضوح قابل تصویرسازی است که سلطه شر بر نظام کنترل رفتارها همچنان تداوم داشته باشد؛ اما انسان بتواند تسلط بر نظام حکمرانی داده‌ها را در اختیار بگیرد. بیش‌تر صاحب نظرانی که در مطالعه حاضر همکاری داشته‌اند، معتقدند چنین آینده‌ای از نظام تعلیم و تربیت دینی را می‌توان با عنوان «ابراهیم در آتش» نامگذاری کرد؛ زیرا تعالیم الهی و آموزه‌های مهدوی در این عصر، همانند دوران پیامبر عظیم‌الشأن، حضرت ابراهیم بت شکن، با ابتلائات و چالش‌های دشواری مواجه است که به دلیل سلطه نظام شر بر رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان، دامنگیر مسئولان ترویج آموزه‌های مهدوی و دینی خواهد شد. در این سناریو، به دلیل تسلط بشر بر نظام حکمرانی داده‌ها، از حجم اطلاعات متفاوت و یا متناقض با اندیشه مهدوی کاسته شده است؛ ولی از آن‌جا که رفتارهای فردی و گروهی انسان‌ها تحت کنترل نظام شر قرار دارد، آموزه‌های انتشار یافته در زمینه ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت نتوانسته‌اند، در تغییر بینش و رفتار مخاطبان اثربخشی لازم ایجاد کنند و از این رو، ناکارآمدی فناوری‌ها ناشی از عدم تسلط بر فناوری کنترل رفتار، اختلال در کارکردهای مورد انتظار از نظام تعلیم و تربیت مهدوی را باعث شده است؛ به طوری که اثرگذاری تلاش‌های انجام شده در این زمینه، کافی به نظر نمی‌رسد. با استناد به دیدگاه خبرگان، می‌توان تحلیل نهایی از این آینده را بدین شرح گزارش کرد که مسئولان و متولیان نظام تعلیم و تربیت مهدوی که حقانیت و اصالت اندیشه زلال مهدویت بر آنان مسلم است؛ برای پیگیری مأموریت خیر خویش، در زمینه ابلاغ این آموزه‌ها به جامعه جوان معاصر خویش، دچار چالش‌ها و دشواری‌های متعدد خواهند بود و با آن‌که از برتری نسبی در عرصه ماهیت این تعالیم در مقایسه با مکاتب شیطانی و غیرالاهی برخوردارند؛ با سنگ‌اندازی‌ها و مانع تراشی‌های جریان کلی حاکم بر نظام کنترل رفتار مواجه هستند که از دستگاه شر ناشی می‌شود.



نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که نظام تعلیم و تربیت مهدوی، ضمن برخورداری از مأموریتی حیاتی و نقشی پر اهمیت در نظام توسعه فرهنگی-اجتماعی جامعه اسلامی؛ در تعامل با محیط اطراف خود تحت تأثیر نظام علم و فناوری قرار دارد و در این میان، جریان نوپدید که با عنوان «همگرایی فناورانه انبیک» یا «فناوری‌های همگرایی شزان» نامیده می‌شود، می‌تواند بر این پدیده تأثیراتی عمیق و سرنوشت ساز اعمال کند. نحوه تأثیرپذیری نظام تعلیم و تربیت مهدوی از فناوری‌های همگرا، وابسته به روندها و پیشران‌های متعددی است که هفت مورد از آن‌ها احصا شد و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «غوطه‌وری در داده‌ها» و «کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی». بدین ترتیب و از تلاقی عدم قطعیت‌های ناظر بر این دو کلان روند، می‌توان چهار سناریو از آینده‌های نظام تعلیم و تربیت مهدوی را متصور شد که از این قرارند:

- سناریو اول (شجره طیبه): حاکمیت انسان بر نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو دوم (ملک سلیمان): اسارت انسان در نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو سوم (شجره خبیثه): اسارت انسان در نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه شر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو چهارم (ابراهیم در آتش): حاکمیت انسان بر نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه شر بر نظام کنترل رفتار.

مطابقت یافته‌های حاصل از این مطالعه با دیگر پژوهش‌های مشابه حاکی از وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های چندی است که بدین شرح قابل گزارش به نظر می‌رسد. تحقیق بلندیان (۱۳۹۴) از این منظر که بر ضرورت نگاه آینده‌پژوهانه منبعث از آموزه‌های مهدوی بر عناصر زندگی معاصر مسلمانان تأکید دارد، هم‌سو با نتایج مطالعه حاضر ارزیابی می‌شود؛ اما در معرفی ویژگی‌های آینده مطلوب و آرمان شهری تفاوت‌هایی میان این دو پژوهش وجود دارد که دلیل اصلی آن را باید اختلاف در قلمرو موضوعی آن‌ها دانست. همچنین خروجی‌های این تحقیق در



زمینه معرفی ظرفیت‌های دانش آینده‌شناسی در تمدن اسلامی و مهدوی، یافته‌های تحقیقاتی برزویی و جهانگیری فیض‌آبادی (۱۳۹۷) را تأیید می‌کنند، علاوه بر آن که هر دو این مطالعات بر اهمیت نظام علم و فناوری، به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای تأثیرگذاری این جریان دینی اذعان داشته‌اند. وجه تمایز پژوهش پیش‌رو در مقایسه با آینده‌پژوهی گزارش شده توسط ضمیری و همکاران (۱۳۹۹)، تمرکز بر تحولات فناورانه جدید به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی شکل دهنده به آینده اخلاق و تربیت مهدوی است. در واقع با وجود همسویی نسبی مفروضات این دو پژوهش و به دلیل تفاوت در مبانی روش‌شناختی، یافته‌هایی متفاوت از آن‌ها استخراج شده است. به صورت کلی همپوشانی دستاوردهای این پژوهش در عرصه ضرورت نگاه آینده‌پژوهانه به مفهوم تعلیم و تربیت مهدوی، با آن‌چه از برخی تحقیقات قبلی، از جمله فیروزآبادی (۱۳۸۷)، مطهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، کارگر (۱۳۹۲)، الهی‌نژاد (۱۳۹۸)، شاکری زواردهی و شاهرخی ساردو (۱۳۹۲)؛ حاصل شده است؛ روشن به نظر می‌رسد.

بر مبنای نتایج این پژوهش، به مسئولان نظام تعلیم و تربیت مهدوی توصیه می‌شود ضمن تقویت تعاملات موثر با ساختارها و مسئولان نظام علم و فناوری در کشور، به پایش دراز مدت جریان‌ات توسعه فناوری، ویژه جریان همگرایی فناورانه شزنان پیردازند و از طریق ترغیب مسئولان مرتبط در نظام سیاستگذاری علم و فناوری کشور، تأسیس رصدخانه همگرایی فناورانه را در اولویت کشور قرار دهند تا بتوانند با تأثیرگذاری مثبت بر توسعه فناوری‌های همگرا در کشور، بایسته‌های پدید آمدن آینده مطلوب (سناریوی نخست با عنوان شجره طیبه) را زمینه‌سازی کنند. به محققان علاقه‌مند نیز پیشنهاد می‌شود بر اساس محدودیت‌های محقق ساخته مطالعه حاضر (به ویژه در عرصه روش‌شناختی) استفاده از تکنیک‌های رایج در رویکرد کمی به این پژوهش را مورد توجه قرار دهند و ضمن گردآوری داده‌هایی از ذینفعان مختلف نظام تعلیم و تربیت دینی و نقش‌آفرینان اصلی نظام توسعه فناوری‌های همگرا، نقشه راه تحقق آینده مطلوب این نظام را طراحی کنند.



منابع

۱. الهی نژاد، حسین (تابستان ۱۳۹۸). «مدیریت دانش مهدویت پژوهی با کاربریت دانش آینده پژوهی»، مدیریت دانش اسلامی، ش ۱، ص ۵۶-۷۴.
۲. برزویی، محمدرضا و جهانگیری فیض آبادی، احمد (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «ظرفیت شناسی رویکرد راهبردی و آینده نگارانه به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲۳، ص ۸۱-۱۲۱.
۳. بقایی، حسین، میهماندوست، حمید، قهرمانی فرد، فاضل و قهرمانی فرد، کامیار (تابستان ۱۳۹۲). «الگوی مفهومی- عملیاتی راه انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۱۶۵-۱۸۹.
۴. بلندیان، محمدمهدی (تابستان ۱۳۹۴). «گفتمان آینده پژوهی آرمانشهری در شهرهای امن اسلامی در بستر دکترین مهدویت»، مدیریت شهری، ش ۳۹، ص ۱۳۵-۱۶۳.
۵. پوررستمی، حامد (بهار ۱۳۹۲). «بایسته های علمی در آینده پژوهی مهدوی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۳۱-۴۸.
۶. توسلی، طیبیه (تابستان ۱۳۹۲). «تربیت دینی، تربیت زمینه ساز، تربیت سکولار»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۱۴۳-۱۶۳.
۷. شاکری زوردهی، روح الله و شاهرخی ساردو، رضوانه (بهار ۱۳۹۲). «مهدویت و آینده پژوهی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۷-۳۰.
۸. شاکری، روح الله و گورکانی، حجت (پاییز و تابستان ۱۳۹۰). «اخلاق زیست محیطی در عصر ظهور»، انتظار موعود، ش ۳۵، ص ۳۷-۶۰.
۹. ضمیری، محمدرضا؛ بطحائی گلپایگانی، سیدحسین؛ رضایی تالارپشتی، عبدالهادی و مصباحی جمشید، پرستو (تابستان ۱۳۹۹). «ترسیم آینده اخلاقی جهان، با تأکید بر ظرفیت های عصر ظهور»، انتظار موعود، ش ۶۹، ص ۵۳-۷۷.
۱۰. عبداللهی، ابراهیم و موسوی نسب، سیدمحمدرضا (زمستان ۱۳۹۳). «نقش روش تلقین در نهادینه سازی آموزه مهدویت برای کودکان»، انتظار موعود، ش ۴۷، ص ۸۱-۱۱۰.
۱۱. علی اکبری، راضیه (بهار ۱۳۹۲). «آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۱۴۳-۱۶۳.
۱۲. فروزنده دهکردی، لطف الله؛ بهمنی، اکبر؛ صفیان، مهدی و امیری، محمدهاشم (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک»، مشرق موعود، ش ۱۹، ص ۱۰۳-۱۲۹.

۱۳. فیروزآبادی، سیدحسن (تابستان ۱۳۸۷). «آینده نگاری راه بردی در دکترین مهدویت»، مشرق موعود، ش ۶، ص ۱۴۳-۱۶۲.
۱۴. قاسمی نژاد، زهرا و لک زایی، صغری (تابستان ۱۳۸۹). «امام رضا و تربیت نسل منتظر»، انتظار موعود، ش ۳۳، ص ۱۲۹-۱۶۰.
۱۵. قربانی، سعید (بهار ۱۳۹۲). «تحلیلی کارکردگرایانه برآموزه های متعالی مهدویت از نگاه آینده پژوهی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۱۲۳-۱۴۲.
۱۶. کارگرشورکی، هدایت؛ پاک نژاد، فاطمه و میرغفوری، سیدحبیب الله (اردیبهشت ۱۳۹۸). «آیا مدیریت به پایان عمر خود نزدیک می شود؟»، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت صنعتی، یزد.
۱۷. کارگرشورکی، هدایت؛ میرغفوری، سیدحبیب الله؛ زارع، حبیب و سلطانی، علی محمد (تابستان ۱۳۹۷). «آینده پژوهی نظام اداری متأثر از فناوریهای همگرا در ایران»، علوم مدیریت ایران، ش ۵۰، ص ۱۰۵-۱۳۲.
۱۸. کارگر، رحیم (بهار ۱۳۸۸). «آینده پژوهی مهدوی»، انتظار موعود، ش ۲۸، ص ۶۵-۱۰۶.
۱۹. _____ (بهار ۱۳۹۲). «مهدویت و جایگاه آن در چشم انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده پژوهی)»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۹۷-۱۲۲.
۲۰. محمدی، مسلم (پاییز ۱۳۹۲). «اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مولفه تربیت اخلاقی و عدالت ورزی»، پژوهش نامه اخلاق، ش ۲۱، ص ۱۱۳-۱۲۳.
۲۱. مختاری، محمود (تابستان ۱۳۹۸). «تحلیل پیش نگرانه از نسبت فناوری های نوظهور ترا-انسانی با ارزش های اخلاقی»، پژوهش نامه اخلاق، ش ۴۴، ص ۳۳-۴۶.
۲۲. مطهری نژاد، سیدمجید؛ همایون، محمدهادی و خزایی، سعید (زمستان ۱۳۹۴). «درآمدی بر آینده پژوهی فرهنگی- تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق مدار مهدویت»، دین و ارتباطات، ش ۴۸، ص ۱۱۷-۱۷۶.
۲۳. منطقی، محسن و الویری، محسن؛ رحمانی، جعفر و ابروش، رضا (زمستان ۱۳۹۷). «ارائه مدل مفهومی روشن شناسی آینده پژوهی اسلامی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، ش ۵۰، ص ۹۵۱-۹۷۲.
۲۴. موسوی، سیدمهدی (تابستان ۱۳۹۲). «تربیت حماسی؛ الگوی تربیت مهدوی»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۹۱-۱۱۴.
۲۵. نصیری، علی (تابستان و پاییز ۱۳۸۷). «کارکرد عدالت در تعاملات اجتماعی»، انتظار موعود، ش ۲۵-۲۶، ص ۱۹۹-۲۳۰.
۲۶. هاشمی، سیدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۵). «ماهیت دینی تعلیم و تربیت»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۱۸۷-۲۰۷.



بررسی شاخص‌های انتظارسازنده و انتظار مخرب در نظام تربیتی اسلام، با محوریت بیانات مقام معظم رهبری

محمد رضا جابر انصاری^۱

ندا کاوند^۲

چکیده

آموزه دینی «انتظار»، از مؤلفه‌ها و باورهایی است که اکسیر حیات بخش و از عوامل نجات بخش جوامع مسلمان از بی‌هویتی و پوچ‌گرایی و عامل تکامل و تعالی انسان‌ها می‌باشد؛ که متأسفانه این آموزه در ابعاد مختلف و با گسترش اندیشه پوچ‌گرایی، بی‌هویتی و ناامیدی مورد تهاجم قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب در نظام تربیتی اسلام است. این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که شاخص‌های انتظار سازنده و انتظار مخرب در نظام تربیتی اسلام، با محوریت منظومه فکری مقام معظم رهبری چیست. در پژوهش پیش‌رو که از جمله پژوهش‌های ترکیبی است؛ از روش تحلیل محتوای کیفی، به منظور تجزیه و تحلیل منابع و برای سنجش پایایی داده‌ها از روش کمی ضریب پایایی هولستی بهره گرفته شده و با ضریب بالای ۰/۸ مورد تأیید قرار گرفته است. براساس یافته‌ها، انتظار سازنده با شاخص‌هایی از قبیل تحول‌گرایی، نشاط و پویایی و انتظار مخرب با شاخص‌هایی از قبیل انزوا طلبی، خرافه‌گرایی و خو گرفتن به وضع موجود شناخته می‌شوند.

واژگان کلیدی: انتظار، مقام معظم رهبری، انتظار سازنده، انتظار مخرب، نظام تربیتی، شاخص‌ها.

مقدمه

«انتظار»، در حقیقت، اندیشه‌ای فراگیر، با سابقه و نقطه اوج تعالی بشری است. آموزه دینی انتظار، بهترین و کامل‌ترین شیوه‌ها را برای رسیدن به زندگی متعالی برای جامعه انسانی تصویر و ترسیم می‌کند؛ و فرا رسیدن دنیایی برتر را از لحاظ معنوی و مادی (اسحاقی، ۱۳۸۰: ص ۹۸-۹۹)؛ به جامعه انسانی بشارت می‌دهد. لذا انتظار امری نیست صرفاً ناظر به آینده، بلکه دارای جامعیت تاریخی است که می‌تواند تمام ابعاد زندگی انسان معاصر را تحت الشعاع قرار دهد، و انسان را به سمت سعادت واقعی رهنمون کند (برزگری بنادکوکوی و همکاران، ۱۳۹۴).

انتظار، نوعی تعلیم و تربیت رهایی بخش و انقلابی و حرکتی است در جهت خودسازی، دگرسازی و زمینه‌سازی که انسان را از سلطه نیروها و امیال درونی و نیروها و موانع بیرونی بازدارنده تعالی فرد و جامعه رهایی می‌بخشد و با دمیدن روح امیدواری، پایداری و مقاومت؛ جوامع را از زوال دور نگه می‌دارد. بر همین اساس، مقام معظم رهبری در تبیین مسئله انتظار به این نکته اشاره دارند که انتظار به معنای اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است؛ حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند. از منظر ایشان، انتظار واقعی موجب می‌گردد انسان‌ها از آرزوی موهوم و غیر واقعی فاصله بگیرند و در انتظار واقعیتی عینی باشند (در نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷). بنابراین، انتظار واقعی، عامل آمادگی جامعه انسانی در حوزه‌های مختلف اعتقادی-فکری، اخلاقی-تربیتی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی است؛ و موجب زنده شدن آرمان‌گرایی، نشاط، پویایی، وظیفه‌شناسی، روح امید، اطمینان و مبارزه در جامعه است. همین امر موجب گردیده است که اساسی‌ترین اقدامات مستکبران و استعمارگران در جهت انحراف مفهوم و معنای واقعی انتظار و از بین بردن عقیده امید و مبارزه در دل مردم باشد (در نیمه شعبان، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). لذا مستکبران همیشه سعی داشته‌اند که با راه‌کارهای مختلف، انتظار را از معنای واقعی و مورد نظر آموزه‌های دینی تحریف کنند، و با ترویج اندیشه‌های انحرافی و پوچ‌گرایانه، انتظاری ویرانگر و مخرب در جوامع شکل دهند. لذا ضروری است برای شناخت معنا و مفهوم واقعی انتظار و اندیشه‌های پوچ‌گرایانه و دستیابی به حیات طیبه و ساختن جامعه زمینه‌ساز و منتظر؛ گام‌های اساسی برداشته شود؛ تا جامعه و نسلی متصف به صفات خاص «منتظر»؛ که سراسر پویایی، حس مسئولیت‌پذیری، امیدواری و حرکت رو به



جلوی توأم با نشاط است؛ پرورش یابد و این مهم، جز با شناخت درست از مفهوم انتظار امکان پذیر نخواهد بود.

در این زمینه، کارهای پژوهشی متفاوتی انجام شده است که می‌توان به مقاله «ماهیت و مؤلفه بنیادین انتظار، در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای» اشاره کرد، که چهار مؤلفه اصلی «انتقاد»، «اعتقاد»، «اعتماد» و «اشتقاق»؛ را چهار چوب بنیادین انتظار معرفی کرده است (ملایی، ۱۳۹۸: ص ۸۵). در همین زمینه، مقاله «انتظار پویا» در پرتو آموزه‌های وحیانی در اندیشه مقام معظم رهبری، به بررسی عناصر انتظار پویا پرداخته و نشان داده است که انتظار پویا دارای سه عنصر «فکری»، «انگیزشی» و «رفتاری» است (منصوری و شیرزاد، ۱۳۹۸: ص ۶۱). همچنین مقاله «گفتمان انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای» بر چیستی انتظار در ساحت کلام سیاسی ایشان تمرکز کرده است (مهاجرنیا، ۱۳۹۹: ص ۸). بررسی‌های انجام شده در پیشینه موضوع، مبین این مهم است که تا کنون به طور مشخص، شاخص‌ها و مؤلفه‌های انواع انتظار مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

بی‌شک بررسی دیدگاه عالمان اسلامی و تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های انواع انتظار و طرح کلی آن در منظومه فکری آنان؛ در ارائه الگوهای تربیتی، دارای منافع بسیاری خواهد بود. مقام معظم رهبری، به عنوان صاحب نظر در عرصه دینی و متفکر و مصلح اجتماعی؛ دارای تجربه سیاسی و اجتماعی در سطوح بالا هستند که براساس آموزه انتظار، در چارچوب اندیشه سیاسی، فعالانه به کنشگری در عرصه سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند. ایشان بارها بر مسئله انتظار، به ویژه انتظار واقعی به دور از اندیشه‌های موهون و غیر واقعی پرداخته و بر لزوم مبارزه با اندیشه‌های انحرافی در مسئله انتظار تأکید کرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر، همسو با تأکیدات مقام معظم رهبری، به شناسایی شاخص‌های انتظارسازنده و مخرب در نظام تربیتی اسلام با بهره‌گیری از بیانات ایشان پرداخته است.



مفهوم شناسی انتظار

«انتظار» از مصدر باب افتعال از ماده «نظر»، به معنای به تأخیر انداختن (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ص ۸۱۴)؛ و تامل معقول برای کسب مجهول است (طریحی، ۱۹۸۵: ج ۳، ص ۴۹۸). انتظار درنگ در امور، امید بستن به آینده، چشم به راه بودن و نگران بودن است (گرامی، ۱۳۹۸: ص ۳۲). نیز انتظار به معنای چشم‌داشت، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۱۰۰)، معنا شده است. مقام معظم رهبری انتظار را این گونه تعریف می‌کند: «انتظار، یعنی امید، انتظار، یعنی اعتقاد به یک آینده قطعی (در نیمه شعبان، ۱۳۹۹/۱/۲۱)؛ یعنی ترقب، یعنی مترصد حقیقتی که قطعی است» (دیدار با اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰/۴/۱۸). کلمه انتظار بسته به این که به چه کلمه‌ای اضافه شود، معنا و مفهومی خاص پیدا می‌کند، و هر چه آن کلمه از اهمیت، عمق و ارزش بیش‌تری برخوردار باشد، انتظار را ارزشمندتر و بااهمیت‌تر می‌کند (موسوی، ۱۳۹۶: ص ۲۳۰).

در تعریف اصطلاحی، انتظار، به نوعی کیفیت روحی اشاره می‌کند که حالت آمادگی انسان‌ها را برای آنچه انتظار دارند؛ موجب می‌شود و ضد یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیش‌تر و هرچه شعله آن فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی و در نتیجه آمادگی نیز بیش‌تر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۸: ج ۲، ص ۲۱۸). انتظار؛ امید همراه با اشتیاق و آگاهی برای آینده‌ای بهتر و آینده‌نگری و تحول و رشد همه جانبه برای سعادت بشر می‌باشد (قهрман و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۵۷). مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم انتظار می‌فرماید: «انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای این که کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست؛ انتظار حرکت است؛ انتظار آمادگی است» (نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷). از دیدگاه ایشان، انتظار، عمل، آماده‌سازی، تقویت انگیزه در دل و درون، نشاط و تحرک و پویایی در همه زمینه‌هاست (همان، ۱۳۸۴/۶/۲۹)، قانع نشدن به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب است (همان، ۱۳۸۷/۵/۲۷). در جمع‌بندی معنای اصطلاحی انتظار می‌توان گفت: «انتظار از مقوله عمل و آماده‌سازی و عاملی برای تقویت انگیزه در دل و نشاط و تحرک و پویایی است که موجب

دسترسی به وضعی برتر و بالاتر در همه زمینه‌ها و ابعاد می‌گردد».

انواع انتظار

ابهامات موجود در مقوله انتظار و دریافت‌ها و تعبیرهای گوناگون از تحولات تاریخی، موجب برداشت‌های متفاوت از مفهوم انتظار شده و همین امر دو نوع انتظار را ترسیم کرده است: انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهد آور؛ و انتظار مخرب، ویرانگر و فلج کننده.

الف) انتظار مخرب

عده‌ای پایان دوره انتظار را امری تصادفی دانسته که به وسیله دستی غیبی انسان‌ها در دنیای پر از ظلم و فساد نجات خواهند یافت. این دسته از افراد معتقدند در مسئله انتظار هیچ مسئولیتی ندارند و فقط باید تماشاگر باشند. دنیا را باید به حال خود گذاشت و جز این، برای رهایی از وضع موجود راهی وجود ندارد (قوی هیکل بوانلو و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۷۹). به زعم این افراد، ظهور زمانی رخ می‌دهد که در جامعه ظلم و ستم و حق‌کشی و گمراهی رواج پیدا کند؛ یعنی زمانی جامعه به سامان و نظم می‌رسد که قبل از آن دچار آشفتگی و ظلم شده باشد. وقتی که حق و حقیقت در جامعه جایگاه و طرفداری نداشته و کل جامعه را باطل گرفته باشد و فرد صالح و درستکاری در جامعه نباشد و افراد ظالم حاکم بر جامعه باشند؛ ظهور رخ می‌دهد و امام زمان برای نجات حق و حقیقت ظهور می‌کنند. بنابراین، افراد جامعه نباید دنبال اصلاح آن باشند؛ زیرا تا زمانی که جامعه سالم است و ظلمی در آن نیست، امام زمان ظهور نخواهند کرد. بنابراین، هر گناه و ظلم و فساد در جامعه مقدمه‌ای است؛ برای اصلاح کلی جامعه و همچنین مقدمه آن انفجار قریب الوقوع؛ یعنی ظهور امام زمان است. پس بهترین کار برای کمک به وقوع زود هنگام ظهور امام زمان و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۵۴).

این همان تفکر پوچ و اباهی گرانه است که مستکبران تزریق کرده‌اند تا هر نوع حرکت و اقدام قبل از ظهور حضرت را شکست خورده و ناموفق جلوه دهند. امام خمینی در رد اندیشه این افراد می‌فرماید:

این طور نیست که حالا ما منتظر ظهور امام زمان هستیم در خانه‌هایمان بنشینیم،



تسبیح در دست بگیریم و بگوییم عجل الله! شما باید زمینه را فراهم کنید، برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید با هم بشوید (خمینی، ۱۳۹۹: ج ۱۸، ص ۱۹۵). مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرماید: «یک معنای انحرافی در باب انتظار این است که، شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید! (دیدار با مردم، ۱۳۶۹/۱۲/۱).

ایشان در رد این تفکر و اندیشه انحرافی می‌فرمایند: انتظار، امید را در کالبد روح و جسم ملت‌ها دمیده و موجب می‌شود؛ انسان به مبارزه پردازد و راه را باز کند و پیش برود؛ و بدانند وضعیتی که آن‌ها را رنج می‌دهد و دل‌هایشان را به درد می‌آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. به همین خاطر، یکی از اساسی‌ترین کارهای استعمارگران و مستکبران و ایادی آن‌ها، از بین بردن امید و انتظار مردم بوده است (دیدار با مردم، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷)؛ تا در نتیجه آن‌ها دچار ناامیدی شوند و بگویند دیگر فایده‌ای ندارد و نمی‌شود کاری کرد (همان، ۱۳۷۶/۹/۲۵). این نوع از انتظار باعث رکود، سکون و عدم تحرک و بی‌رشدی در زندگی می‌گردد. لذا مستکبران و معاندان سعی می‌کنند با ایجاد برداشتهای اشتباه و انحرافی از انتظار، انتظاری مخرب در میان ملت‌ها و جوامع مسلمان خلق کنند.

ب) انتظار سازنده

«انتظار سازنده»، مؤلفه مقابل «انتظار ویرانگر» است. ائمه معصومین علیهم‌السلام تصویری صحیح از انتظار را ترسیم کرده و از این طریق، خط بطلانی بر انتظار ویرانگر کشیده و از آن به عنوان افضل اعمال و محبوب‌ترین عمل در درگاه خداوند متعال یاد کرده‌اند. این نوع انتظار، از یک سو صبر و شکیبایی و مقاومت در برابر نابسامانی‌های زندگی و از سوی دیگر، تحرک و آمادگی را در جوامع القا می‌کند. لذا نقش سازنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. آنچه از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود، بر این موضوع دلالت دارد که منظور از ظهور منجی این نیست که جناح حق و عدل و ایمان باید همیشه شکست بخورد و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود (قوی هیکل بوانلو و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۷۷-۷۸)؛ بلکه این احادیث و روایات بشارت دهنده پیروزی جناح حق و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی



بندوباری است. در واقع قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموع حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۵۹). انتظار سازنده برخلاف انتظار ویرانگر، در زندگی نقش مثبت دارد و موجب رشد و پویایی می‌گردد. در انتظار سازنده، افراد نسبت به وضع موجود که در آن جهالت و ظلم حاکم شده و زمینه عبودیت انسان‌ها برای خداوند سلب شده است، معترض هستند و بر این عقیده‌اند که هر چه خیر و عمل خوب انجام داده‌ایم و هرچه خیر و خوبی به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود (دیدار با مردم، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱). در انتظار سازنده، دل‌ها نسبت به پایان راه زندگی بشر، سرشار از امید می‌باشد (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)؛ و به یک حقیقت قطعی که آینده‌ای پر از نور و روشنایی است، یقین می‌آورند. وقتی انسان یقین دارد که چنین آینده‌ای هست؛ باید خود را آماده کند، باید منتظر و مترصد باشد. در انتظار سازنده، پویایی، حرکت و امید وجود دارد. در این انتظار، انسان‌ها می‌دانند که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است و هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد (همان، ۱۳۸۴/۶/۲۹). لذا در هیچ حادثه‌ای از حوادث زندگی نباید دچار یأس و ناامیدی شد و همیشه و در همه حال باید انتظار فرج داشت (در نیمه شعبان، ۱۳۹۹/۱/۲۱).

۳. روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، شناسایی شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب در نظام تربیتی اسلام با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری است. براین اساس، پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های تفسیر گرایانه می‌باشد که به صورت آمیخته انجام پذیرفت. بدین منظور، در گام اول به شناخت انتظار سازنده و مخرب و شاخص‌های آن‌ها پرداخته شد. مبتنی بر اهداف پژوهش، به منظور شناسایی شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب روش بررسی اسناد و برای گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای به کار گرفته شد. در این مرحله، به صورت هدفمند، آن دسته از بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری که در حوزه انتظار، امید و مهدویت بودند، جمع‌آوری و به صورت تمام شماری بررسی و تجزیه و تحلیل شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها روش تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر استقرا به کار گرفته شد و داده‌ها در سه مرحله



کدگذاری گردیدند: در مرحله اول، کدگذاری مفاهیم مرتبط با اهداف و سؤال پژوهش در خصوص انتظار سازنده و مخرب استخراج و کدگذاری اولیه (جدول ۱) انجام شد. در این مرحله از کدگذاری، جزئیات متون و داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند و براساس ارتباط و تشابه با اهداف پژوهش، اجزای مفهومی کوچک استخراج و کدگذاری گردیدند. سپس مفاهیم و کدها مورد بررسی قرار گرفتند و مفاهیم مشابه با یکدیگر ادغام شدند.

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

نشانگر / شناسه	زیر مقوله	واحد‌ها	واحد تحلیل
Epsl1	بی صبری	انتظار غیر از بی صبری و مدّت معین کردن است	انتظار فرج غیر از بی صبری و مدّت معین کردن است که انسان، زمانی را در نظر بگیرد که در فلان تاریخ مثلاً بایستی این حادثه تمام بشود؛ یا این شدّت به پایان برسد یا حضرت ظهور کنند که انسان بی صبری کند، یا به زمین بکوبد؛ انتظار فرج این نیست. انتظار فرج، یعنی آماده‌سازی خود؛ بی صبری کردن، عجله کردن، جزو چیزهایی است که ممنوع است (بیانات در ۱۳۹۹/۱۰/۲۱).
Epsl2	تعیین وقت		
Epsl3	خودسازی	انتظار فرج، یعنی آماده‌سازی خود.	
Epsl4	عجله کردن	بی صبری کردن، عجله کردن، جزو چیزهای ممنوع است.	
Epsl14	دوری از یأس	انتظار فرج انسان را از آن حالت یأس، از حال درماندگی نجات می‌دهد.	انتظار فرج و انتظار گشایش، گشایشی است برای انسان که او را از آن حالت یأس، از حال درماندگی که به کارهای عجیب و غریبی وادار می‌کند؛ نجات می‌دهد. این که پیغمبر و ائمه این جور فرمودند، به آن معناست که اَمّت محمدی ﷺ، در هیچ حادثه‌ای از حوادث زندگی، دچار یأس و ناامیدی نمی‌شوند و همیشه در همه حال انتظار فرج دارند (بیانات در ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).
Epsl37	امید به آینده	دلگرمی مؤمنان نسبت به آینده.	بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنان نسبت به آینده است. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد (همان).
Epsl38	انگیزه داشتن	منتظر، با شوق و امید حرکت می‌کند.	
Epsl44	اطمینان	انتظار واقعی با اطمینان ملازم است.	انتظار واقعی ملازم است با اطمینان، با اعتماد. اعتماد لازمه انتظار است، و این هر دو، با امید ملازم هستند و امروز این امید برای همه ملّت‌ها و همه مردم دنیا لازم است (بیانات در ۱۳۶۸/۱/۲۲).
Epsl45	اعتماد	اعتماد، لازمه انتظار است.	

بعد از دسته‌بندی مفاهیم در مرحله اول، کدگذاری داده‌ها وارد مرحله دوم گردید. در این مرحله، هدف، ایجاد رابطه بین زیر مقوله‌های تولید شده در مرحله قبل و تبدیل زیر مقوله‌ها و مفاهیم ایجاد شده تحت لوای مقوله‌های فرعی است. اساس ارتباط دهی در این مرحله، از کدگذاری بر بسط و گسترش مقوله‌ها قرار دارد. در این مرحله یک مقوله معرفی شده و سایر زیر مقوله‌ها و کدهای مرحله قبل که دارای قرابت و شباهت معنایی با یکدیگر هستند؛ در زیر مجموعه آن (جدول ۲) قرار گرفتند.

جدول ۲. مقوله بندی کدهای اولیه

مقوله فرعی	زیر مقوله	مقوله فرعی	زیر مقوله
عدالت گستری	عدم تبعیض، مبارزه با فساد، اجرای یکسان حدود الهی و رفاه گستری در جامعه	تحول گرایی اخلاقی	آراسته شدن به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی
انزوا طلبی	عزت گزینی، بی‌رغبتی به قیام و باطن گرایی	امنیت معنوی	قوت قلب، اعتماد و اطمینان
سلب مسئولیت اجتماعی	بی‌تفاوتی به جامعه و دیگران و نداشتن تعهد به دیگران	همبستگی و وفاق اجتماعی	تعاون، همدلی و وحدت
شتاب زندگی	بی‌صبری، عجله کردن و بی‌ثباتی	امید آفرینی	امید داشتن، امید به آینده و دوری از یأس
عافیت طلبی	سستی، تنبلی، زشت دانستن مواجهه با مشکلات و آماده نبودن برای مواجهه با مشکلات	استقامت و پایداری	صبر، مقاومت، پشتکار و ثبات
پیشرفت و تعالی	پیشرفت و توسعه در همه جوانب	سلطه پذیری	ذلت پذیری و عدم مبارزه با ظلم و ستم
خو گرفتن به وضع موجود	راضی شدن به وضع موجود، عدم شناخت کاستی‌ها و نواقص اوضاع موجود و داشتن آرمان‌های محدود	خرافه گرایی	تمسک به فرقه‌های نو ظهور، ایمان به مدعیان دروغین و دل بستن به واقعیت‌های موهوم
خرد ورزی و بصیرت	شناخت مفهوم انتظار، شناخت دشمن، دانش و آگاهی، تجزیه و تحلیل مسائل	حرکت، نشاط و پویایی	تلاش‌گری، عبور از موانع و مشکلات، عمل گرایی و شوق به حرکت و داشتن انگیزه
هدف مندی	مقصد و مسیر داشتن، حرکت	کمال طلبی	تهذیب نفس، خودسازی و



	هدفمند و دوراندیشی		اصلاح‌گری
تعهدمندی	مسئولیت پذیری فردی و مسئولیت پذیری اجتماعی	دین‌مداری	حاکمیت اسلام، تحقق آموزه‌های اسلام در جامعه و تمسک به اسلام

در ادامه با هدف یکپارچه کردن و پالایش مقولات فرعی، مقولات با یکدیگر مقایسه شدند و تعدادی از آن‌ها که با یکدیگر قرابت معنایی بیش‌تری داشتند و با یکدیگر ارتباط برقرار کرده بودند؛ در سطح بالاتری از انتزاع زیر مجموعه مقولات عام‌تری قرار گرفتند و یک مقوله اصلی را شکل دادند. براساس تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها، در این مرحله، ۱۳ مقوله برای انتظار سازنده و ۷ مقوله برای انتظار مخرب شناسایی گردید.

جدول ۳. شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله فرعی
انتظار سازنده	همبستگی و وفاق اجتماعی	انتظار مخرب	انزوای طلبی
	پیشرفت و تعالی		عافیت طلبی
	دین‌مداری		خرافه‌گرایی
	خردورزی و بصیرت		سلطه‌پذیری
	هدف‌مندی		شتاب‌زدگی
	کمال‌طلبی		سلب مسئولیت اجتماعی
	استقامت و پایداری		خو گرفتن به وضع موجود
	تعهدمندی		
	عدالت‌گستری		
	حرکت، نشاط و پویایی		
	امید آفرینی		
	امنیت معنوی		
	تحول‌گرایی اخلاقی		

برای تامین اعتبار یافته‌ها، از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا باورپذیری، اطمینان‌پذیری انتقال‌پذیری و تاییدپذیری بهره‌گرفته شد. اعتباریابی یافته‌ها به وسیله رفت و برگشت‌های دائمی محقق به داده‌های دست اول و ارزیابی و کمک‌گیری از دیدگاه‌های خبرگان انجام

پذیرفت. بدین منظور، داده‌ها و مقوله‌های استخراج شده در اختیار خبرگان قرار داده شد و دیدگاه‌های آن‌ها در کدگذاری و دسته بندی مقولات اعمال گردید. سپس کدهای تعدیل شده با خبرگان در تحقیق به اشتراک گذاشته و از آن‌ها خواسته شد در مورد اعتبار و تأییدپذیری نتایج و دسته بندی مقوله‌ها اظهار نظر کنند. بازخورد آن‌ها در مورد کد گذاری‌های انجام شده و دسته بندی مقوله‌ها، حاکی از مطلوبیت فرآیند و اعتبار نتایج بود.

در پژوهش حاضر، برای سنجش پایایی از روش هولستی استفاده شد. در این روش، متون در دو مرحله کدگذاری می‌شوند و سپس براساس فرمول (۱) پایایی داده‌های اسمی بر حسب «درصد توافق مشاهده شده»، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

$$PAO = 2M / (N1+N2) \text{ فرمول ۱}$$

M: تعداد موارد کدگذاری مشترک بین کدگذاران؛

N1: موارد کدگذاری شده قبل از دیدگاه خبرگان؛

N2: موارد کدگذاری شده بعد از اظهار دیدگاه کدگذاران؛

PAO: بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از ۷٪ بزرگ‌تر باشد، مطلوب می‌باشد (نوری و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۵۷).

به منظور سنجش پایایی داده‌ها، مفاهیم در مرحله اول توسط خود پژوهشگر از متن مکتوبات و منابع گردآوری، استخراج و زیر مقوله‌ها دسته بندی گردیدند. در ادامه با مراجعه به خبرگان این حوزه زیر مقوله‌ها و مقوله‌ها مجدداً با نظارت آن‌ها استخراج و دسته بندی شدند. سپس این دو مرحله مقایسه و بر مبنای توافق کدگذاران، ضریب پایایی با استفاده از روش هولستی و مطابق فرمول (۱) محاسبه گردید. میزان همبستگی دیدگاه خبرگان با محاسبه ضریب هولستی یا «درصد توافق مشاهده شده» در سطح تحلیل مقوله‌ها ۸۵٪ و در سطح زیر مقوله‌ها ۹۴٪ به دست آمد که مقدار قابل توجهی است. براین اساس، نتایج ارزیابی ضریب پایایی هولستی (بالای ۸۰٪) نشان می‌دهد؛ نتایج از قابلیت اعتماد بالایی برخوردار است.



جدول ۴. ضریب پایایی هولستی

ضریب پایایی هولستی PAO	موارد مشترک (M)	مرحله دوم کدگذاری (N2)	مرحله اول کدگذاری (N1)	مسطح تحلیل
٪۸۵	۵۱	۵۸	۶۲	مقوله‌ها
٪۹۴	۹۸	۱۱۲	۹۵	زیر مقوله‌ها

تحلیل یافته‌های پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، برای شناسایی شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب در نظام تربیتی اسلام، بیانات مقام معظم رهبری به صورت هدفمند بررسی گردیدند و آن دسته از سخنرانی‌ها و بیانات ایشان که با هدف پژوهش همسو بودند، انتخاب شدند و به صورت تمام شماری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش «تحلیل محتوای کیفی» بهره گرفته شد. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، همبستگی و وفاق اجتماعی، پیشرفت و تعالی، دین‌مداری، خردورزی و بصیرت، هدف‌مندی و کمال‌طلبی، استقامت و پایداری، عدالت‌گستری، امید‌آفرینی، امنیت معنوی، تحول‌گرایی اخلاقی و حرکت، نشاط و پویایی شاخص‌های انتظار سازنده هستند و انزوا طلبی، خرافه‌گرایی، عافیت‌طلبی، سلطه‌پذیری، عافیت‌طلبی، سلب مسئولیت اجتماعی و خو گرفتن به وضع موجود از شاخص‌های انتظار مخرب می‌باشند. در ادامه به معرفی این شاخص‌ها پرداخته می‌شود.

انتظار سازنده

مهم‌ترین شاخص‌های انتظار سازنده عبارتند از:

الف) وفاق و همبستگی اجتماعی

براساس یافته‌ها، مقوله «وفاق و همبستگی اجتماعی» شامل تعاون، همدلی و وحدت است. وفاق و همبستگی اجتماعی، به معنای مبنا قرار دادن متن کلی دین اسلام برای همه جوامع مسلمان و برکنار کردن عقاید شخصی و خصوصیات آرای فرهنگ محلی است. وفاق و همبستگی اجتماعی آثار و برکات بسیاری به دنبال دارد؛ از جمله رسیدن به آسایش و آرامش (آل عمران: ۱۰۳ و انعام: ۶۵). برچیده شدن زمینه سلطه استعمارگران و بیگانگان (قصص: ۴) و



افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان (انفال: ۴۶). در سایه همبستگی و وفاق اجتماعی، امت اسلامی با حفظ باورها و بینشی خود، و بر محور اشتراکات دینی در زیر پرچم اتحاد و وحدت اسلامی قرار گرفته و در مقابل خطرهایی که اصل اسلام و مسلمانان را تهدید می‌کند؛ ایستاده و جامعه جهانی واحد و تکامل یافته‌ای را شکل خواهد داد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، بزرگ‌ترین وظیفه منتظران، پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنان است (در نیمه شعبان، ۱۳۸۱/۷/۳۰)؛ که جامعه اسلامی را تحت لوای انتظار حقیقی قرار می‌دهد.

ب) عدالت گستری

مقوله «عدالت گستری» عدم تبعیض، مبارزه با فساد، اجرای یکسان حدود الهی، رفاه گستری در جامعه را شامل می‌شود. انتظار، یعنی حرکت دنیا به سمت عدل و قسط (مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸) و مقوله‌ای است برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه انسان‌ها، رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و فرا رسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی (دیدار با مردم، ۱۳۷۵/۱۰/۶). بنابراین، مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری، انتظار واقعی و سازنده، انتظاری است که افراد در آن، استقرار عدالت را انتظار دارند (همان، ۱۳۸۱/۷/۳۰). عدالت، به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام؛ کمک به مردم محروم و ضعیف؛ احقاق حقوق کسانی که در زیر سایه سنگین نظام طاغوتی از حقوق خودشان محروم مانده‌اند و نیز بدان معناست که عده خاصی، برای خودشان حق ویژه‌ای قائل نباشند و در استفاده از حقوق (انسانی، اجتماعی، عمومی) میان افراد تبعیض نباشد و حدود الهی به طور یکسان اجرا شوند.

ج) هدف‌مندی

براساس یافته‌ها، «هدف‌مندی» به مقصد و مسیر داشتن، حرکت هدفمند و دوراندیشی اشاره دارد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، انتظار واقعی، این اشتیاق را به انسان می‌دهد که برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر تلاش (دیدار با مردم ۱۳۷۵/۱۰/۸) و وضعیتی مطلوب برای خود ایجاد کند. انتظار سازنده، تفکر آرمانی و هدفی والا برای انسان‌ها ترسیم می‌کند؛ به طوری که در همه ابعاد معنوی و مادی زندگی فردی و اجتماعی خود نیز به صورت هدفمند حرکت و برای



دستیابی به آینده‌ای روشن تلاش می‌کند. مقام معظم رهبری معتقدند در این نوع زندگی، انسان احساس می‌کند که عمرش تلف نشده است؛ چون برای هدفی عالی زحمت کشیده است و در پایان راه نیز وقتی به گذشته خود نگاه می‌کند، می‌بیند فرسنگ‌ها به آرمان‌ها و هدف‌های والا، نزدیک شده است. لذا حسرت ندارد و احساس لذت می‌کند (دیدار اعضای نیروی هوایی ارتش، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹).

د) امید آفرینی

«امید آفرینی»، امید داشتن، امید به آینده و دوری از ناامیدی را شامل می‌شود. مشخصه اساسی انتظار سازنده، خوش بینی و امید به آینده است، که نه تنها به آینده مربوط نیست، بلکه زمان حال را هم در بر می‌گیرد و می‌تواند منشأ تحول اساسی در زندگی فردی و اجتماعی منتظر باشد. در اندیشه مقام معظم رهبری، انتظار فقط برای فرج مهدی موعود نیست و همه ابعاد زندگی فرد را دربر می‌گیرد. ایشان به این نکته اشاره می‌کنند که منتظر واقعی نباید هرگز ناامید شود و دست روی دست بگذارد، بلکه باید بداند، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد؛ پس در بن‌بست‌های جاری زندگی، همین فرج متوقع و مورد انتظار است. این، درس امید و درس انتظار واقعی به همه انسان‌ها است (دیدار با مردم، ۱۳۸۴/۶/۲۹). لذا انتظار سازنده به افراد می‌آموزد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد و آینده‌ای روشن و سعادت‌بخش و انسانی در انتظار اوست.

ه) تحرک، پویایی و نشاط

مقوله «تحرک، پویایی و نشاط»؛ تلاش‌گری، عبور از موانع و مشکلات، عمل‌گرایی، شوق به حرکت و انگیزه داشتن را دربر می‌گیرد. مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، انتظار دامنه گسترده‌ای دارد؛ بدین معنا که فرج در همه مراحل زندگی فردی و اجتماعی و فرج نهایی را دربر می‌گیرد و نباید اجازه داد که یأس و ناامیدی بر دل‌ها حاکم شود، ایشان بر انتظار فرج توصیه فراوان داشته و می‌فرمایند: بدانید که این فرج، محقق خواهد شد؛ مشروط بر این‌که شما منتظرتان، انتظار واقعی باشد، عمل باشد، تلاش باشد، انگیزه باشد، حرکت باشد. بنابراین تحرک، پویایی و نشاط در جامعه، از شاخص‌های اصلی انتظار پویا و سازنده است؛ که از



دل‌مردگی، افسردگی و خمودی جلوگیری و روح تلاش و عمل را در جامعه زنده می‌کند. از منظر ایشان، انتظار واقعی، نوعی تقویت انگیزه در دل و درون است و نشاط و تحرک و پویایی در همه زمینه‌ها است. این، در واقع، تفسیر این آیات کریمه قرآنی است: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ یا ﴿إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾. یعنی هیچ وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش ناامید شوند (دیدار با مردم، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

و) کمال طلبی

براساس یافته‌ها، تهذیب نفس، خودسازی و اصلاح‌گری، مؤلفه‌های «کمال‌طلبی» هستند. مقام معظم رهبری معتقدند لازمه انتظار خودسازی است و این که انسان خود را به شکلی، به صورتی، به هیأت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن هیأت متوقع است (دیدار دانش پژوهان و کارکنان مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸). زمانی فرد می‌تواند به این مهم دست یابد که انتظاری سازنده در وی شکل گرفته باشد. منتظر واقعی خواهان سعادت و کمال است و برای دستیابی به آن، از هیچ تلاشی فروگذار نیست و همیشه در حال خودسازی و تهذیب نفس می‌باشد. از منظر مقام معظم رهبری، بزرگ‌ترین وظیفه منتظران، آن است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی، خود را آماده کنند و زمینه‌های صلاح را در خود آماده و کاری کنند که بتوانند برای تحقق صلاح اقدام کنند (دیدار با مردم، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

ز) استقامت و پایداری

مقوله «استقامت و پایداری» صبر، مقاومت، پشتکار و ثبات را شامل می‌شود. در نظام تربیتی اسلام انتظار غیر از بی‌صبری کردن است (در نیمه شعبان، ۱۳۹۹/۱/۲۱). در واقع، این آیه کریمه به معنای انتظار واقعی است ﴿اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا﴾؛ از خدا یاری جوید، و استقامت پیشه کنید (اعراف: ۱۲۸). لذا جوهر اصلی انتظار، صبر و مقاومت است. براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، کسی که منتظر تحقق هدف آرمانی می‌باشد، باید تا فرارسیدن زمان پیدایش هدف و شکل گرفتن آرمان، پایداری و شکیبایی کند و تاب و توان را از دست ندهد، و ناملایمات را در آن راه، با بردباری بپذیرد. براین اساس، راهبرد دستیابی به اهداف و راه برون رفت از نابسامانی‌ها و



غلبه بر بحران‌ها، گوشه‌گیری، عزلت‌گزینی و رها کردن اندیشه و عمل نیست، بلکه راهبرد اساسی آن، انتظاری سازنده، پویا و بالنده است؛ که در سایه استقامت و پایداری به دست می‌آید و انسان منتظر را در دریای موج بحران‌ها مصمم و مقاوم می‌کند.

ح) امنیت معنوی

«امنیت معنوی» براساس یافته‌ها، به قوت قلب، اعتماد و اطمینان اشاره می‌کند. انتظار، یعنی اعتقاد به این که آینده‌ای قطعی وجود دارد و دورانی که در آن قرار داریم و پر از ستم‌ها و آزارهاست، به پایان خواهد رسید و بن‌بست‌ها گشوده خواهند شد. این آرامش روانی و اطمینان نفس ناشی از انتظار فرج است، که نفس و دل انسان تلاطم ندارد (در نیمه شعبان، ۱/۲۱/۱۳۹۹)؛ و گویای آن است که انتظار واقعی ملازم است با اطمینان و اعتماد (دیدار با مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). براساس منظومه فکری مقام معظم رهبری، انتظار واقعی، به معنای باور به این نکته است که تحمل مصایب و سختی‌ها، یعنی رسیدن به آینده‌ای روشن و جامعه‌ای آرمانی. این باور، امنیت و آرامش خاصی معنوی را در وجود افراد تزریق می‌کند؛ اگرچه ممکن است این افراد به ظاهر در امواج بلاها و فتنه‌ها اسیر باشند.

ط) پیشرفت و تعالی

براساس یافته‌ها، «پیشرفت و تعالی»، به معنای پیشرفت و توسعه در همه جوانب است. مفهوم انتظار به این اصل مهم اشاره دارد که نباید در برابر سختی‌ها زانو زد، بلکه باید به سمت جلو حرکت کرد و در صدد حل مشکلات و باز کردن گره‌های موجود، چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی برآمد. مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، هرچه دل‌ها با مقوله انتظار آشنا شوند و فهم و دریافت عمیق نسبت به آن پیدا کنند؛ برای دنیای ما و برای پیشرفت به سمت اهداف بهتر خواهد بود (دیدار دانش پژوهان و کارکنان مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸). ایشان با تأکید بر نقش انتظار در پیشرفت و تعالی، بر این نکته تأکید دارند که ما ملتی منتظر هستیم، ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد (دیدار با مردم، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).



ی) دین‌مداری

براساس یافته‌ها، مقوله «دین‌مداری»، حاکمیت اسلام، تحقق احکام اسلام در جامعه و تمسک به اسلام را شامل می‌شود. مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، دین‌مداری از شاخص‌های اساسی انتظار سازنده و کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است (دیدار مجموعه مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۰/۴/۱۸). ایشان حاکمیت اسلام و ایمان به قدرت نجات بخش اسلام را از شاخص‌های انتظار سازنده و از انگیزه‌های منتظران حقیقی بر شمرده و می‌فرمایند: «امروز شما به هر کشور اسلامی در شرق و غرب دنیای اسلام بروید، خواهید دید انگیزه اسلامی، تمایل به حاکمیت اسلام و... در میان مردم موج می‌زند» (چهاردهمین سالگرد امام خمینی، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴).

ک) بصیرت و خردورزی

براساس یافته‌ها، «بصیرت و خردورزی»، در برگرفته مؤلفه‌های شناخت مفهوم انتظار، شناخت دشمن، دانش و آگاهی، تجزیه و تحلیل مسائل می‌باشد. امروزه مستکبران و استعمارگران جهانی که از قدرت انتظار در پیشرفت و موفقیت جوامع اسلامی آگاه شده‌اند؛ مایل هستند، مفهوم انتظار را دچار تحریف و ملت‌های مسلمان را دچار ناامیدی کنند و با سخنانی مانند دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! (دیدار با مردم، ۱۳۷۶/۹/۲۵). می‌خواهند عقیده امید و مبارزه را در دل‌های مردم از بین ببرند (همان، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷). بصیرت و خردورزی این امکان را فراهم می‌کند تا در پیکار اندیشه‌ها و افکار گوناگون امروز دنیا با تجزیه و تحلیل مسائل، نقشه‌های دشمنان و استعمار جهانی را شناخته و در مقابل فتنه‌ها و شبهات ایستادگی کند (دیدار روحانیان استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷). لذا «بصیرت» و «خردورزی» لازمه انتظار سازنده است؛ انتظاری که اگر به درستی فهمیده شود، نمی‌گذارد مردم تسلیم بشوند (دیدار با مردم، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

ل) تحول‌گرایی اخلاقی

براساس یافته‌ها، مقوله «تحول‌گرایی اخلاقی» آراسته شدن به فضایل اخلاقی و دوری از



رذایل اخلاقی را شامل می‌شود. از منظر مقام معظم رهبری، تحول اخلاقی لازمه انتظار (دیدار استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸) و عامل تعالی و تکامل معنوی و روحی انسان‌ها است (دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۹/۱۹). ایشان معتقدند منتظر واقعی باید به اخلاق حسنه و اجتناب کننده از رذایل اخلاقی متخلق باشد؛ فردی که در زمینه صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیت‌ها تلاش می‌کند (دیدار با مردم، ۱۳۷۹/۰۸/۲۲).

م) تعهدمندی

براساس یافته‌ها، «تعهدمندی» شامل مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی است. در مفهوم انتظار، انسان‌گرایی نهفته است و لذا انتظار مقوله‌ای تنها مربوط به زمان آینده نیست، بلکه زمان حال را هم در بر می‌گیرد، و بر ابعاد گوناگون حیات انسانی، تأثیر فراوانی دارد. بیش‌ترین تأثیر بر بعد تعهدها و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، احساس دیگرخواهی و احسان دوستی است. در جامعه‌ای که فرهنگ و مفهوم انتظار سازنده نهادینه شود، افراد در برابر سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت کرده و مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌ای دینی-اجتماعی می‌شود. در قرآن کریم و در روایات، درباره مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت جامعه مطالب فراوانی ملاحظه می‌شود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». درواقع، همه آحاد جامعه نسبت به وضع جامعه مسئولند (سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴۰۰/۳/۱۴). مقام معظم رهبری به این نکته اشاره داشته و می‌فرماید: انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم. اگر بخواهیم این‌گونه عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعا نمی‌توان به عمل فردی بسنده کرد. در محیط جامعه، در محیط کشور و در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم (دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰).

انتظار مخرب

مهم‌ترین شاخص‌های انتظار مخرب عبارتند از:

الف) خرافه‌گرایی

مسئله انتظار از کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت



اسلامی (دیدار استادان و فارغ‌التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸) و در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف عالی دینی است. انتظار اگر به درستی فهمیده نشود، فهمی آسیب دیده و دریافتی آسیب زده در انسان شکل می‌دهد، که به مقاصد والای الهی راهبر نیست. حقیقت انتظار نیز مثل همه حقایق دینی بازیچه دست سودجویان گردیده، و ادعاهای شگفت‌آوری در این خصوص شده است؛ که این‌ها همان پیرایه‌های باطلی هستند که چه بسا این حقیقت روشن را در چشم و دل انسان‌های پاک نهاد مشوب کند (در نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷)؛ و آن‌ها را به سوی مدعیان دروغین سوق دهد. لذا زمانی که فهم درستی از انتظار وجود نداشته باشد و انتظار واقعی و سازنده شکل نگیرد؛ انسان‌ها مجذوب ادعاهای مدعیان دروغین می‌شوند و به «خرافه‌گرایی» پناه می‌برند؛ و همین امر زمینه‌های نابودی دین، دین‌گریزی و دگرگون شدن اسلام را فراهم می‌آورد. براین اساس و مبتنی بر یافته‌های پژوهش، مقوله خرافه‌گرایی، تمسک به فرقه‌های نو ظهور، ایمان به مدعیان دروغین و دل بستن به واقعیت‌های موهوم را شامل می‌گردد.

ب) سلطه‌پذیری

براساس یافته‌ها، «سلطه‌پذیری»، در برگرفته زیر مقوله‌های ذلت‌پذیری و عدم مبارزه با ظلم و ستم است. حقیقت انتظار اگر به درستی مورد توجه قرار گیرد، به عامل محرک جامعه اسلامی تبدیل می‌شود. انتظار، به معنای دست کشیدن از هر عمل مثبت، اقدام، مجاهدت (دیدار با مردم، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛ عدم مبارزه با ظلم و قیام و مبارزه برای تشکیل جامعه الهی و جامعه اسلامی و علوی نیست. این، بد فهمیدن دین و آموزه‌های دینی است (دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴). انتظار، یعنی این که انسان اگر می‌بیند که طواغیت عالم، چپاول‌گرانه و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند؛ نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد (دیدار با مردم، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹). این برداشت انحرافی از آموزه انتظار در کوتاه فکری و عدم بصیرت ریشه دارد و موجب شکل‌گیری نوعی تفکر و اندیشه انحرافی در افراد و جامعه نسبت به مبانی دینی می‌شود و آن‌ها را به سوی انتظاری غیر پویا و مخرب سوق می‌دهد. این نوع انتظار



از دیدگاه مقام معظم رهبری پذیرفته شده نیست. ایشان معتقدند انتظار، نوعی آمادگی است (همان، ۱۳۸۷/۵/۲۷)؛ آمادگی برای مبارزه با ظلم و ستم و گسترش عدل و قسط در جهان (مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

ج) عافیت طلبی

ضعف وجودی انسان موجب می شود افرادی که به دنبال آسایش و عدم مواجهه با دشواری ها هستند، به عرصه های عملی انتظار وارد نشوند و به زهد و پارسایی بسنده کنند؛ در حالی که انتظار، نوعی آماده سازی است؛ نوعی عمل است، بی عملی نیست (دیدار با مردم، ۱۳۸۴/۶/۲۹). مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست..... ما آن وقتی می توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود زمینه باید آماده بشود» (همان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). براین اساس، این که عده ای معتقد باشند ظهور حضرت مهدی به هیچ کوشش و زحمتی نیازمند نخواهد بود و ایشان با اعلان قیام و نهضت خود، تمام امور جهان را به دست خواهند گرفت و تمامی امور بدون زحمت و مشقتی، برای ایشان هموار خواهد شد؛ نشان از انتظار غیر سازنده آن ها است. انتظاری که بر اساس اصول و مبانی «انتظار» در اسلام شکل نگرفته است، انسان ها را به سمت بی عملی، تنبلی، تن پروری و بی شوقی نسبت به حرکت سوق می دهد آن ها را عافیت طلب می کند.

د) شتاب زدگی

«استعجال» و «شتاب زدگی»، از شاخص های انتظار مخرب است، که براساس یافته های پژوهش، مؤلفه های آن بی صبری، عجله کردن و بی ثباتی هستند. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، انتظار غیر از بی صبری و مدّت معین کردن است که انسان، «زمانی» را در نظر بگیرد که در فلان تاریخ مثلاً بایستی این حادثه تمام شود یا این شدّت به پایان برسد. این که انسان بی صبری کند، پا به زمین بکوبد؛ انتظار، این نیست. در فرهنگ انتظار، بی صبری و عجله کردن، جزء چیزهای ممنوع است (در نیمه شعبان، ۱۳۹۹/۰۱/۲۱). از منظر ایشان، یکی از آفت های انتظار، همین بی صبری و شتاب زدگی است و لذا نباید انسان بی تابی کند که مثلاً چرا



فلان کار نشد. هر چیزی قدری دارد و دارای آجل و آمدی است. خیلی از کارها حتماً باید بشود و باید برای آن آماده شد و باید کمر همّت بست؛ اما تا رسیدن به آن جا مقداری فرصت لازم است. این شتاب‌زدگی و پا به زمین کوبیدن و احساس این که ظهور به تأخیر افتاده است، احساس خوبی نیست و موجب عدم پایداری و ترک میدان می‌شود (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

ه) خو گرفتن به وضع موجود

براساس یافته‌های پژوهش، «خو گرفتن به وضع موجود»، از مؤلفه‌های انتظار مخرب است که راضی شدن به وضع موجود، عدم شناخت کاستی‌ها و نواقص اوضاع موجود، آرمان‌های محدود داشتن را شامل می‌باشد. خو گرفتن به وضع موجود، در نتیجه نداشتن فهم و برداشت عمیق و صحیح از فرهنگ انتظار است. همین امر موجب علاقه به حفظ شرایط موجود و تبدیل انتظار به امری حاشیه‌ای، واژگانی بی روح و هم ردیف با واژه‌های دیگر می‌شود؛ در حالی که براساس دیدگاه مقام معظم رهبری، انتظار واقعی، به معنای قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب است (دیدار با مردم، ۱۳۸۷/۰۵/۲۷). در این دیدگاه، انسان باید به وضع موجود، به اندازه پیشرفتی که امروز دارد، قانع نباشد و بخواهد روز به روز این پیشرفت را بیش‌تر کند (دیدار اعضای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

و) انزواطلبی

براساس یافته‌های پژوهش، «عزلت‌گزینی، بی‌رغبتی به قیام و باطن‌گرایی»، از مؤلفه‌های انزواطلبی هستند که بر اساس آموزه‌های اسلام، از شاخص‌های انتظار مخرب در آموزه‌های تربیتی اسلام می‌باشند. مقام معظم رهبری، نسبت به تهاجم دشمنان و خدشه‌دار کردن عقاید و آموزه‌های سازنده دین اسلام توسط مستکبران بارها هشدار داده و می‌فرمایند: دستگاه‌های تبلیغاتی مراکز مستکبران دنیا و روشنفکران وابسته به آن‌ها، در سطح عالم این طور تبلیغ می‌کنند که هیچ حرکتی در مقابل نظم ظالمانه کنونی ممکن نیست. با فکر انقلاب و آرمان‌گرایی مبارزه و می‌خواهند ملت‌ها را متقاعد کنند که به همین وضعیت کنونی ظالمانه دنیا بسازند و در



مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان ندهند. در تفکر مقام معظم رهبری دستگاه مستکبران به دنبال آن است که انسان‌ها را نسبت به قیام بی‌ رغبت کند؛ در حالی که از دیدگاه ایشان، راضی شدن به وضعیت کنونی، مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالم‌تاب بتابد و روز شود و همه دنیا را روشن کند! خورشید فردا، به وضع کنونی ارتباطی ندارد (دیدار با مردم، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

این جریان‌های انحرافی سعی دارند افراد را به سوی انزوا و کناره‌گیری از جامعه سوق دهند و این اندیشه را ترویج کنند که انتظار، به معنای ذکر و دعا و گوشه‌نشینی است؛ در حالی که براساس نظام تربیتی اسلام؛ انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست (همان). انتظار، نوعی عمل است. انتظار جریانی ذهنی و خالی از عمل و حرکت نیست؛ و پیش از آن که دعا خواندن و استغاثه کردن لازم باشد، انطباق ذهنی و رفتاری با خصوصیات جامعه منتظر ضروری است. انتظار به معنای گوشه‌گیری نیست و انزواطلبی، برداشت انحرافی از انتظار است.

ز) سلب مسئولیت اجتماعی

براساس یافته‌ها، «سلب مسؤولیت اجتماعی»، به معنای بی‌تفاوتی به جامعه و دیگران و تعهد نداشتن به دیگران می‌باشد. سلب مسؤولیت اجتماعی، معلول سوء برداشت از مفهوم انتظار است. مستکبران دنیا در طول سال‌های متمادی تلاش کردند به مردم این ایده را تزریق کنند که نباید در مقابل ظلم و فساد و کفر و بدی و شرارت بایستیم! و این وظیفه ما نیست که مشکل را حل کنیم. این برداشت منفی است؛ یعنی سلب مسؤولیت نسبت به همه شرارت‌ها و بدی‌های موجود در جامعه (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۰۱/۱۲). این تفکر گویای تزریق روحیه بی‌مسؤولیتی نسبت به جامعه و دیگران است؛ در حالی که در اسلام، هم فرد اصالت دارد و هم جامعه و افرادی که هر کدام با سرمایه‌ای فطری و سرمایه‌ای اکتسابی، وارد زندگی اجتماعی می‌شوند، روحاً در یکدیگر ادغام می‌گردند و هویت روحی جدید می‌یابند که از آن به «روح جمعی» تعبیر می‌شود. لذا این تفکر که افراد فقط مسؤل اعمال، رفتارها و زندگی خود هستند و فقط باید برای سعادت خود تلاش کنند، تفکر و برداشتی انحرافی از انتظار است.



نتیجه گیری

از جمله آموزه‌های دینی که از جایگاه خاصی در تفکر اسلامی برخوردار است؛ آموزه «انتظار» است. مسئله انتظار در فرهنگ تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد و از عوامل بنیادین در بالندگی تاریخ تشیع به شمار می‌آید؛ اما این مقوله به شیعه اختصاص ندارد و در همه فرقه‌های اسلامی و ادیان آسمانی به گونه‌ای از آن سخن به میان آمده است. انتظار، از مؤثرترین عوامل مقاومت و پایداری در مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی است. لذا مستکبران و استعمارگران درصددند با ایجاد انحرافات، تحریف‌ها و شبهه‌ها در امر ظهور مانع تحقق فرهنگ انتظار شوند؛ یا آن را مسخ و به امری بی‌روح و عامل نخوت و انفعال تبدیل کنند تا بتواند بر جوامع اسلامی سیطره یابد و منافع و مطامع خود را تأمین کنند. از این رو، مسئله انتظار همیشه مورد سوء استفاده معاندان و منکران قرار گرفته و در معانی و فهم آن انحرافات ایجاد شده است. علل این انحرافات در عدم معرفت و بصیرت به آموزه انتظار و عدم درک صحیح از فرهنگ انتظار ریشه دارد؛ که موجب برداشت‌های متفاوتی از آموزه انتظار شده است. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، به دو دسته انتظار سازنده و مخرب اشاره شده است. انتظار سازنده در دیدگاه مقام معظم رهبری انتظاری است که انسان‌ها و جوامع اسلامی را به اهداف والای الهی می‌رساند، و انتظار مخرب انتظاری است که موجب فاصله گرفتن از اهداف متعالی اسلام می‌گردد. در این مقاله سعی شد شاخص‌های انتظار سازنده و انتظار مخرب با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری شناسایی و تبیین گردند. بدین منظور، ابتدا مبانی نظری و پیشینه موضوع مورد بررسی قرار گرفت و سپس بیانات مقام معظم رهبری در خصوص انتظار استخراج و با روش تحلیل محتوا، بررسی و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است که در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مهم‌ترین شاخص‌های انتظار سازنده عبارتند از: همبستگی و وفاق اجتماعی، پیشرفت و تعالی، دین‌مداری، خردورزی و بصیرت، هدف‌مندی و کمال‌طلبی، استقامت و پایداری، عدالت‌گستری، امید آفرینی، امنیت معنوی، تحول‌گرایی اخلاقی و حرکت، نشاط و پویایی؛ و شاخص‌های انتظار مخرب عبارتند از: انزواطلبی، خرافه‌گرایی، عافیت‌طلبی، سلطه‌پذیری، سلب مسئولیت اجتماعی و خو گرفتن به وضع موجود.

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در حوزه انتظار، نشان داد پژوهش حاضر از پنجره‌ای



نو به موضوع انتظار در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته است. در بررسی آموزه انتظار در اندیشه و منظومه فکری مقام معظم رهبری (ملایی ۱۳۹۸)، به معرفی چهار چوب بنیادین انتظار (منصوری و شیرزاد ۱۳۹۸)؛ به تبیین عناصر انتظار پویا (مهاجرنیا ۱۳۹۹)، بر چیستی انتظار در ساحت کلام معظم له تمرکز کرده‌اند. در پژوهش حاضر سعی شد همسو با تأکیدات رهبر معظم انقلاب در خصوص شناخت و درک درست از آموزه انتظار؛ به خلاء پژوهشی احساس شده در تبیین و شناخت آموزه انتظار در منظومه فکری مقام معظم رهبری پرداخته شود؛ و شاخص‌های انتظار سازنده و مخرب مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

منابع

۱. اسحاقی، سید حسن (۱۳۸۰). *سپیده امید*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. برزگری بنادکوکي، اعظم؛ برزگری بنادکوکي، مرضیه؛ حجتی زاده، فهیمه و شاکر، زهرا (۱۳۹۴). «*تربیت معلم و تربیت مهدوی*»، تهران، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۳. خمینی (امام)، روح الله (۱۳۹۹). *صحیفه نور*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۹). *مفردات*، بیروت، دارالقلم.
۵. گرامی، غلامحسین (تابستان ۱۳۹۸). «*نشاط اجتماعی منتظران در نظریه انتظار از منظر مقام معظم رهبری*»، انتظار موعود، شماره ۶۵، ص ۵۱-۲۹.
۶. قوی هیکل بوانلو، عاطفه (۱۳۹۷). «*تأثیر باور به مهدویت در معنابخشی به زندگی انسان*»، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۷. قهرمان، مهدی؛ نبوی، سید مجید و نوری خسروشاهی، پریا (تابستان ۱۳۹۸). «*بررسی و نقد برداشت‌های انحرافی از واژه انتظار ناظر بر دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای علیه السلام*»، انتظار موعود، شماره ۶۵، ص ۵۳-۷۲.
۸. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۹۸۵م). *مجمع البحرين*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۹. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۹۸). *مکیال المکارم*، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، فراموشی.
۱۰. موسوی، سید علی (بهار ۱۳۹۶). «*فلسفه انتظار فرج با تأکید بر افضل اعمال بودن آن*»، آیین حکمت، شماره ۳۱، ص ۲۲۱-۲۴۶.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ*، قم، انتشارات صدرا.
۱۲. ملائی، حسن (زمستان ۱۳۹۸). «*بررسی اصول سبک زندگی اسلامی انتظار محور، در تعامل اجتماعی با اهل سنت*»، مطالعات مهدوی، شماره ۴۶، ص ۳۹-۵۵.
۱۳. منصوری، محمدهادی و شیرزاد، علیرضا (تابستان ۱۳۹۸). «*انتظار پویا در پژوهش‌آموزه‌های وحیانی در اندیشه مقام معظم رهبری*»، انتظار موعود، شماره ۶۶، ص ۶۱-۸۳.
۱۴. مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۹). «*گفتمان انتظار در ساحت کلام سیاسی آیت الله خامنه‌ای*»، جامعه مهدوی، شماره ۱، ص ۸-۳۱.
۱۵. نوری، فریده؛ یارمحمدیان، محمدحسین و نادى، محمدعلی (زمستان ۱۳۹۸). «*بررسی نقش مؤلفه‌های شایستگی مرتبط با فناوری در برنامه درسی*»، پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره ۶۳، ص ۴۹-۶۵.

منبع اینترنتی

16. <http://www.khamenei.ir>



واکاوی مؤلفه‌های تربیت مهدوی در اندیشه استاد مرتضی مطهری

سیدمحمدعلی میرجلیلی^۱

چکیده

ایده‌های بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی و نسبت این ایده با گفتمان مهدویت، می‌تواند در تسهیل و جهت‌دهی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و رسیدن به حاکمیت اکمل اسلامی راهگشا باشد. این پژوهش، با هدف واکاوی اندیشه‌های استاد مطهری در حوزه تربیت مهدوی صورت گرفته است. با توجه به دسترسی به آثار ایشان در قالب ۱۰۸ کتاب، متون کتاب‌ها به روش کیفی واکاوی و مفاهیم و مضامین مرتبط با تربیت مهدوی استخراج گردید. با اتکا به روش اترید-استرلینگ، به منظور اکتشاف شبکه مضامین تربیت مهدوی، مضمون‌ها در قالب ۱۳۰ مضمون اصلی دسته‌بندی گردیدند. در گام بعدی، با بسط معنایی و ارتباط مفهومی مضمون‌ها، شبکه مضامین تربیت مهدوی ذیل ۹ مضمون سازمان‌دهنده صورت‌بندی شدند: بعد شناختی، ارزشی، سیاسی، تحول‌گرایی و اصلاح شرایط، اعتدال و صلح‌طلبی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، رفتاری و اجتماعی، امید و انتظار سازنده و بعد اخلاقی و معنوی. با توجه به وسعت آثار ایشان و عمق مفهومی هر کدام از مولفه‌های استخراج‌شده، روش نوشته‌پیش‌رو چنین است که هر کدام از این مولفه‌ها به صورت مستقل از لحاظ کاربردی‌سازی مورد بررسی قرار گرفته و شیوه‌های مناسب عملیاتی برای تحقق آن‌ها در زندگی شهروندان فراهم تا از این طریق در زمینه‌سازی ظهور گامی اساسی برداشته شود.

واژگان کلیدی: تربیت مهدوی، شهید مطهری، تحلیل مضامین، روش کیفی، ظهور.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های ارزش‌مدار در قرن بیستم، جهت‌گیری‌های ارزشی خاص و جدیدی دارد که ریشه اصلی آن به اندیشه‌های مهدوی‌اش برمی‌گردد. گفتمان مهدوی که وقوع انقلاب، بستر مناسب آن برای حرکت به سمت واقعیت متحقق خود بوده است؛ با تلاش مبلغانی مانند شهیدان بهشتی و مطهری توسعه یافته است.

استاد مرتضی مطهری به عنوان متفکری اجتماعی در ساحت گفتمانی انقلاب اسلامی، بر شکل‌گیری انقلاب و تربیت نیروهای پیش‌رو در وقوع و انقلاب اسلامی و پاسداری از آن دارای نقشی کلیدی بوده است. وی در کنار نقد ساختار فکری حاکم بر دوران خود، با رویکردی برسازنده با مخاطبان خود وارد گفت‌وگو شده و طی سخنرانی‌های متعدد و پیوسته‌اش، ابعاد مختلفی از جامعه آرمانی خود را تشریح کرده و بر ساخت شهروندانی با معیارهای مهدوی و تربیت مستمر آن‌ها اولویت وی بوده است.

مهدویت و تربیت از دو منظر، دارای ارتباطی نزدیک و عمیق با یکدیگر می‌باشند: از یک سو، تربیت صحیح و پرورش نیروهای معتقد به مهدویت، زمینه تسریع قیام امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، براساس روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تربیت الهی و معنوی به بالاترین سطح خود می‌رسد (احسانی، ۱۳۹۰: ص ۷۶).

تربیت مهدوی، دارای ابعاد گوناگونی است و فراگیران را برای نوع خاصی از حیات اجتماعی، سیاسی و فردی آماده می‌کند. به همین دلیل، تربیت انسان منتظر، از جمله آرمان‌های رویکرد تربیتی انتظار است.

به زعم استاد مطهری، آرمان انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوعی فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این‌که الهام‌بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آینه بسیار شفافی برای شناخت آرمان‌های اسلامی است. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی، فلسفی و جهانی و جزئی از جهان‌بینی اسلامی، برخی فرهنگی و تربیتی و برخی سیاسی، برخی اقتصادی و برخی اجتماعی، برخی انسانی یا طبیعی هستند.

امید و آرزوی تحقق این نوید جهانی، در روایات اسلامی «افضل عبادات» شمرده شده است. اصل «انتظار فرج» از یک اصل اسلامی دیگر استنتاج می‌شود: اصل «حرمت یأس از روح‌الله».



مؤمنان به عنایات الاهی، هرگز و در هیچ اوضاعی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم ناامیدی و بیپرده‌گرایی نمی‌گردند. این «انتظار فرج» و این «عدم یأس از روح‌الله»، نوعی عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی، و به‌علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است (مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه‌السلام و مقاله شهید، ص ۱۴).

استاد مطهری، انتظار را در دو قالب صورت‌بندی کرده است: انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک‌بخش است؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند نوعی «عبادت و حق‌پرستی» شمرده شود؛ و انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت‌آور و فلج‌کننده است و نوعی «اباحی‌گری» محسوب می‌گردد (همان، ص ۱۵).

شهید مطهری به عنوان متفکری عمل‌گرا و انگیزه‌دار، در دوران فعالیت خود، به منظور تولید دانش و انتقال آن به سطح اجتماع فعالیت‌های گسترده‌ای صورت داد که کاربردی و متناسب کردن آن با اوضاع امروز جامعه ایران، مستلزم بازخوانی و واکاوی گسترده در متون برجای‌مانده از ایشان است تا در عین اتکا به دانش علمی بشری و جهانی موجود، مولفه‌ها و بایسته‌های بومی این اندیشه‌ها به‌طور ساختارمند و علمی شکل‌پذیرفته و زمینه تحقق آن‌ها فراهم آید. با توجه به دسترسی به اندیشه‌های ایشان در قالب آثار مکتوب، سوال این پژوهش ناظر بر این نکته است که ابعاد و مولفه‌های تربیت مهدوی در دیدگاه شهید مطهری کدامند؟

پیشینه پژوهش

زرقانی (۱۳۹۹)، با بررسی تحلیلی مؤلفه‌ها و ابعاد تربیت و خصایص منتظران در روایات معتبر، ضمن تبیین سه وجه تربیتی مهدویت و «انتظار» به عنوان یک جریان تربیتی، به بیان آسیب‌های احتمالی در هریک از وجوه شناسایی‌شده در تربیت مهدوی پرداخته است. نتایج تحقیق صحرانشین و همکاران (۱۳۹۹)، حاکی از تربیت سیاسی و اجتماعی افراد و فرصتی است ممتاز در تقویت تربیت شهروندی و نمایان کردن هویت فردی در جامعه که می‌تواند در مسیر تعالی شهروندی قرار بگیرد. به‌همین منظور، نظام آموزشی به‌عنوان محور یادگیری، با برنامه‌ریزی‌های آموزشی می‌تواند فرصت رشد شهروندی دانش‌آموزان را مبتنی بر



نظریات اندیشمندانی چون شهید مطهری فراهم آورد. به اعتقاد شهید مطهری، تربیت اجتماعی و سیاسی، پرورش شهروندانی است که در جهت پاسداشت ارزش‌های اسلامی و انسانی با جهت‌گیری الهی و توحیدی در زندگی اجتماعی، در فعالیت‌های عمومی جامعه مشارکت کنند. معلمی و نصرت‌زادگان (۱۳۹۹)، دیدگاه‌های شهید مطهری را در قالب دو قیاس منطقی تحلیل کرده‌اند: فطرت سالم در کنار اختیار، بشر را به سوی ویژگی‌های جامعه مهدوی هدایت می‌کند. فطرت سالم، به عنوان یکی از مصادیق «حق»، در منطق قرآن، هنگام تضاد حق و باطل، همواره اصیل و غالب خواهد بود و این امر در آیات و سنت‌های الهی نیز مشهود است. فطرت و احکام آن، گرچه گاه از مسیر درست منحرف شود؛ اصیل و ماندنی است و در زمینه‌سازی تحقق جامعه جهانی مهدوی نقش مثبتی خواهد داشت.

مرزوقی و راضی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با رجوع به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، گزاره‌های مندرج در آن را که با تربیت نسل منتظر و مهدوی مرتبط می‌باشد، استخراج کرده‌اند و مبتنی بر آن، چارچوب مفهومی برنامه‌ای آموزشی را برای تحقق آرمان‌های تربیت نسلی مهدی‌باور در مدارس ارائه کرده‌اند.

سبحانی‌نژاد، فقیهی و نجفی (۱۳۹۴)، به بررسی تجربه‌زیسته متخصصان تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در برنامه‌های درسی دانشگاهی پرداخته‌اند. از دیدگاه متخصصان، ملاحظات عملی و راهکارهای پیشنهادی گسترش و نفوذ ابعاد رفتار اخلاقی زمینه‌ساز ظهور در برنامه‌های درسی دانشگاهی را می‌توان در قالب چهار عنصر اصلی (اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی) صورت‌بندی کرد.

نتیجه پژوهش جعفری‌هرندی و نجفی (۱۳۹۲)، حاکی است به محورها و مؤلفه‌های مهدویت در کتاب‌های درسی متوسطه به میزان متفاوتی توجه شده است. در بین کتاب‌های بررسی شده، کتاب «دین و زندگی» اول متوسطه، بیش‌ترین توجه و «ادبیات فارسی» دوم متوسطه، کم‌ترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت داشته‌اند.

اباذری (۱۳۸۳)، در تحقیقی به صورت‌بندی مباحث استاد مطهری در موضوع مهدویت پرداخته است. این مباحث مشخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مهدوی، وضعیت قبل از ظهور، وضعیت بعد از ظهور، تکامل تاریخ و جامعه واحد جهانی، انتظار، وظیفه منتظران و مدعیان



مهدویت را شامل می‌شود.

مبتنی بر پژوهش‌های مذکور و همچنین بهره‌گیری از روش تحلیل مضامین، در این پژوهش تلاش شده است تصویری واضح‌تر از اندیشه‌های شهید مطهری در مورد ابعاد و مولفه‌های تربیت مهدوی ارائه شود.

روش پژوهش

براساس هدف پژوهش، رویکرد کیفی اتخاذ گردید. مبتنی بر راهبرد استفهامی^۱ و تفسیری^۲، به واکاوی تفهیمی آثار شهید مطهری در زمینه تربیت مهدوی پرداخته شده است. به‌زعم بلیکی (۱۳۹۱: ص ۳۰۹)؛ هدف راهبرد استفهامی، کشف برداشت‌های کنشگران اجتماعی از واقعیت، شیوه‌های آن‌ها در مفهوم‌سازی و معنا بخشیدن به جهات اجتماعی و معرفت‌ضمنی آن‌ها است. این راهبرد، رجوع به کاربرد مفاهیم و معانی استفاده شده از سوی کنشگران اجتماعی به منظور ارائه تفسیرهای علمی را شامل می‌شود. با توجه به تمرکز فکری شهید مطهری در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایشان بر انتقال آموزه‌های تربیتی اسلامی به مخاطبان، این آثار به مثابه منبعی برای دسترسی به خلق معانی تربیت مهدوی توسط ایشان در نظر گرفته شده است. به منظور طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های مرتبط با تربیت مهدوی در این آثار، از روش تحلیل مضامین^۳ مایلز و هابرمس^۴ (۱۹۹۴) استفاده شده است. این روش شامل سه مرحله و شش گام است. انسجام بخشی و استخراج آرای گسترده ایشان مقوله تربیت مهدوی، مستلزم رویکرد تفسیری پژوهشگر در مواجهه با متون مذکور بوده است. مقولات و مضامین برساننده تربیت مهدوی طی روش مذکور استخراج و در قالب یک شبکه مضامین صورت بندی شده است. این شبکه شامل سه لایه مضمون است: ۱. مضمون‌های پایه؛ ۲. مضمون‌های سازمان‌دهنده و ۳. مضمون مرکزی (اترید-استرلینگ، ۲۰۰۱: ص ۳۸۸). در نهایت اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با تربیت مهدوی در آرای شهید مطهری استخراج گردیده است. مبتنی بر اصول پژوهش

1. Abductive Strategy
2. Interpretative
3. Thematic Analysis
4. Miles & Huberman



کیفی (کرسول^۱، ۲۰۱۶؛ ایمان، ۱۳۸۸ و فلیک، ۱۳۹۱)؛ در این پژوهش، از استراتژی‌های ممیزی خارجی^۲ و توصیفات عمیق و غنی^۳، برای کسب قابلیت اطمینان استفاده گردید. به منظور اخذ ممیزی خارجی، مضامین مستخرج، در اختیار سه تن از پژوهشگران در اندیشه شهید مطهری قرار گرفت و کیفیت ارتباط مضامین و مطالب ایشان توسط آن‌ها بررسی شد. برخی از مضامین حذف و برخی تصحیح گردیدند و در نهایت، دیدگاه اجماعی ملاک قرار گرفت. در پژوهش حاضر، بر اساس روش اترید-استرلینگ (اترید، ۲۰۰۱: ص ۳۹۱)؛ با رجوع به آثار ایشان و مطالعه آن‌ها، جملات و مفاهیم مرتبط با مسئله پژوهش استخراج و با استفاده از فرایند کدگذاری، به انتزاع و پالایش مضامین پرداخته شد. در گام‌های بعدی، با صورت‌بندی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده انتزاع و در نهایت، براساس تفسیر الگوها به تدوین شبکه مضامین اقدام گردید.

یافته‌ها

با توجه به این که شهید مطهری در مباحث اعتقادی و اخلاقی به مختصات جامعه مهدوی و زمینه‌های کسب آمادگی برای استقبال از آن پرداخته است؛ در این پژوهش کتاب‌های ایشان واکاوی و مضامین مرتبط با تربیت مهدوی استخراج و صورت‌بندی گردیده است. براساس روش اترید-استرلینگ (همان، ص ۳۹۰-۳۹۴)؛ ۱۳۰ مضمون اصلی از متن آثار استخراج و در گام بعدی، مولفه‌های تربیت مهدوی در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده صورت‌بندی شده‌اند: شناختی، ارزشی، سیاسی، تحول‌گرایی و اصلاح شرایط، اعتدال و صلح طلبی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی، رفتاری و اجتماعی، امید و انتظار سازنده و مضمون اخلاقی و معنوی. مضمون اول، مستخرج از توجه شهید مطهری به «تقویت اعتقادات و توجه به معرفت‌شناسی» است که در قالب «بعد شناختی تربیت مهدوی» انتخاب گردید. مؤلفه مستخرج دوم، بر توجه به «ارزش‌های اساسی و معیارهای خوب و بد» ناظر بود که در قالب «بعد ارزشی تربیت مهدوی» نام‌گذاری گردیدند.

1. Creswell, John W
2. External audits
3. Rich, thick description

تأکید بر این وجه که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارای وظیفه تداوم رسالت انبیا و تشکیل حکومت جهانی برای به حاکمیت رساندن مستضعفان در جهان می باشد؛ تحت «بعد سیاسی تربیت مهدوی» صورت بندی گردید.

به زعم شهید مطهری، برای پرورش و رشد روحی و معنوی انسان ها، باید تغییرات بنیادین و اصلاحات عمیق در پندارها و رفتارهای آنان صورت گیرد و اصل بر «اصلاح بنیادین امور و تغییر و تحوّل واقعی و درونی انسان ها» است. این مفاهیم در قالب مضمون «تحول گرایی و اصلاح شرایط در تربیت مهدوی» صورت بندی شدند.

مؤلفه مستخرج پنجم، به زعم شهید مطهری «میان روی» است که یکی از توصیه های اسلام است و در واقع، افراط گرایی و عدم اعتدال، از مهم ترین آسیب های جوامع اسلامی است. این مفاهیم در قالب مضمون «اعتدال و صلح طلبی در تربیت مهدوی» صورت بندی گردید. از ویژگی های موثر بر زمینه سازی ظهور از دیدگاه شهید مطهری، تأکید بر وجه اجرای «عدالت جهانی» و «ریشه کنی ظلم» است که این وجه در قالب مضمون «ظلم ستیزی و عدالت خواهی تربیت مهدوی» صورت بندی گردید.

هفتمین مؤلفه مستخرج، بر برخورداری افراد از رفتارهای مناسب و شایسته زمینه ساز ظهور ناظر است. برای پرورش و رشد انسان ها، باید تغییرات بنیادین و اصلاحات عمیق در پندارها و رفتارهای آنان صورت گیرد. استاد مطهری برای برخی اعمال، جایگاه خاصی قائل شده و به برقراری روابط حسنه میان افراد بر اساس عدالت و صلح و صفا و تعاون و احساس و عاطفه و خدمت اشاره می کند. این مفاهیم در قالب مضمون «بعد رفتاری و اجتماعی تربیت مهدوی» صورت بندی گردیدند.

مؤلفه مستخرج هشتم، توجه به عنصر «خوش بینی» نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است. این مؤلفه بر مصادیق امیدواری به آینده و زندگی سعادت مندانه بشر در آینده ناظر است. این مفاهیم در قالب مضمون «بعد امید و انتظار سازنده تربیت مهدوی» صورت بندی شدند.

نهمین مضمون مستخرج، اشاره به «ماهیت معنوی و اخلاقی تربیت مهدوی» دارد. شکوفایی اخلاقی و معنوی، امری حیاتی و اساسی است و همه فعالیت های تربیتی و فرهنگی، حول محور



تربیت اخلاقی و معنوی می‌چرخد. این مفاهیم در قالب مضمون «بعد اخلاقی و معنوی تربیت مهدوی» صورت‌بندی گردیدند.

مضمون‌های سازمان‌دهنده:

۱. مؤلفه اول: مضمون شناختی تربیت مهدوی

مضمون اول، به کسب بینش عمیق معطوف می‌باشد که این بعد بنیان تربیت مهدوی است. به‌زعم شهید مطهری باید به تقویت اعتقاد و باور پرداخت. مضمون شناختی تربیت مهدوی، برخاسته از ۲۳ مضمون پایه یا مقوله‌های ذیل است: موعود باوری، اعتقاد به ظهور منجی، آزاد اندیشی، شناخت هستی، موقعیت شناسی، شناخت حق و باطل، شناخت امام‌زمان، شناخت برنامه، شناخت مأموریت خاص امام‌زمان، شناخت وظیفه امام‌زمان، اعتقاد به رجعت، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به جمال و زیبایی، گرایش به خلاقیت و ابداع، شناخت طبیعت، خودشناسی، معرفت الهی، معرفت امام، شناخت معیارهای حق و باطل، اعتقاد به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، توجه به اصل توحید، بصیرت دینی، رهایی از شک و تردید و خردورزی. این ۲۳ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردید؛ به‌طور مثال: مضمون پایه «موعودباوری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «ما همین‌طور که دوره به دوره پیش می‌آییم، می‌بینیم حوادثی در تاریخ اسلام پیدا شده که منشأش همین اعتقاد به ظهور مهدی موعود بوده است» (سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۲۵۱). مضمون پایه «اعتقاد به ظهور منجی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «مسئله مهدویت در اسلام - بالخاص در تشیع - یک فلسفه بزرگ است؛ اعتقاد به ظهور منجی است، نه در شعاع زندگی یک قوم و یک ملت و یا یک منطقه و یا یک نژاد، بلکه در شعاع زندگی بشریت» (امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص ۸۵). مضمون پایه «آزاداندیشی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «انسان در جمیع شئون حیاتی خود باید آزاد باشد، یعنی سدی برای پرورش هیچ‌یک از استعدادهای او در کار نباشد» (آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۹۳). مضمون پایه «شناخت حق و باطل»، از گزاره ذیل استخراج شد: «آن روز عظیم که در آن، میان حق و باطل جدایی واقع شد؛ باطل، باطل شناخته شد و حق، حق» (آشنایی با قرآن، ص ۸۶). از گزاره «خدا اعمال‌بندگان را بدون آن‌که امام‌زمان خودشان را بشناسند، نمی‌پذیرد» (عدل الهی،



ص ۳۰۰)، مضمون پایه «شناخت امام زمان» استخراج شد. مضمون پایه «خودشناسی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «خودشناسی، یعنی که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند؛ بداند خاکی محض نیست، پرتوی از روح الاهی است» (انسان در قرآن، ص ۲۹). مضمون پایه «رهایی از شک و تردید»، از گزاره ذیل استخراج شد: «با همه این حقایق روشن، باز این‌ها در یک حال شکی به سر می‌برند، شک توأم با لعب. به گوش این‌ها چیزی فرو نمی‌رود» (آشنایی با قرآن، ص ۱۱۷). سایر مضامین پایه به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.

جدول ۱. دسته بندی ابعاد مضمون سازمان دهنده اول: مضمون شناختی تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون شناختی تربیت مهدوی	موعودباوری
	اعتقاد به ظهورمنجی
	آزاداندیشی
	شناخت هستی
	موقعیت‌شناسی
	شناخت حق و باطل
	شناخت امام‌زمان
	شناخت برنامه امام‌زمان
	شناخت وظیفه امام‌زمان
	اعتقاد به رجعت
	گرایش به خیر و فضیلت
	گرایش به جمال و زیبایی
	گرایش به خلاقیت و ابداع
	شناخت طبیعت
	خودشناسی
	معرفت الاهی
	شناخت معیارهای حق و باطل
	اعتقاد به ولی عصر <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
	توجه به اصل توحید
	بصیرت دینی
رهایی از شک و تردید	
خردورزی	



۲. مؤلفه دوم: مضمون ارزشی تربیت مهدوی

مضمون دوم ظهور یافته از متن، به نظام ارزشی مهدوی از دیدگاه شهید مطهری معطوف است. ارزش‌ها با مشخص کردن خوبی‌ها و امور مطلوب برای افراد، چراغ هدایت رفتار فردی و گروهی را برمی‌افروزند. از تحلیل متون ۱۴ مقوله ذیل، سازنده مضمون ارزشی تربیتی مهدوی بودند: روحیه جهادی، روحیه سلحشوری، روحیه شهادت طلبی، روحیه شکست ناپذیری، ولایت مداری، جهاد در راه خدا، ازخودگذشتگی، ارزش‌های انسانی، احسان و ایثار، توألاً و تبتاً، پاییندگی به ارزش‌ها، اجتناب از شکستن قیود و حدود انسانی، قیام علیه بدی‌ها و روحیه ساده زیستی. این ۱۴ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «روحیه جهادی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «البته بازگردانیدن حماسه به مفاهیم اسلامی نیازمند است به جهادی فکری و قلمی و زبانی و عملی» (علل گرایش به مادی‌گری، ص ۱۹۴). مضمون پایه «روحیه سلحشوری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «حکومت ستمگر و رعب‌آور بنی‌امیه قدرت نفس‌کشیدن به کسی نمی‌داد؛ روح سلحشوری را در افراد کشته بود» (حکمت‌ها و اندرزها، ص ۲۳). مضمون پایه «روحیه شهادت طلبی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «در عین حال، آن چنان آرزوی شهادت، علی‌علیه را بی‌تاب کرد که پس از آن که شهید نمی‌شود، ناراحت می‌شود» (آزادی معنوی، ص ۵۳). مضمون پایه «ولایت‌مداری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «کمال همه آن‌ها به روح دین ولایت و امامت است. اگر انسان ولایت و امامت نداشته باشد، اعمالش حکم یک پیکر بدون روح را پیدا می‌کند» (پانزده گفتار، ص ۶۵). مضمون پایه «روحیه ساده زیستی». از گزاره ذیل استخراج شد: «علی‌علیه می‌گوید: پیغمبران در زئی قناعت و سادگی بودند و این سیاستشان بود؛ سیاست الهی؛ آن‌ها هم دل‌ها را پر می‌کردند؛ ولی نه با جلال ظاهری، بلکه با جلال معنوی که توأم با سادگی‌ها بود» (سیری در سیره نبوی، ص ۹۷). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.



جدول ۲. دسته بندی ابعاد مضمون سازمان دهنده دوم: مضمون ارزشی تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون ارزشی تربیت مهدوی	روحیه جهادی
	روحیه سلحشوری
	روحیه شهادت طلبی
	روحیه شکست ناپذیری
	ولایت مداری
	جهاد در راه خدا
	از خودگذشتگی
	ارزش های انسانی
	احسان و ایثار
	تولاً و تبراً
	پایبندی به ارزش ها
	اجتناب از شکستن قیود و حدود انسانی
	قیام علیه بدی ها
روحیه ساده زیستی	

۳. مؤلفه سوم: مضمون سیاسی تربیت مهدوی

این مضمون به لزوم تشکیل حکومت اشاره دارد و این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلابی سیاسی و دینی در جهان برپا خواهد کرد و تنها فردی است که عدالت را به معنای واقعی در همه ابعاد آن در جهان برپا خواهد کرد. مضمون سیاسی تربیت مهدوی بر ۱۳ مقوله ذیل مبتنی است: حکومت واحد جهانی، صلح و صفای کامل، عمران زمین، آزادی از جبر طبیعت و اجتماع، پیروی از ایدئولوژی، بهره گیری از مواهب زمین، حکومت اسلامی، وحدت مسلمین، مهدویت فلسفه بزرگ جهانی، فرهنگ یگانه انسانی، وحدت جهانی، رفاه و آسایش و خلافت الهی ظهور کرد. این ۱۳ مضمون پایه از متن کتاب های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه هایی می پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «حکومت جهانی واحد»، از گزاره ذیل استخراج شد: «نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود در اسلام در زمینه این الهام است. پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجل و



حکومت جهانی واحد» (قیام و انقلاب مهدی علیه السلام و مقاله شهید، ص ۵۲). مضمون پایه «صلح و صفای کامل»، از گزاره ذیل استخراج شد: «برقراری صلح و صفای کامل نه صلح مسلح، به معنای معدوم شدن روح درنده خویی و این که درنده خویی و تنازع بقا جزء سرشت انسان نیست» (یادداشت‌ها، ج ۵، ص ۷۸). مضمون پایه «حکومت اسلامی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «حکومت اسلامی واقعاً ولایت و سرپرستی است؛ سلطه‌ای است الهی و واقعاً ولایت و سرپرستی و قیمومیت است» (همان، ص ۲۹۲). سایر مضامین پایه این بعد نیز به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج شدند.

جدول ۳. دسته بندی مضمون سازمان دهنده سوم: مضمون سیاسی تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون سیاسی تربیت مهدوی	حکومت جهانی واحد
	صلح و صفای کامل
	عمران زمین
	آزادی از جبر طبیعت و اجتماع
	پیروی از فکر و ایدئولوژی
	بهره‌گیری از مواهب زمین
	حکومت اسلامی
	وحدت مسلمین
	مهدویت فلسفه بزرگ جهانی
	فرهنگ یگانه انسانی
	وحدت جهانی
	رفاه و آسایش
	خلافت الهی

۴. مؤلفه چهارم: مضمون تحول‌گرایی و اصلاح اوضاع در تربیت مهدوی

در نظام تربیت مهدوی، اصل بر اصلاح بنیادین امور و تغییر و تحوّل واقعی و درونی انسان‌ها و جامعه است. بر این اساس، به اثرگذاری تعلیم و تربیت نگاهی ویژه می‌شود. بنابراین، تربیت مهدوی باید نظام تربیتی پویا و کاربردی داشته باشد و اساس را بر دگرگونی و اصلاح امور بگذارد. مضمون تحول‌گرایی و اصلاح اوضاع در تربیت مهدوی بر ۱۲ مقوله ذیل مبتنی است: اصلاح امور، تکامل همه جانبه، پرهیز از تقلید کورکورانه، اصلاح جامعه، حفظ و بهبود محیط زیست،

تغییر و تحول روحی، شهامت در تغییر اوضاع و احوال، رهایی از پوچ‌گرایی، بدعت‌زدایی، تقدم مصالح اجتماعی بر منافع شخصی، دوری از آرزوهای مرتجعانه و جاهلانه و دوری از دل‌بستگی‌ها به عادات کهنه. این ۱۲ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «اصلاح امور»، از گزاره ذیل استخراج شد: «تغییر اوضاع اجتماعی و اصلاح امور به موازین عدالت و رفاه عمومی و سعادت همگانی، مقدور بشر است» (انسان و سرنوشت، ص ۸۲). مضمون پایه «پرهیز از تقلید کورکورانه»، از گزاره ذیل استخراج شد: «انسان نه باید کورکورانه سنت‌گرا باشد و نه باید کورکورانه سنت‌شکن باشد. سنت‌شکنی بی‌منطق همان اندازه ضد انسانی است که سنت‌گرایی بی‌منطق» (آشنایی با قرآن، ص ۱۲۹). مضمون پایه «بدعت‌زدایی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «حضرت حجت دین و شریعت جدیدی نمی‌آورد بلکه دو کار می‌کند: یکی بدعت‌زدایی و مبارزه با آنچه بر اسلام از برگ و سازها بسته‌اند» (یادداشت‌ها، ص ۳۸۷). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.

جدول ۴. دسته بندی مضمون سازمان دهنده چهارم: مضمون تحول‌گرایی و اصلاح شرایط در تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون تحول‌گرایی و اصلاح اوضاع تربیت مهدوی	اصلاح امور
	تکامل همه جانبه
	پرهیز از تقلید کورکورانه
	اصلاح جامعه
	حفظ و بهبود محیط زیست
	تغییر و تحول روحی
	شهامت در تغییر اوضاع و احوال
	رهایی از پوچ‌گرایی
	بدعت‌زدایی
	تقدم مصالح اجتماعی بر منافع شخصی
	دوری از آرزوهای مرتجعانه و جاهلانه
	دوری از دل‌بستگی‌ها به عادات کهنه



۵. مؤلفه پنجم: مضمون اعتدال و صلح طلبی در تربیت مهدوی

قرآن، امت اسلام را به «امت وسط» نامیده است. صلح و امنیت، به عصر و دوران خاصی منحصر نیست؛ اما از آن جا که تمام این مؤلفه‌ها به طور کامل تنها در عصر ظهور اتفاق خواهند افتاد؛ صلح و امنیت به معنای واقعی نیز دستاورد همان دوره است؛ اما این، بدان معنا نیست که ما به طور کامل در عصر پیشاظهار از صلح و امنیت محروم هستیم، بلکه هر چه در جهت تحقق این شاخصه‌ها بیش‌تر تلاش کنیم و در رسیدن به آن‌ها موفق‌تر باشیم؛ به همان اندازه نیز از امنیت و صلح برخوردار خواهیم بود و هر چه از این شاخصه‌ها دورتر شویم، صلح و امنیت نیز کم‌رنگ‌تر و ضعیف‌تر خواهد بود (سامانی، ۱۳۹۷: ص ۹۹). مضمون اعتدال و صلح طلبی در تربیت مهدوی، بر ۸ مقوله ذیل مبتنی است: رشد متوازن استعدادها، میانه‌روی، سازگاری انسان و طبیعت، پرهیز از افراط و تفریط، منتفی شدن جنگ و برقراری صلح، صلح جویی، مهرورزی و سلامت و امنیت. این ۸ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «رشد متوازن استعدادها»، از گزاره ذیل استخراج شد: «انسان با داشتن این همه استعدادها گوناگون آن وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در یک وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد» (انسان کامل، ص ۳۳). مضمون پایه «میانه‌روی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «یکی از خاصیت‌های بزرگ دین مقدس اسلام، اعتدال و میانه‌روی است. خود قرآن کریم امت اسلام را به نام امت وسط نامیده است» (اسلام و نیازهای زمان، ص ۴۷). مضمون پایه «سلامت و امنیت»، از گزاره ذیل استخراج شد: «دولتی مقرون به عدل، عقل، حکمت، خیر، سعادت، سلامت، امنیت، رفاه، آسایش، وحدت عمومی و جهانی در انتظار بشریت است» (امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص ۹۴). سایر مضامین پایه این بعد، به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.



جدول ۵. مضمون سازمان دهنده پنجم: مضمون اعتدال و صلح طلبی در تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون اعتدال و صلح طلبی تربیت مهدوی	رشد متوازن استعدادها
	میانه روی
	سازگاری انسان و طبیعت
	پرهیز از افراط و تفریط
	منتفی شدن جنگ و برقراری صلح
	صلح جویی
	مهر ورزی
	سلامت و امنیت

۶. مؤلفه ششم: مضمون ظلم ستیزی و عدالت خواهی تربیت مهدوی

«ظلم ستیزی» و «عدالت خواهی» از ویژگی‌های موثر بر زمینه‌سازی ظهور است. اجرای عدالت جهانی و ریشه کنی ظلم و برقراری روابط حسنه میان افراد، براساس عدالت و صلح و صفا و تعاون و احسان و عاطفه و خدمت به یکدیگر است (سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۲۲۲). جز این که یک حکومت عادل جهانی بر مبنای ایمان، خداپرستی و خداشناسی و بر مبنای حکومت قرآن به وجود آید (همان، ص ۲۳۹). مضمون ظلم ستیزی و عدالت خواهی تربیت مهدوی، بر ۱۲ مقوله ذیل مبتنی است: اقامه قسط و عدالت خواهی، طرفداری از اهل حق، حمایت مظلومان، یاری رساندن به نیازمندان، دشمنی با ستمگر، حقیقت جویی، غلبه قطعی صالحان و متقیان، برقراری مساوات، دجال کشی و مقابله با عوام فریبی، حق گرایی، ستیزه با مدعیان دروغین و تقسیم عادلانه ثروت. این ۱۲ مضمون پایه، از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «اقامه قسط و عدالت خواهی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «ممکن است معنای قیام به قسط، اقامه قسط باشد. پس معنای این آیه^۱، این نیست که کاملاً عادل باشید، بلکه این است که کاملاً مقیم عدل و عدالت خواه باشید» (یادداشت‌های استاد مطهری، ص ۲۴۰). مضمون پایه «طرفداری از اهل حق»، از گزاره ذیل

۱. (لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید: ۲۵)

استخراج شد: «اصل طرفدار بودن جهان از اهل حق نیز یکی از ارکان فلسفه انتظار فرج است» (همان، ص ۴۰۹). مضمون پایه «حمایت مظلومین»، از گزاره ذیل استخراج شد: «آن که در تمام طول تاریخ منادی حق و عدالت بوده، آن که به حمایت مظلومین و اهل حق برخاسته، فقط مذهب بوده» (نبرد حق و باطل، ص ۳۰). مضمون پایه «ستیزه با مدعیان دروغین»، از گزاره ذیل استخراج شد: «از مجموع قراین می‌توان به دست آورد که رازی منکر نبوت نبوده و با متنبیین در ستیزه بوده است» (خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۶۲). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.

جدول ۶. مضمون سازمان‌دهنده ششم: مضمون ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی تربیت‌مهدوی

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
مضمون ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی تربیت‌مهدوی	اقامه قسط و عدالت‌خواهی
	طرفداری از اهل حق
	حمایت از مظلومان
	یاری رساندن به نیازمندان
	دشمنی با ستمگر
	حقیقت‌جویی
	غلبه قطعی صالحان و متقیان
	برقراری مساوات
	دجال‌کشی و مقابله با عوام‌فریبی
	حق‌گرایی
	ستیز با مدعیان دروغین
تقسیم عادلانه ثروت	

۷. مؤلفه هفتم: مضمون رفتاری و اجتماعی تربیت‌مهدوی

تربیت‌مهدوی و انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد و منتظر در این بخش، هم به ساختن خود و هم سامان دادن به جامعه و اجتماع همت می‌گمارد. انتظار صحیح و سازنده، بر فرد، اجتماع، روابط فرهنگی، سیاسی و نظامی آثار و برکات فراوانی خواهد داشت و زمینه را برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌کند. این مضمون از حوزه و قلمرو گسترده‌تری برخوردار

است. مضمون رفتاری و اجتماعی تربیت مهدوی، بر ۲۱ مقوله ذیل مبتنی است که عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر، پذیرش تذکرات و انتقادات، پذیرش تکالیف دینی، بیعت حقیقی با امام، صبر و تحمل سختی‌ها، استقامت‌ورزی، اقامه نماز، عبادت مخلصانه، زکات، عادت به نظم و انضباط در کارها، قرائت قرآن و اذکار با حضور قلب، دوری از کینه‌جویی‌ها، احسان به والدین، اجتناب از ریاکاری و نفاق، اعتماد به نفس، احساس مسؤولیت، شکر نعمت، وفای به عهد، صلح رحم، عبودیت و آزمایش انسان است. این ۲۱ مضمون پایه از کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «امر به معروف و نهی از منکر»، از گزاره ذیل استخراج شد: «امر به معروف و نهی از منکر واجب است و صلاح و فساد اجتماع به اجرا و عدم اجرای این اصل بستگی دارد. نتیجه منطقی ترک امر به معروف و نهی از منکر این است که میدان برای اشرار باز می‌شود و آن‌ها بر مردم مسلط می‌گردند (بیست گفتار، ص ۲۴۲). مضمون پایه «پذیرش تذکرات و انتقادات، از گزاره ذیل استخراج شد: «علامت اهل حق و اهل عدل این است که از تذکرات و انتقادات پروا ندارند» (حکمت‌ها و اندرزها، ص ۱۱۰). مضمون پایه «پذیرش تکالیف دینی، از گزاره ذیل استخراج شد: «از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا همین که به امام معرفت پیدا کردیم، هر چه می‌خواهیم عمل کنیم؟! امام فرمود: بلی. گفتند: هر عمل و لو زنا، سرقت... امام فرمود: ما خودمان مسؤول اعمالمان هستیم. چگونه از شیعیان ما رفع تکلیف بشود؟!» (عدل الهی، ص ۳۰۷). مضمون پایه «عبادت مخلصانه»، از گزاره ذیل استخراج شد: «قرآن کشف خود واقعی و تقویت و تکامل آن را مولود ذکر خدا و اخلاص و عبادت مخلصانه می‌داند» (یادداشت‌ها، ص ۴۹۲). مضمون پایه «شکر نعمت»، از گزاره ذیل استخراج شد: «در قرآن این مطلب یک اصل اساسی بسیار متینی است و در آیات فراوانی تکرار شده است که اگر شکر نعمت مرا به جای آورید؛ یعنی اگر از نعمت من درست استفاده کنید، آن را ابقا می‌کنم و اگر کفران نعمت کنید، آن را از شما سلب می‌کنم» (ابراهیم: ۷؛ امامت و رهبری، ص ۱۰۴). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.



جدول ۷. مضمون سازمان دهنده هفتم: مضمون رفتاری و اجتماعی تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون رفتاری و اجتماعی تربیت مهدوی	امربه معروف و نهی از منکر
	پذیرش تذکرات و انتقادات
	پذیرش تکالیف دینی
	بیعت حقیقی با امام
	صبر و تحمل سختی‌ها
	استقامت ورزی
	اقامه نماز
	عبادت مخلصانه
	زکات
	عادت به نظم و انضباط در کارها
	قرائت قرآن و اذکار با حضور قلب
	دوری از کینه جویی
	احسان به والدین
	اجتناب از ریاکاری و نفاق
	اعتماد به نفس
	احساس مسؤلیت
	شکر نعمت
وفای به عهد	
صله رحم	
بندگی	
آزمایش انسان	

۸. مؤلفه هشتم: امید و انتظار سازنده تربیت مهدوی

انتظار فرج و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده، نگهدارنده، تعهدآور، نیرو آفرین و تحرک بخش است؛ به گونه‌ای که می‌تواند نوعی «عبادت و حق پرستی» شمرده شود و انتظاری که گناه، ویرانگر، اسارت‌بخش و فلج‌کننده است و نوعی «اباحی‌گری» محسوب می‌گردد. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه التوفیق است و این دو



نوع برداشت، به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شوند. مضمون امید و انتظار سازنده تربیت مهدوی، بر ۱۳ مقوله مبتنی است: انتظار فرج، اصل عدم یأس، پرهیز از اباحی‌گری، امید به آینده، آینده درخشان و سعادت‌مندانانه بشر، آینده روشن، صبر و استقامت، انتظار حیات‌بخش، سعه صدر، روحیه امیدواری، آینده‌نگری، خوش‌بینی به آینده بشریت و پیروزی حق. این ۱۳ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به طور مثال: مضمون پایه «انتظار فرج»، از گزاره ذیل استخراج شد: «انتظار فرج داشتن، یعنی واقعاً در نیت ما این باشد که در رکاب امام‌زمان و در خدمت ایشان دنیا را اصلاح کنیم» (آزادی معنوی، ص ۱۷۴). مضمون پایه «اصل عدم یأس»، از گزاره ذیل استخراج شد: «این مصداق اصل دیگری است که در قرآن به عدم یأس از رُوح‌الله تعبیر شده است و البته همه این‌ها مربوط است به پیروزی حق و به این که نوعی حمایت از اهل حق در باطن جهان هست» (یادداشت‌های استاد مطهری، ص ۴۰۹). مضمون پایه «پرهیز از اباحی‌گری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «نوع دیگر انتظار، انتظاری که گناه است، ویران‌گر است، اسارت‌بخش است، فلج‌کننده است و نوعی اباحی‌گری باید محسوب گردد» (قیام و انقلاب مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف و مقاله شهید، ص ۱۵). مضمون پایه «آینده روشن»، از گزاره ذیل استخراج شد: «آینده روشن از نظر دین، از نظر منطق دین، از نظر اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ، از نظر منطق خبرهایی که از طریق دین گرفته‌ایم، نه از روی اصول ظاهر، می‌گوییم خیالمان از این جهت که بشر به کلی نیست و نابود بشود، راحت است» (آزادی معنوی، ص ۲۲۵). مضمون پایه «آینده‌نگری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «انسان آینده‌نگر است؛ اما حیوان چنین نیست. این کار و این تولید چه طور این حالت را در انسان ایجاد کرد؟ این که من با دستم خانه ساختم و هرکار دیگری تولید کردم، چه طور در من آینده‌نگری ایجاد کرد؟» (فلسفه تاریخ، ص ۳۱). مضمون پایه «پیروزی حق» از گزاره ذیل استخراج شد: «پیروزی حق یا پیروزی مسلک. اصل جهان بر پیروزی حق است» (یادداشت‌ها، ص ۱۹۰). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.



جدول ۸. مضمون سازمان دهنده هشتم: مضمون امید و انتظار سازنده تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون امید و انتظار سازنده تربیت مهدوی	انتظار فرج
	اصل عدم یأس
	پرهیز از اباحی گری
	امید به آینده
	آینده درخشان و سعادت‌مندانه
	آینده روشن
	صبر و استقامت
	انتظار حیات بخش
	سعه صدر
	روحیه امیدواری
	آینده‌نگری
	خوش بینی به آینده بشر
	پیروزی حق

۹. مؤلفه نهم: مضمون اخلاقی و معنوی تربیت مهدوی

جامعه‌ای که در آن معنویت و اخلاق نباشد، بی‌تحرک خواهد بود. قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام بیش‌ترین تأکید را بر رشد اخلاقی و معنوی بشر داشته‌اند. مضمون اخلاقی و معنوی تربیت مهدوی، از ۱۴ مقوله ذیل قابل برداشت است: خویشتن‌داری، توکل، منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی، مراقبت نفس و خودسازی، اخلاص نیت، آزادی معنوی، غنای دل و گسترش معنویت، پیروزی و حکومت عقل، سقوط حکومت خشم و شهوت، کسب حکمت و خردمندی، دوری از گناهان، محاسبه نفس، هویت اسلامی و هویت انسانی. این ۱۴ مضمون پایه از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند که به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم؛ به‌طور مثال: مضمون پایه «خویشتن‌داری»، از گزاره ذیل استخراج شد: «یکدیگر را در خویشتن‌داری یاری نمایید و با یکدیگر پیوند داشته باشید؛ تقوای الهی داشته باشید، باشد که رستگار شوید» (یادداشت‌ها، ص ۲۰۹). مضمون پایه «توکل»، از گزاره ذیل استخراج شد: «توکل به خدا به این معنا نیست که من انجام نمی‌دهم؛ خدا انجام بدهد، می‌گویند انجام می‌دهم و توکل



می‌کنم به خدا. وقتی می‌بینند کار سخت و سنگین است و احتمال شکست هست، نیروی ایمان‌شان زنده و در کارهای مقدس و صحیح می‌گویند این کار را می‌کنم، توکل به خدا» (گفتارهایی در اخلاق اسلامی، ص ۱۵). مضمون پایه «اخلاص نیت»، از گزاره ذیل استخراج شد: «آن که اخلاص نیت داشته باشد و در راه حق و عدل بکوشد، خداوند او را تحت حمایت و مشمول عنایت خاص خود قرار می‌دهد» (یادداشت‌ها، ص ۲۶۲). مضمون پایه «آزادی معنوی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «بزرگ‌ترین برنامه انبیا، آزادی معنوی است. اصلاً تزکیه نفس، یعنی آزادی معنوی» (آزادی معنوی، ص ۳۷). مضمون پایه «سقوط حکومت خشم و شهوت»، از گزاره ذیل استخراج شد: «مهدویت، پیروزی و حکومت عقل و سقوط حکومت خشم و شهوت [است]» (یادداشت‌ها، ص ۳۷۷). مضمون پایه «کسب حکمت و خردمندی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «بلوغ بشریت به مقام حکمت، عنصر فرهنگی این ایده است» (همان، ص ۷۹). مضمون پایه «دوری از گناهان»، از گزاره ذیل استخراج شد: «امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ما تنال ولايتنا الا بالعمل و الورع، به ولایت ما نتوان رسید، جز با عمل نیک و پرهیزکاری و دوری از گناه» (عدل الهی، ص ۳۰۸). مضمون پایه «محاسبه نفس»، از گزاره ذیل استخراج شد: «در قدیم علمای اخلاق و مربیان، دستور محاسبه نفس می‌دادند. محاسبه نفس، یعنی از نفس حساب کشیدن که چه کار کردی و چه کار نکردی، چرا فلان جا این‌طور کردی و چرا فلان وقت این‌طور نکردی؟» (حکمت‌ها و اندرزها، ص ۶۵). مضمون پایه «هویت اسلامی»، از گزاره ذیل استخراج شد:

«انقلاب اسلامی ایران تنها قیام علیه استبداد سیاسی نبود؛ قیام علیه فرهنگ و تفکر غربی بود، بازگشت به هویت اسلامی و خود واقعی و روح جمعی این مردم بود؛ یعنی قرآن» (آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۴۷). مضمون پایه «هویت انسانی»، از گزاره ذیل استخراج شد: «هویت انسانی (هویت فردی انسانی که اسمش «اخلاق» است و هویت اجتماعی انسانی که اسمش جامعه یا اخلاق اجتماعی و یا ساختمان اجتماعی است و اصطلاح خاصی ندارد)؛ بر این پایه است» (فلسفه تاریخ، ص ۷۵). سایر مضامین پایه این بعد به همین ترتیب از متن کتاب‌های شهید مطهری استخراج گردیدند.

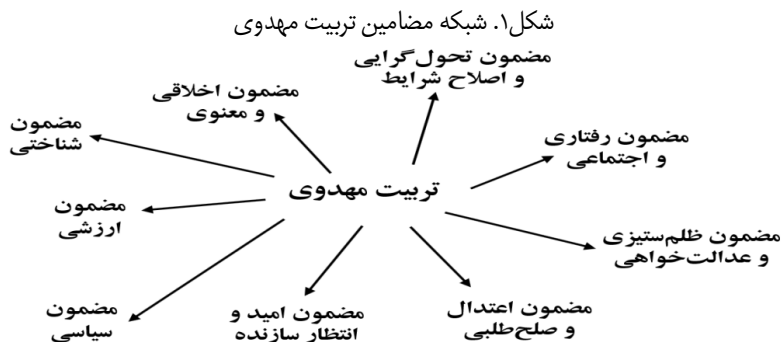


جدول ۹. مضمون سازمان دهنده نهم: مضمون اخلاقی و معنوی تربیت مهدوی

مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مضمون اخلاقی و معنوی تربیت مهدوی	خویشتن داری
	توکل
	منتفی شدن کامل مفسد اخلاقی
	مراقبت نفس و خودسازی
	اخلاص نیت
	آزادی معنوی
	غناى دل و گسترش معنویت
	پیروزی و حکومت عقل
	سقوط حکومت خشم و شهوت
	کسب حکمت و خردمندی
	دوری از گناهان
	محاسبه نفس
	هویت اسلامی
	هویت انسانی

مضمون مرکزی: تربیت مهدوی

تربیت مهدوی در ساختار تبلیغی شهید مطهری در قالب ۹ مضمون سازمان دهنده صورت بندی شد. این مضامین سازمان دهنده، شامل موارد زیر هستند که در شکل (۱) نیز به صورت شبکه مضمونی تربیت مهدوی نمایش داده شده‌اند: مضمون شناختی، ارزشی، سیاسی، تحول‌گرایی و اصلاح شرایط، اعتدال و صلح طلبی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، رفتاری و اجتماعی، امید و انتظار سازنده و مضمون اخلاقی و معنوی.



نتیجه‌گیری

شهیدمطهری به‌عنوان یکی از شارحان مبانی انقلاب اسلامی، در آثار خود تلاش کرده است تصویری ملموس از جامعه آرمانی شیعی ترسیم کند. از این‌رو، به صورت صریح و ضمنی، همواره به پدیده ظهور امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه داشته و در واقع، با ترسیم مولفه‌های مطلوب جامعه اسلامی در ایران، مسیر حرکت به سمت انقلاب مهدوی را روشن‌تر کرده است. به‌زعم وی، تحقق و تشکیل جامعه مهدوی امری برساختی است و از رهگذر تربیت شهروندان مطلوب، امکان شکل‌گیری خواهد داشت. بنابراین، در طول عمر تبلیغی خود، رویکردی تربیتی داشته و به تبیین ایده‌های خود در این حوزه پرداخته است. این مقاله، با هدف شناسایی مولفه‌های تربیت مهدوی و آمادگی در جهت ظهور در آثار شهیدمطهری انجام پذیرفته است. شکل‌گیری جامعه مهدوی، اساساً مستلزم تقابل با حکومت‌های نامطلوب مستقر است و اشاره مکرر به مفهوم انقلاب مهدوی حاکی از مرکزیت امر سیاسی در حرکت به سمت جامعه مطلوب مهدوی است. از این‌رو، توجه به تربیت سیاسی شهروندان، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. در واقع، استاد مطهری با رجوع به مبانی قرآنی، تشکیل حکومت مهدوی را تداوم رسالت انبیا می‌داند و سیاست در فضای گفتمانی وی جایگاهی حیاتی دارد. یقیناً دستیابی به سیاست مطلوب بدون تقویت روحیه تحول‌گرایی و نارضایتی از وضع موجود قابل تحقق نیست و ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی نیز بخشی از مسیر گذار از وضع نامطلوب کنونی به شرایط آرمانی پس از ظهور محسوب می‌شود. این گذار از دیدگاه ایشان، نیازمند انسان‌هایی است که به‌اندازه کافی از لحاظ دانش و معرفت و همچنین پایه‌های ارزشی ارتقا یافته باشند و رفتارهای فردی و اجتماعی آنان بر محور اخلاقیات و معنویات اسلامی قرار گرفته باشد. فعالیت‌های شهیدمطهری برای آگاهی‌بخشی به آحاد جامعه، گویای همان واقعیتی است که در متن آثار ایشان نیز به‌روشنی قابل رصد است: «امید و انتظار سازنده». به‌زعم وی، دسترسی به هرکدام از مولفه‌های مذکور، بدون برخورداری از روحیه «امید»، امکان‌پذیر نخواهد بود و وی با همین امید به توسعه ایده‌های حرکت به سمت جامعه مطلوب مهدوی اقدام کرده است. در مجموع، بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت تربیت مهدوی از دیدگاه ایشان، امری است چندوجهی و تنها با تمرکز بر وجه آموزشی آن قابل حصول نخواهد بود، بلکه شخصیت‌سازی حین عمل و در متن زندگی روزانه و مواجهه فعال و



غیر انفعالی با امور اجتماعی و سیاسی لازمه جدایی ناپذیر آن است. بنابراین، پیشنهاد اصلی پژوهش پیش رو آن است که در زمینه نسبت اندیشه‌های شهید مطهری با چالش‌ها و پیشرفت‌های جدید تحقیقاتی ویژه صورت پذیرد و پژوهشگران صورت‌بندی‌های جدیدی از ایده‌های آخرالزمانی و مهدوی شهید مطهری ارایه کنند.

منابع

۱. ابادری، محمود (بهار ۱۳۸۳). «مهدویت در اندیشه متفکر شهید مرتضی مطهری علیه السلام»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۱-۱۲، ص ۳۷۳-۳۸۶.
۲. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (پاییز و زمستان ۱۳۹۲). «تحلیل کیفی متن: استقرار/قیاس»، فصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، شماره ۱، ص ۸۳-۱۰۲.
۳. احسانی، محمد (فروردین ۱۳۹۰). «زمینه سازی تربیتی مهدویت»، مجله معرفت، شماره ۱۶۰، ص ۷۳-۹۶.
۴. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). «مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۶، ص ۱۵-۴۴.
۶. بلیکی، نورمن (۱۳۹۱). «پارادایم های تحقیق در علوم انسانی»، مترجمان: سیدحمیدرضا حسنی، محمدتقی ایمان و سیدمسعود ماجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. جعفری هرندی، رضا و نجفی، حسن (زمستان ۱۳۹۲). «بررسی میزان توجه به مولفه های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران»، مشرق موعود، شماره ۲۸، ص ۵۷-۸۶.
۸. زرقانی، اعظم (بهار ۱۳۹۹). «مهدویت در آینه تربیت»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۶، ص ۳۱-۵۲.
۹. سامانی، احسان (پاییز ۱۳۹۷). «شاخصه های حکومت مهدوی زمینه ساز صلح و امنیت جهانی»، پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره ۳۱، ص ۷۳.
۱۰. سبحانی نژاد، مهدی؛ فقیهی، علی نقی و نجفی، حسن (بهار ۱۳۹۴). «تجربه زیسته متخصصین تعلیم و تربیت از راهکارهای گسترش رفتار اخلاقی زمینه ساز ظهور در برنامه های درسی دانشگاهی»، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۶، ص ۳۷-۵۷.
۱۱. صحرانشین، ابراهیم؛ هاشمی، سیداحمد؛ قلتاش، عباس و رنجبر، مختار (بهار ۱۳۹۹). «تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه های جان دبویی و مطهری در تربیت شهروندی»، پژوهشنامه تربیتی، شماره ۶۲، ص ۱۱۵-۱۳۸.
۱۲. فراهانی فرد، سعید (بهار ۱۳۸۲ و زمستان ۱۳۸۳). «اندیشه اقتصادی استاد شهید مرتضی مطهری علیه السلام»، فصلنامه قیسات، شماره ۳۰ و ۳۱، ص ۲۲۳-۲۵۲.
۱۳. فلیک، اوه (۱۳۹۱). «درآمدی بر تحقیق کیفی»، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.



۱۴. کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱). *روش و طرح تحقیق کیفی: انتخاب از میان پنج رویکرد*. مترجمان: طهمورث حسنقلی پور؛ اشکان الهیاری و مجتبی براری، تهران، نگاه دانش.
۱۵. مرزوقی، رحمت‌اله و راضی، الهام (تابستان ۱۳۹۸). «*فلسفه تربیتی انتظار: رویکردی به نقش مدارس در تربیت نسل منتظر*»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۳، ص ۹۷-۱۱۲.
۱۶. مرزوقی، رحمت‌اله (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). «*سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار*»، تربیت اسلامی، شماره ۷، ص ۱۲۷-۱۳۸.
۱۷. مطهری، مرتضی. *مجموعه آثار*، قم، انتشارات صدرا.
۱۸. معلمی، حسن و نصرت‌زادگان، الهام (پاییز ۱۳۹۹). «*بررسی و تحلیل زمینه‌های فطری تکامل تدریجی جامعه بشری به سوی جامعه مهدوی، با تاکید بر دیدگاه‌های استاد مطهری*»، انتظار موعود، شماره ۶۹، ص ۵-۲۷.

19. Attride-Stirling, J.(2001). **Thematic networks: an analytic tool for qualitative research**. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
20. Creswell, J. W., & Poth, C. N.(2016). **Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches**. Sage publications.
21. Hsieh, Hsiu-Fang & Shanon, Sara, E.(2005). **Three Approaches to Content Analysis**, *Qualitative Health Research*, 15(9):1277-1288.

بررسی مبانی انتظار مقاومتی و بازتاب آن در وصیتنامه شهید قاسم سلیمانی^۱

محمد شهبازیان^۲

چکیده

مهم‌ترین ویژگی آموزه انتظار، پویایی و هدفمند کردن جامعه موعود باور و تلاش به منظور زمینه‌سازی ظهور است. از این‌رو، انتظار به دوگونه قابل ترسیم است: «انتظار مقاومتی» با ویژگی حضور اجتماعی و سیاسی جهادی منتظران و نقش آفرینی در جامعه و تشکیل حاکمیتی برگرفته از آموزه‌های دینی و تحت اشراف فقیه جامع‌الشرایط؛ و «انتظار واپس‌گرا» با انگاره خانه نشینی و تنها نظاره بر وضعیت نابسمان جامعه.

شهید حاج قاسم سلیمانی، نمونه انسانی رشد یافته از انتظار مقاومتی است که با تمسک به مبانی برگرفته از مکتب امامین انقلاب، مبانی نظری و فواید عینی این نوع انتظار را عرضه کرده است.

در این نوشتار، تلاش گردیده است در جهت پاسخ به این پرسش که «کدام مبانی انتظار مقاومتی فقیه محور در سیره و سخنان شهید حاج قاسم سلیمانی بازتاب داشته است؟» مطالبی تنظیم گردد. پژوهش پیش‌رو، با روش پژوهشی تلفیقی و نوع داده‌پردازی توصیفی تحلیلی، به پیشینه‌ای از تقابل با انتظار مقاومتی در میان جریان‌های انحرافی اشاره کرده و پس از بیان دیدگاه شهید حاج قاسم سلیمانی درباره انتظار مقاومتی فقیهانه، به دلایل آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: مبانی، انتظار، مقاومت، فقیه، سیره، شهید حاج قاسم سلیمانی.

۱. این مقاله به همایش ملی «شهید سلیمانی و مکتب انتظار و مقاومت» ارائه شده است و با رضایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی چاپ می‌گردد.

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی گروه جریان شناسی

مقدمه

در جای خود ثابت شده است که میان دین، سیاست و حاکمیت در اسلام پیوندی عمیق وجود دارد و انتظار پویا در عصر غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، استمرار اجرای احکام اجتماعی را به همراه دارد. در مقابل، مخالفان این اندیشه انتظاری واپس‌گرا و دارای رکود و دور از عمل اجتماعی را پیشنهاد و برای مدعای خود دلایلی ذکر کرده‌اند. باید دانست، در گذر تاریخ، افرادی بوده‌اند که دانسته یا نادانسته همگام با نقشه استعمار پیش رفته و متدینان را از شرکت در امور کلان سیاسی بازداشته‌اند (خمینی، ۱۳۶۷: ج ۱۶، ص ۳۸۸). آنان گمان می‌کنند با دوری از سیاست، دین و دینداران در امنیت مانده و نزد عموم مردم احترام بیش‌تری خواهند داشت (همان، ۱۳۹۱: ص ۴۰۵). لذا تلاش دارند از طرفی دین را مغایر با سیاست جلوه دهند و آن را «پدر سوختگی» بدانند (همان: ج ۱۰، ص ۱۲۴)؛ که البته این رویکرد از ساحت متدینان به دور است و از طرف دیگر، به افراد شرکت‌کننده در امور سیاسی، به‌ویژه روحانیت، اتهام زده و آن‌ها را با عبارت‌هایی مانند «آخوند درباری» یا «آخوند حکومتی» مذمت کنند.

برخی از محققان غربی، بدین نکته اشاره کرده‌اند که حاکمان استعماری انگلیس در کشورهای اسلامی خوب می‌دانستند که علما باید غیر سیاسی بمانند و این نقشه را در مصر پیاده کردند و لذا روحانیان مصری در برابر حکم جهاد خلیفه وقت در برابر انگلیس بی تفاوت ماندند (رفیع پور، ۱۳۹۳: ص ۱۱۰). مفهوم این اقدام استعماری، در عمل آن بود که علمای دین برای حفظ حرمت خود، نمی‌بایست در سیاست دخالت کنند و مانع سیاست‌های استعماری و استثماری آن‌ها گردند! سیاست استعمار بر این بود که باید اساسا با استدلال‌های مختلف مذهبی پسند، مذهبیان را به گونه‌ای جهت داد که نیاز به تغییر وضعیت جامعه را مسئله و دغدغه خود نبینند. لذا با توجیهاتی مانند تعبد به روایت‌های نهی‌کننده از قیام در دوران غیبت، لزوم نشستن در منزل در دوران غیبت، حفظ شأن مرجعیت، پذیرش تقدیر الهی و عدم امکان تغییر حکومت فاسد جز به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و با بهره‌گیری از سیاست استعماری «سکوت» یا «خاموشی»، حضور خود را در جوامع اسلامی تثبیت کنند (همان، ص ۳۲۰). این اعتقاد به گونه‌ای در برخی از افراد نفوذ کرد که در ایام مبارزات انقلابیان علیه طاغوت پهلوی، صدای انقلابیان را به «وز وز پشه» در برابر «هوایمای فانتوم» تعبیر کردند و آن



را عملی بیهوده برشمردند (رجبی، ۱۳۹۴: ص ۷۹).

مفاهیم

۱. انتظار مقاومتی فقیه محور

«انتظار»، یکی از آموزه‌های اساسی مهدویت است که بالاترین عمل در دوران غیبت شمرده شده (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۷)؛ و معتقد بدان را همپای مجاهدان و شهیدان صدر اسلام دانسته‌اند (همان، ص ۶۴۵ و ۶۴۷). از این‌روست که گزارش‌های منقول از اهل بیت علیهم‌السلام، ویژگی‌های انتظار را یادآور و حدود آن را مشخص کرده‌اند. مهم‌ترین ویژگی آموزه انتظار، پویایی و هدفمندی جامعه موعودباور و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور است که عقل و نقل بدان اشاره کرده‌اند (الهی نژاد، ۱۴۰۰: ص ۱۰۸). از طرف دیگر، نظام باطل همت خود را در بازدارندگی از ظهور و ایجاد حاکمیت حق معطوف و تلاش می‌کند تا با شیوه‌های مختلف تشکیل جامعه یاری‌گران موعود را به تاخیر اندازد. این امر با تمسک به ترفندهایی فتنه‌انگیز مناسب با روحیه‌های مختلف از جوامع بشری است؛ اما در میان دین‌داران، مهم‌ترین شیوه، تحریف در آموزه‌های دینی و جهل مرکب است.

نمونه آن در آموزه انتظار، تحلیل نادرست از مفهوم این واژگان و وارونه‌نمایی آن در ویژگی‌ها و معنای مورد نظر منابع دینی است. از این‌رو، انتظار را به دوگونه «انتظار مقاومتی» و «انتظار واپس‌گرا» می‌توان تقسیم کرد. در این نوشتار «انتظارمقاومتی»، مصداق کامل و اعلا «انتظار پویا»ست که توأمان، سه مولفه «حضور اجتماعی جهادی»، «عالمانه بودن» و «تهذیب نفس» در آن نهفته است. در مقابل، «انتظار واپس‌گرا»، با انگاره خانه‌نشینی و صرفاً نظاره بر وضعیت نابسمان جامعه، شناخته می‌شود.

یکی از لوازم «انتظار مقاومتی»، تلاش برای دستیابی به حکومتی با محوریت فقیه جامع الشرایط است تا پدیدآورنده تمدن جدید اسلامی و زمینه‌سازی برای رسیدن به حاکمیت خورشید عظمای ولایت، حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ و لازمه «انتظار واپس‌گرا» جدایی دین از سیاست و بی‌تفاوتی در برابر جور زمانه است که امام خمینی از این



دسته، با عنوان «مقدس نمای واپس‌گرا» نام برده است (خمینی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۲۷۸).

۲. سیره شهید حاج قاسم سلیمانی

در دوران معاصر، شهید حاج قاسم سلیمانی نمونه بارز انسان منتظری است که با تمسک به آیات قرآن (فصلت: ۳۰) و روایات اهل بیت علیهم‌السلام (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۲۷)؛ عملکرد جهادی و عالمانه را با اخلاص توأم و در حفظ و اقتدار حاکمیت فقیه جامع الشرایط تلاش و مجاهدت کرده است. از طرف دیگر، خدای متعال امکان الگو شدن غیر معصوم را با توجه به ایمان و عمل صالح ممکن دانسته (انفال: ۸۲؛ توبه: ۱۱۹ و شعراء: ۸۳) و از جامعه دین‌دار می‌خواهد که از آنان تبعیت کنند (تحریم: ۱۱). این چنین است که رهبر معظم انقلاب بینش و منش وی را «مکتب» و «مدرسه» ای درس آموز دانسته (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)؛ که «نرم افزار» مقاومت را به انقلابیان عالم ارائه کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۹/۲۶) و از جوانان می‌خواهند به این غلبه نرم افزاری که میراث این شهید است توجه و با آن علیه مستکبران قیام کنند (همان).

شهید سلیمانی انسانی تربیت شده در مکتب اسلام و مکتب امام خمینی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳). آنچه شهید سلیمانی را بر تارک زمانه نشانده، عملکرد جهادی و خالصانه، اما با پشتوانه فهم دقیق و عالمانه از دین است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). مهم‌ترین سند برای فهم بنیان‌های فکری شهید سلیمانی، سخنرانی‌ها و به ویژه وصیت‌نامه ایشان است و نقطه کلیدی در آن‌ها حفظ ولایت فقیه و توجه عالمانه به پدیداری انقلاب اسلامی ایران، به عنوان تنها حاکمیت شیعی تحت زعامت فقیه عادل است که از آن به «ولایت عملی» در برابر «ولایت تئوری» و «ولایت قانونی» تعبیر کرده است. از طرف دیگر، ایشان در وصیت خود تاکید دارد که در کنار حفظ ولایت فقیه، باید مبانی آن را شناخت (بند ۲ در خطاب به سیاسیون کشور soleimani.ir/vasiatnameh). آن‌گونه که یکی از دوستان روحانی و بسیار نزدیک وی، از مباحثه‌ای ۲۸ ساله و برگرفته از مطالعه عمیق شهید سلیمانی درباره حاکمیت فقیه در عصر غیبت خبر داده است (سخنرانی شیخ صلاح الدین شمس الدینی، ۱۴۰۰/۱۰/۸: دقیقه ۲۰). از این رو، توجه به پشتوانه‌ها و مبانی فکری شهید سلیمانی در القای نظریه «حاکمیت فقیه جامع الشرایط در دوران غیبت» و «انتظار مقاومتی» ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و از این رهگذر



می‌توان سخنان وی را در میان جوانان و مخاطبان نهادینه کرد.

۳. مبانی

نگارنده در این پژوهش، مبانی را به معنای «دلایل نظریه» دانسته (بهجت پور، ۱۳۹۲: ص ۲۵) و با پایبندی به ویژگی‌های پیش‌گفته مورد «انتظار مقاومتی» و «انتظار واپس‌گرا»، به دنبال حل این مسئله است که بن‌مایه‌ها و دلایل علمی شهید سلیمانی در گرایش به حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا و دفاع از آن چیست. از این‌رو تلاش شده است با روش تحقیق تلفیقی و داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی، به تبیین دلایل «لزوم انتظار فقیه در عصر غیبت» بپردازیم و نقدی بر مخالفان آن ارائه کنیم.

پیشینه تحقیق

محققان بسیاری، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و برای اثبات دیدگاه «ولایت مطلقه فقیه» و «درستی قیام تحت لوای فقیه»، به تبیین دلایل این مسئله پرداخته و فقیهان بسیاری در درس تخصصی فقه خود آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله پژوهش‌های نزدیک به زمان نوشتار این مقاله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «بررسی روایاتی درباره قیام پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک» (عبداللهی مجله مشکات، ش ۷۹)؛ «بررسی ادله نفی قیام‌های پیش از ظهور» (فوادیان، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۱، سال ۱۳۸۸)؛ «حکومت اسلامی در عصر انتظار» (مزینانی، مجله حوزه، ش ۷۰ و ۷۱)؛ «نقد و بررسی ادله عدم مشروعیت حکومت دینی در عصر غیبت» (باباپور و جعفر زاده، فصلنامه سپهر سیاست، ش ۲، زمستان ۱۳۹۳). موارد مذکور با کلید واژه‌هایی مانند «حکومت دینی» و «حکومت دینی در عصر غیبت»، «نهی از قیام»، در سایت نورمگز قابل رصد است. در این زمینه می‌توان به کتاب‌هایی مانند «حکیمان‌ترین حکومت»، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی و «اساس الحکومة الاسلامیة» از آیت الله سید کاظم حائری اشاره کرد.

نویسنده خود را وامدار نوشتارهای پیشین از محققان و عالمان دانسته و تلاش کرده است با افزودن برخی از عبارات، شواهدی بیش‌تر بر این نظریه اقامه کند. از این‌رو، در خصوص تمایز



پژوهش پیش‌رو می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. معرفی پیشینه‌ای کوتاه از جریان‌های مخالف با حاکمیت و عملکرد اجتماعی در دوران غیبت؛
۲. تطبیق دلایل دیدگاه حاکمیت فقیه با وصیت نامه و سخنان شهید سلیمانی؛^۳ استشهادی نو به گزارشی از مناظره هشام بن حکم؛^۴ افزودن قرینه‌ای جدید، برگرفته از گفت‌وگوی امام صادق علیه السلام با عبدالله بن حسن؛^۵ سخن از مشروعیت جهاد در عصر غیبت با استناد به کلامی از ابن قبه رازی؛^۶ توجه به قیام و جایگاه ناصر الاطروش.

نفی مقاومت فقیهانه در جریان‌های انحرافی

شهید سلیمانی، پس از پایان حاکمیت رسمی گروه تروریستی داعش بر اراضی سوریه و عراق و در نامه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب، نقش مرجعیت شیعه و تاثیر حضور سیاسی آنان، به‌ویژه رهبری آیت الله خامنه‌ای و آیت الله سیستانی را متذکر شده و عنوان کرد که فقیه آگاه به مسائل سیاسی - اجتماعی چگونه می‌تواند از کیان اسلام نگهبانی کند (soleimani.ir/news/99).

به یقین نظام باطل، این قدرت را از قرون پیش دریافته است و لذا تلاش دارد تا حاکمیت فقیه را مود طعن و تحریف قرار دهد. صوفیه گنابادیه یکی از این گروه‌های معاصر است که دین را از سیاست جدا دانسته است و سلطان محمد گنابادی ادعا دارد که ما «دهاتی» هستیم و حتی اگر حاکمی ظالم باشد، لازم است که از وی تبعیت کنیم (تابنده، ۱۳۸۴: ص ۱۴۵). این روحیه است که اقطاب بعدی گنابادیه را به تبعیت و تجلیل از «ظل السلطان»، حاکم مستبد و خونریز اصفهان (واحدی (صالح علی شاه)، ۱۳۸۴: ص ۲۶۰) و محمد رضا پهلوی (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ص ۲۷۳) وا داشته است.

فرقه شیخیه، گروه دیگری است که هر گونه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی را در دوران غیبت باطل دانسته (رشتی، ۱۴۳۲: ج ۹، ص ۱۱۶)؛ و محمد کریم خان کرمانی، فقهایی را که به اجرای حدود الهی اقدام کرده‌اند؛ مذمت (کرمانی، بی تا: ص ۲۶) و عنوان می‌کند که جز بی دین و فاسق با دولت‌های ظالم زمانه آن‌ها مخالفت نمی‌کند (همان، ص ۲۷). غلام احمد قادیانی، مدعی عیسویت و مهدویت در شبه قاره هند، در جهت حمایت از استعمار انگلیس (قادیانی، ۲۰۰۷: ص ۱۸۷)؛ حکم جهاد در آخرالزمان را منکر شده و به صراحت اعلام



کرده که در این دوره، جهاد و قیام معنا نداشته و مراد از جهاد نوشتن کتاب و گفت‌وگو با استعمار است (همان، ص ۱۷۸ و قادیانی، ۲۰۱۳: ص ۵).

انجمن حجیته، نگرشی تکامل یافته از انباشته‌های آرای دیگر بوده که جهاد در دوران غیبت را به «جهاد علمی» تفسیر کرده (باقی، ۱۳۶۳: ص ۲۱۲) و هر گونه قیام در دوران غیبت را باطل شمرده است و به صراحت قیام‌های قبل از ظهور را خودکشی (همان، ص ۲۳۹ و ۲۴۳)؛ خارج شدن دین از محبوبیت عمومی (همان، ص ۱۷۳)؛ طاغوت و مخالف با شکل‌گیری ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورجه‌الشریف می‌داند (همان، ص ۱۲۴ و ۱۳۵). آن‌ها معتقدند هیچ فردی جز امام معصوم نمی‌تواند جامعه را مدیریت کند و عقل بشری قدرت تشخیص امور حاکمیتی را ندارد (گروه مولفان، ۱۳۹۳: ص ۴۰). احمد اسماعیل بصری، مدعی یمانی، ولایت فقیه را نوعی غصب ولایت دانسته (nsr313.com/home/archives/473 هفته نامه رسمی جریان احمد اسماعیل بصری «الصرط المستقیم»، مطلب با عنوان «ولایة الفقیه أم اغتصاب الولاية»؛ و هر گونه عمل اجتماعی تحت اشراف عالمان دینی و مرجعیت شیعه را کفر و طاغوت دانسته است (هفته نامه رسمی جریان احمد بصری «الصرط المستقیم»، مطلب با عنوان «مرجعية النجف ألد أعداء الإمام المهدي» به نشانی: www.nsr313.com/home/archives/484). وی و اتباعش به این سخن قائل هستند که حتی شرکت در انتخابات عملی مشرکانه است و رأی دهندگان، هم‌پیمانان با یزیدیان هستند و در ریختن خون امام حسین علیه‌السلام شریک (شهبازیان، ۱۳۹۷: ص ۲۱۶).

مبانی مقاومت با محوریت فقیه در دوران غیبت

حاکمیت فقیه و ضرورت حضور جامعه منتظر در عرصه‌های سیاسی اجتماعی برای زمینه سازی ظهور؛ بر دلایل متقنی مبتنی است که عقل و نقل از آن پشتیبانی می‌کنند. این نوشتار رسالت خود را بر تبیین روایات و سیره متشرعه قرار داده است و به دلیل عقلی و قرآنی اشاره‌ای کوتاه می‌کند.

۱. گفتار عقل

یکی از منابع دریافت مذاق دین، «عقل» است که فقها در مباحث اصولی خود بدان اشاره



کرده‌اند. شهید سلیمانی با خطاب قرار دادن مجاهدان اسلام، به آنان یادآور شده که عقل سلیم بر حضور اجتماعی و تبعیت از حاکمیت دینی تحت لوای فقیه جامع الشرایط دلالت دارد. ایشان در استدلال بر مطلب مذکور چنین می‌نویسد:

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد (https://soleimani.ir/vasiatnameh).

این سخن، همان دلیلی است که فقیهانی همچون آیت الله بروجردی و امام خمینی در استدلال به لزوم حاکمیت دینی بهره گرفته‌اند. عالمان امامیه در طرح استدلال عقلی خود بیاناتی ارائه کرده‌اند که شامل مقدمات ذیل است:

الف) در جامعه به اموری بر می‌خوریم که از اختیارات اشخاص خارج است و اجرای آن‌ها به صورت فردی امکان ندارد. این امور از مسائل اجتماعی محسوب می‌شوند و حفظ جامعه بر آن‌ها مترتب است و بدین دلیل رهبر جامعه متولی آن خواهد بود؛ اموری مانند حدود الهی، سرپرستی افراد و اموال مجهول‌المالک، قضاوت و امر به معروف و نهی از منکر که در صورت عدم توجه به آن‌ها در نظام زندگی اختلال پدید می‌آید.

ب) در ایام غیبت کبرا، این شیوه مستمر بوده و امکان ندارد که اهل بیت علیهم‌السلام از طرفی مردم را از رجوع به طاغوت و حاکم ظالم نهی و از طرف دیگر، مردم را در سرگردانی رها کنند. لذا امور به دست فقیهان عادل و مطلع از مسائل اجتماعی سپرده شده است که اینان نزدیک‌ترین دیدگاه را به اهل بیت علیهم‌السلام دارند تا امور اجتماعی و سیاسی امت را مدیریت کنند.

در نهایت می‌توان گفت، یا اهل بیت علیهم‌السلام امت را در امور اجتماعی سرگردان رها کرده‌اند تا خود امت تصمیم بگیرند و یا این‌که امت را به فقیه عادل جامع الشرایط رهنمون کرده‌اند. فرض اولیه قطعاً باطل است و لذا فرض دوم ثابت می‌گردد (بروجردی، بی‌تا: ص ۷۹ و امام خمینی، بی‌تا: ص ۲۶).

افزون بر این، با اندک تاملی می‌توان یافت که برخی از آموزه‌ها، همچون عبودیت الهی، ظلم ستیزی و یاری‌گری مظلوم و اجرای برخی احکام اسلامی، همانند اجرای حدود و قضاوت اسلامی،



جز با ورود در اجتماع و بهره‌گیری از اقتدار اجتماعی امکان‌پذیر نیست و پشتوانه حاکمیتی را نیاز دارد که اجرای این امر واجب، تهیه مقدمات لازم یعنی حاکمیت فقیه لازم را می‌طلبد.

آیت‌الله خویی در استدلال به چرایی اجرای حدود در جامعه و سرپرستی فقها در احیای آن معتقد است که حفظ شریعت و کیان جامعه دینی در اجرای حدود است و این امر مختص زمانی خاص نیست. به عبارت دیگر، تا زمانی که اسلام جاری است، احکام حد نیز جاری خواهد بود (خویی، ۱۴۳۰: ج ۴۱، ص ۲۷۳). استاد شهید مطهری در تبیین ضرورت پیوند دینداری و اقتدار اجتماعی معتقد است شناخت خدا و تعبد به او (توحید نظری) از اهداف اصلی دین است که تشکیل نظام و حاکمیت اجتماعی (توحید اجتماعی) مقدمه رسیدن به آن می‌باشد. همچنین ایشان معتقد است که ارزش‌های اجتماعی و فعالیت‌های حاکمیتی انبیای الهی، صرفاً نقش مقدماتی ندارند و دارای ارزش ذاتی هستند. لذا نفس تشکیل حاکمیت اسلامی و عدالت‌گستری قابل‌قدردانی و ارزشمند است (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۷۶ و همان، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۶). آیت‌الله مصباح یزدی، دلایل عقلی در اثبات لزوم حکومت دینی را با دو دلیل «اصل تنزل تدریجی» (الأهم فالأهم) و «جامعیت و جاودانه بودن احکام اسلام» طرح کرده و معتقد است که این امر باید توسط متخصصان امر دین صورت‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۰).

۲. گفتار قرآن

«قرآن»، مهم‌ترین و متقن‌ترین منبع شناخت آموزه‌های اسلامی است که با بیان سنت‌های الهی، راهبرد و نقشه‌جمعی در اختیار مسلمین قرار داده است. شهید سلیمانی پرورش یافته مکتب قرآن و مصداق عینی اقامه‌کننده عدل و جهاد برای اعتلای جامعه بشری است. به یقین او در زمره «محسنین» قرار داشت که از جمله ویژگی آن‌ها بر اساس آیات الهی، حرکت مجاهدانه و تقابل با دشمن است و اقدامات آن‌ها موجب خشم دشمنان خواهد شد (توبه: ۱۲۰). ایشان با توجه به مبانی قرآنی و «رنگ خدا» نامیدن نظریه حاکمیت فقیه و ضرورت محافظت از آن، اعلان می‌کند که با ضربه خوردن به مصداق حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط در عصر حاضر، کیان قرآن و ارزش‌های آن ضربه خواهد خورد. لذا مجاهدت برای حفظ این نظریه، با محافظت از قرآن ارتباط مستقیم دارد (<https://soleimani.ir/vasiatnameh>).



نمونه‌ای از سنت‌های الهی ذکر شده در قرآن و لزوم عملکرد سیاسی جامعه منتظر، «ظلم ستیزی» (توبه: ۱۲۰)؛ «برپایی عدالت اجتماعی همراه با قیام» (حدید: ۲۵)؛ «استقامت در برابر مستکبران» (فصلت: ۳۰)؛ «تغییر آینده با اراده مردم» (رعد: ۱۱) و «ستیز با مستکبران» (نساء: ۹۵) است که گویای سنتی مستمر و مورد رضایت درگاه الهی است که از آن برای مکلفان گریزی باقی نمی‌ماند و اگر فردی نظری غیر از آن را ذکر کرده خلاف اطلاق آیات سخن گفته است و برای خارج دانستن ضرورت حضور مکلفان در مسائل سیاسی و عملکردهای اجتماعی به دلایل متقن نیاز دارد. این نکته را در آیه شریفه ذیل می‌توان ملاحظه کرد:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾؛ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند و آهن را، که در آن سختی و کارزار و نیز منافع بسیار بر مردم است؛ برای حفظ عدالت آفریدیم تا خدا بداند که چه کسی با ایمان قلبی، او و رسولانش را یاری خواهد کرد، همانا خدا قوی و مقتدر است (حدید: ۲۵).

شاهد مثال در این آیه شریفه، همراهی «اقامه قسط و عدل» با بهره‌گیری در مواقع لازم از «آهن و ابزار جنگی» است (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۳۶۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۳، ص ۳۷۲). افزون بر نهنفگی معنای قیام و استمرار قیام در عبارت «لیقوم»؛ برخی از قرآن‌پژوهان، معنای استیفای کامل حق را جزء کلمه «اقامه» دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۹۲). لذا استقرار عدالت به این نیاز دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح در مواردی از قدرت خود استفاده کنند. در روایتی از امیر المومنین علیه السلام آمده است که یکی از مصادیق انزال آهن، سلاح و ابزاری است که خدای متعال به بندگان، برای محافظت از دین و دنیایشان داده است (صدوق، ۱۳۹۸: ص ۲۶۶). امام خمینی در بیانی کوتاه، تناسب میان عبارت «انزال آهن» و «اقامه قسط» را نکات پیش‌گفته دانسته و عبارت «فیه باس شدید» را اشاره‌کننده به مراتب امر به معروف و نهی از منکر در برابر ستمگران دانسته است (خمینی، ۱۳۶۷: ج ۱۵، ص ۲۱۳).

۳. گفتار روایات

آن‌چه از روش شارع مقدس و اهل بیت علیهم السلام در منابع روایی امامیه به دست می‌آید، توجه به



ظلم ستیزی و نبرد مستمر حق و باطل و لشکریان آن است. شاهد این سخن، تعداد معتناهایی از روایت‌های مرتبط با جهاد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۸)؛ امر به معروف و نهی از منکر (همان، ص ۵۶)؛ اجرای حدود الهی (همان، ج ۷ ص ۱۷۴) و کمک به مظلوم در سراسر عالم (همان، ج ۲، ص ۱۶۴) است که دلیل اصلی اجرای این امور و پایبندی به آن‌ها را حفظ دین از اندراس و از بین رفتن ارزش‌های اسلامی (کیان اسلام) می‌دانند. لذا شهید سلیمانی در وصیت خود خطاب به مراجع و عالمان دینی بدین نکته تأکید دارد که اگر حاکمیت فقیه جامع الشرایط و انقلاب اسلامی ایران ضربه ببیند، دین و تمامی ارزش‌های آن مندرس می‌شود و از بین می‌رود (<https://soleimani.ir/vasiatnameh>). وی بر این مطلب تأکید دارد که دلیل بر تبعیت از فقیه جامع الشرایط، نصب وی از جانب اهل بیت علیهم‌السلام است؛ همان استدلال فقهای عظام به «مقبوله عمرین حنظله» و دیگر روایات، در انتصاب فقیه به حاکمیت شرعی مردم (خطاب به برادران و خواهران مجاهد، <https://soleimani.ir/vasiatnameh>). به یقین، شهید سلیمانی از مکتب امامین انقلاب، روایت‌های مختلفی فراگرفته که نمونه‌ای از آن‌ها در ادامه ذکر می‌شود: در صحیح‌ه یونس بن عبدالرحمن (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۹، ص ۳۳۲)؛ امام رضا علیه‌السلام به صراحت جواز مرابطه^۱ و رفتن به خاکریزهایی که به وسیله آن‌ها حملات دشمنان اسلام دفع می‌شود؛ را جایز دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۱) و افزون بر آن و در هنگامه تشخیص خطر حمله به کیان اسلام و از بین بردن دین توسط کفار، جهاد ابتدایی را اذن داده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۹، ص ۳۳۲ و تبریزی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۸). نکته مهم دیگر در این روایت، دلیلی است که امام رضا علیه‌السلام بیان و آن را جواز همکاری با لشکر طاغوت (بنی عباس) ذکر کرده؛ و آن، علت حفظ کیان دین اسلام است. این علت را می‌توان جوهر دین اسلام و مذهب تشیع در تعیین حاکمی عادل و قیمی برای امت ذکر کرد که استمرار آن همیشگی و بدیهی و ضرورت آن، همانند ضرورت پایبندی به نماز است که با فقدان شرایط کامل در اجرای آن، اصل عمل به این فریضه از عهده مکلف ساقط نمی‌شود و لازم است در هر شرایطی و با هر صورتی آن را به جا آورد. لزوم دخالت

۱. در اصطلاح فقها، «رباط» و «مرباطه» به وقتی گفته می‌شود که عده‌ای برای مراقبت از مرزها و مراقبت از تحرکات دشمن در آن سوی مرزها، در آن مناطق حاضر شوند و اگر در آن جا برای مدتی ساکن شوند به آنان «مرباط» گفته می‌شود.

دین‌داران در سیاست و رصد کردن تلاش دشمنان در سطح بین‌الملل برای رو در رویی مناسب، جهاد برای دفاع از دین و از بین نرفتن آن، با حضور شیعیان در اجتماع و دارا بودن حاکمیتی قوی دارای پیوستگی غیر قابل انکاری است که با غیبت حجت معصوم از عهده مکلفان خارج نمی‌شود و نمی‌توان امت را رها کرد، بلکه لازم است به منظور حفظ و ماندگاری کیان دین اسلام، به راه حل دیگری که همان حاکمیت فقهای عادل است، همت گمارد (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۰۱).

در گزارشی که مرحوم کلینی نقل کرده است؛ ابی عمرو زبیری از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۳۹ سوره حج^۱ از امام پرسید و در جست‌وجوی این نکته برآمد که معنای «اذن» در آیه مذکور چیست؛ و آیا این «اذن» مختص مردم مکه بوده است؟ امام صادق علیه السلام در تشریح آیه به این نکات اشاره فرمودند که **اولا**، این آیه حکم جهاد را برای مومنان جایز شمرده و مراد از مومنان افراد تابع ولایت دستوره‌های الهی و اهل تقواست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۵)؛ **ثانیا**، این مسئله به مردم مدینه یا جهاد مشخصی اختصاص نداشته (همان) و تا زمان قیامت حکمی جاری برای ایمان داران به اهل بیت علیهم السلام است. این گزارش با گزارش دیگری تایید شده که امام سجاد علیه السلام مطلق جهاد را نفی نکرده و بلکه اشاره می‌کنند که اگر فردی با همان ویژگی‌های تقوایی وجود داشته باشد، همراهی با او در جهاد لازم است (همان، ص ۲۲ و طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۱۳۴). در ادامه این روایات است که اهل بیت علیهم السلام ضمن تاکید بر اصل جهاد در دوران پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به یاران خود متذکر می‌شوند که عدم شرکت آنان در جهاد، نه از روی بی‌اعتقادی است، بلکه بر دلایل ذیل مبتنی است: **اولا**، عدم حضور فرمانده‌ای حق در قیام‌های زمانه خود؛ **ثانیا**، عدم زمانه مناسب برای قیام است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۱۹). گزارش تاییدی دیگر، استناد جناب کلینی به روایت حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام است (همان، ص ۱۰)؛ که جهاد در راه خدا و برخورد با طاغیان را تا زمان قیامت ضروری دانسته و آن را به دوران حضور معصوم محدود نکرده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۳۰۷ و روحانی، ۱۴۱۲: ج ۱۳، ص ۱۰۸).

۱. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ...»؛ همچنین به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده است، اجازه جهاد داده شده است...».

برخی دیگر از روایت‌های مرتبط با لزوم حرکت اصلاحی و اجتماعی جامعه دین‌دار و ضرورت سرپرستی جامعه توسط فقهای امامیه، عبارتند از: مجموعه‌ای از گزارش‌های معروف به «مقبوله عمر بن حنظله» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۷)؛ توقیع «اسحاق بن یعقوب» (همان، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۴)؛ «صحیحہ ابی خدیجہ» (همان، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳)؛ که با استناد به آیه قرآن در ضرورت «عدم رجوع مومن به طاغوت» (نساء: ۶۰)؛ «حاکم قرار دادن فقها در میان مردم» و «حجت دانستن آن‌ها از جانب ائمه علیهم‌السلام»؛ قواعدی کلی و سیره‌ای همیشگی را به مومنان ابلاغ کرده است (خمینی، بی‌تا: ص ۹۲ و مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۹). این روایات با گزارش‌های دیگری که ورود علم را به شهر قم عنوان کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۱۳) و به مردم دستور داده شده که برای حل مسائل خود به این شهر تردد کنند (همان، ص ۲۱۵) و همچنین فقها و عالمان شهر قم را حجت بر مردم دنیا دانسته و آن‌ها را نایب و جانشین ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر کرده‌اند (همان، ص ۲۱۳)؛ تأیید بیش‌تری یافته و همراه است با تأییدات کلی از اهل بیت علیهم‌السلام در گزارش‌هایی مانند:

نزد امام صادق علیه‌السلام درباره فردی که قیام کرده است، سخن گفته شد؛ ایشان فرمودند: «تا آن‌گاه که فردی از خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد که دست به شورش زند، من و شیعیانم در خیر [و امنیت] به سر می‌بریم. چقدر دوست داشتم کسی از خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قیام کند و خرج خانواده‌اش را من بپردازم» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۵۶۹). نیز امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: ای عموجان [= محمد بن حنفیه]! اگر برده‌ای سیاه تعصب ما را بکشد [= ما را یاری کند]؛ لازم است که مردم وی را یاری کنند. امر [مختار] را هم به شما واگذار کردم و آنچه می‌دانی به آن‌ها بگو» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵، ص ۳۶۵).

قدر متیقن مجموعه گزارش‌های پیش‌گفته، لزوم فعالیت اجتماعی دستگاه فقاہت در دوران غیبت، برقراری احکام دین در میان مردم و عدالت خواهی است.

در کنار این روایات، می‌توان به قواعد و اصولی اشاره کرد که اهمیت حفظ نظام عمومی جامعه اسلامی را به متدینان گوشزد و فقها به صراحت حق حاکمیت و دخالت مجتهد جامع الشرایط را از این قواعد برداشت کرده‌اند. آیت‌الله سیستانی در باب قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، دلیل کندن درخت از خانه انصاری را حفظ نظام عمومی جامعه اسلامی دانسته و این



حق را بعد از رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام، برای فقیه جامع شرایط قائل شده‌اند (آیت الله سیستانی، بی تا: ص ۲۰۴).

بدین دلیل است که امام صادق علیه السلام قیام زید بن علی را از دیگر قیام‌ها متفاوت برشمرده و اگر چه قیام تحت بیرق او را خارج از موقعیت مناسب زمانی دانسته‌اند؛ وی را فردی صالح و با تقوا محسوب و قیامش را تأیید کرده‌اند (خوبی، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۵۷). در روایت صحیح مرحوم کلینی عبارت‌های ذیل گویای تأیید زید از سوی امام است: «فَانظُرُوا عَلٰی اَيِّ شَيْءٍ تَخْرُجُونَ؛ بنگرید که قیام کننده برای چه قیام کرده‌است؟»؛ «وَلَا تَقُولُوا حَرَجَ زَيْدٍ؛ اشکال نگیرید که چرا زید قیام کرده است»، «وَلَمْ يَدْعُكُمْ اِلٰى نَفْسِهِ اِمَّا دَعَاكُمْ اِلٰى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام؛ شما را به خود دعوت نکرده [و به امامت خود قائل نبوده است]، بلکه به رضایت آل محمد دعوت کرده است.» و «لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي مِمَّا دَعَاكُمْ اِلَيْهِ؛ اگر زید در قیام خود به پیروزی می‌رسید، بدان وفا می‌کرد و حاکمیت را به ما می‌بخشید» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۶۴).

در گفت‌وگوی امام صادق علیه السلام با عبدالله بن حسن (پدر محمد نفس زکیه)، که تأیید خود از قیام نفس زکیه و همراهی با او را به امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح‌گری منوط و دلیل عدم همراهی با قیام وی را به دلیل ادعای مهدویت و تشکیل حاکمیت مهدوی دانسته است (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۹۲)؛ دلالت آشکار در این مطلب دارد که اهل بیت علیهم السلام مطلق قیام و حضور اجتماعی را نهی نکرده‌اند و اگر در مواردی به رد قیام نکته‌ای عنوان کرده‌اند، برای کسانی بوده که یا خود طاغوت بوده و به بدعتی دعوت و یا این‌که برای حمایت از ظالمی اقدام کرده‌اند؛ مانند قیام محمد بن عبدالله، نفس زکیه و قیام ابومسلم خراسانی.

شاهد دیگر، فهم اصحاب امام کاظم علیه السلام است که نهی از قیام قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در مورد کسانی دانسته که ادعای «قائمیت» و «مهدویت» کرده‌اند. در گزارشی از جناب کشی، چنین آمده است که «یحیی بن خالد برمکی» تلاش دارد طی دسیسه‌ای حکم قتل «هشام بن حکم» را از هارون عباسی بگیرد و او را معاند خلیفه عباسی و آشوبگر نشان دهد. لذا نکته‌ای هدمند از هشام می‌پرسد:

- سلیمان: آیا اطاعت از علی ابن ابی طالب کردن واجب است؟

- هشام: آری.



- سلیمان: اگر کسی که بعد از امام علی به مقام امامت می‌رسد، به تو دستور دهد که با شمشیر قیام کنی و به همراه او بجنگی از او اطاعت می‌کنی یا نه؟

- هشام: به من چنین دستوری نمی‌دهد.

- سلیمان: چرا دستور ندهد، با این‌که امرش را باید اطاعت کنی و اطاعت او واجب است.

- هشام: از این سؤال درگذر؛ جوابش داده شد.

- سلیمان: سؤال مرا باید جوابی منطقی بدهی؛ این صحیح نیست که می‌گویی مرا به چنین کاری امر نمی‌کند.

- هشام: چقدر تو اطراف غرقگاه دور می‌زنی [مراد هشام این بود که من از باب تقیه جواب نمی‌دهم؛ ولی تو اصرار داری]... اگر امر کرد، انجام می‌دهم (کشی، ۱۴۰۹: ص ۲۶۳).

پس از این پاسخ، هشام از بغداد متواری شده هارون، این مطلب را بر دیگر بهانه‌ها افزوده و امام کاظم علیه السلام را دستگیر کرد. گزارش واقعه به دو تن از اصحاب امام کاظم، یعنی «محمد بن سلیمان نوفلی» و «علی بن اسماعیل المیثمی» در زندان رسید و آن‌ها در گفت و گوی با یکدیگر به دنبال این مطلب بودند که هشام چه پاسخی باید ارائه می‌کرد؟
محمد بن سلیمان می‌گوید:

می‌تواند این عذر را بیاورد که شرط من در امامت او این است که کسی را به خروج دعوت نکند تا وقتی که منادی از آسمان ندا کند. هر کس قبل از ندای آسمانی مرا به خروج دعوت کرد؛ می‌فهمم که او امام نیست. از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی را به امامت می‌گزینم که ادعای خروج نکند و چنین دستوری ندهد، تا ندای آسمانی در چنین صورتی می‌پذیرم که او امام است (همان).

ابن میثم برآشفته شد و در جواب گفت:

چه کس در باره امامت چنین شرط کرده است؟ این از صفات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. هشام زیرک‌تر از این است که چنین بهانه‌ای بیاورد. او این طور که تو آشکارا می‌گویی، توضیح نداده؛ بلکه گفته است: اگر امام مفروض الطاعه پس از علی بن ابی طالب به من دستوری بدهد، اجرا می‌کنم؛ ولی نام آن امام را نیاورد (همان).

شاهد سخن در این است:



اولاً: هشام مطلق قیام قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باطل ندانسته است و عنوان می‌کند که اگر امام کاظم علیه السلام به خروج و قیام دستور دهد؛ اقدام خواهد کرد؛

ثانیاً: علی بن اسماعیل میثمی نهی از قیام را با ادعای قائمیت ملازم دانسته است و قیامی نهی شده که فردی خود را قائم آل محمد ص بداند؛ نه مطلق قیام‌ها.

در واقع چهار نوع قیام متصور است:

۱. قیامی که با ادعای قائمیت صورت پذیرد (قطعاً باطل است)؛
۲. قیامی که با ادعای امامت صورت پذیرد (چون به جز امام کاظم کسی حق ادعای امامت نداشته؛ پس آن باطل است)؛
۳. قیامی که بدون ادعای قائمیت باشد؛ اما برای غیر رضایت اهل بیت علیهم السلام باشد (در این جا نیز به قرینه مخالف بودن قیام با اهل بیت علیهم السلام باطل است)؛
۴. قیامی که بدون ادعای امامت و برای اجرای دستورهای اسلام و تحت بیرق اهل بیت علیهم السلام است (این نوع قیام صحیح است و نمونه‌های آن در مطالب گذشته ذکر گردید).

۴. سیره اهل بیت علیهم السلام و متشرعه

شهید سلیمانی در عبارت‌هایی از وصیت نامه و در برخی سخنان خود، به استمرار مجاهدت خود تحت بیرق فقیه جامع شرایط زمانه افتخار کرده و این مجاهدت و زمینه‌سازی برای ظهور را به پشتوانه فرهنگ مستمر متشرعه از دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام دانسته است (عبارت سپاس از خدای متعال، <https://soleimani.ir/vasiatnameh>). ایشان انقلاب اسلامی ایران را که تنها تجلی حاکمیت سیاسی و اجتماعی فقیهانه در دوران غیبت است؛ همانند خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قرار گاه سید الشهداء علیه السلام دانسته است که این انقلاب، به مجاهدت و پاسبانی نیاز دارد (عبارت خطاب به برادران و خواهران مجاهد، <https://soleimani.ir/vasiatnameh>).

ایشان عملکرد امام خمینی را به پشتوانه سیره عملی اهل بیت علیهم السلام و متشرعه، دفاع از اسلام دانسته است (همان، عبارت خطاب به برادران و خواهران ایرانی)؛ و فرهنگ عاشورایی و فاطمی را پشتوانه مجاهدت تحت لوای فقیه منصوب از جانب معصومان علیهم السلام می‌شمارد (همان).

گوشه‌ای از مجاهدت‌ها و سیره متشرعه در تاریخ چنین است:

یکم. اهل بیت علیهم السلام

سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام حضور در اجتماع و کمک به دیگران و احیای دستوره‌های الهی بوده است؛ به گونه‌ای که زمانی از دوران رسالت پیامبران الهی و اهل بیت علیهم السلام نبوده است، جز این که آنان به امور مردم رسیدگی می‌کرده و با ظالمان در نبرد بوده‌اند. سخنان و عملکرد آنان عبارتند از: درباره اهتمام به امور مسلمین، جهاد در راه خدا و امر به معروف، الگویی برای پیروان ایشان گشته و به تایید قیام‌های اصلاح‌گر و مجاهدت‌های دین‌داران پرداخته‌اند. نمونه‌های آن تایید قیام زید بن علی بن حسین، مختار، حسین بن علی بن حسن مثلث (شهید فخر) و قیام مردمانی از مشرق.

بنابر گزارشی، حضرت علی علیه السلام پیش از بروز قیام زید، به تبعیت از وی دستور داده (ثقفی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۵۸)؛ و در صحیحی پیش‌گفته از جناب کلینی، امام صادق علیه السلام او را بیرق حق و صادق در وعده شمرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۶۴). چه بسا بتوان چنین گفت که رویکرد زید بن علی موجب گردید امام باقر علیه السلام وی را زبان گویای خود بنامد (سیدمرتضی، ۱۴۱۷: ص ۶۴). قیام دیگری که مورد بحث قرار گرفته، قیام مختار است. علامه حلی، مختار را در قسمت ممدوحین از رجال خود ذکر کرده است (حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۶۸)؛ و مشهور عالمان دینی، وی و قیامش را به تبعیت از اهل بیت علیهم السلام ستوده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۳۱۵؛ همان، ۱۴۰۳: ج ۴۵، ص ۳۳۹؛ مامقانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۶ و خوبی، ۱۴۱۳: ج ۱۹، ص ۱۰۳). حرکت شهید فخر (حسین بن علی بن حسن) قیام دیگری است که مورد تایید قرار گرفته و علامه مجلسی گزارش‌های تایید قیام وی را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۵۷) و مرحوم مامقانی در بحثی فقهی - رجالی، حضور وی را در قیام سرپیچی از اهل بیت علیهم السلام نشمارده و مصداق روایت‌های نافی قیام را نهضت‌های بدعت گذار می‌داند (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۳۱۳).

در گزارش‌های مرتبط با پیشگویی‌های اهل بیت علیهم السلام از وقایع آینده، سخن از قومی مشرقی آمده است که اگرچه نمی‌توان مصداق حقیقی آن را شناسایی کرد؛ آشکارا قیامی قبل از ظهور و نزدیک به آن تایید شده است و قیام‌کنندگان، شهدایی در راه عدالت نامیده شده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۳). در گزارشی دیگر، از مردی اهل قم نام برده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷،



ص ۲۱۷)؛ که وی و یارانش مورد تایید اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته‌اند.

دوم. فقیهان و عالمان امامیه

عالمان و فقیهان امامیه نیز به تاسی از اهل بیت علیهم السلام و بنابر سنت الهی در قرآن، به طرح این بحث پرداخته و به اقتضای زمانه، سخن از اصل حاکمیت دین و فقیه و تلاش در عملیاتی شدن آن داشته‌اند؛ از جمله:

۱. ابو محمد ناصر الکبیر الاطروش

نام کامل وی، «الحسن بن علی بن الحسن بن عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام» است که از منظر وثاقت مورد اعتماد فریقین است (افندی، ۱۴۳۱: ج ۱، ص ۲۷۶ و طبری، ۱۹۶۷: ج ۱۰، ص ۱۴۹). نجاشی وی را به امامت اهل بیت علیهم السلام معتقد دانسته (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۵۷) و شیخ طوسی نیز وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام برشمرده است (طوسی، ۱۳۷۳: ص ۳۸۵). ویژگی بارز این عالم امامی، جهاد و فقاقت است که وی را با القابی همچون «صاحب الدیلم» نام برده و اسلام آوردن مردم منطقه دیلم را به همت او دانسته‌اند (مامقانی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۹۶). بارزترین تعریف را سید مرتضی از وی کرده و او را به زهد و فقاقت ستوده است (سید مرتضی، ۱۴۱۷: ص ۶۳). برخی محققان در مذهب وی تردید کرده و او را امام زیدیه دانسته و برخی وی را از معتقدان به امامت اهل بیت علیهم السلام شمرده‌اند.

حق بر آن است که وی از اصحاب امامیه بوده است؛ بنا بر شواهدی، مانند:

اولاً: نجاشی با بیان عبارت «کان یعتقد الامامة؛ او به امامت اهل بیت علیهم السلام معتقد بود»؛ و نیز ذکر کتاب‌های وی در اثبات امامت، با عنوان «کتاب فی الإمامة صغیر... کتاب فی الإمامة کبیر» و ذکر کتابی دیگر از وی در نام، نسب و زمان ولادت ائمه دوازده‌گانه امامیه با عنوان «کتاب أنساب الأئمة و موالیدهم إلى صاحب الأمر علیه السلام»؛ گزارش روشنی از امامی بودن وی ارائه کرده است (نجاشی، ۱۴۱۸: ص ۵۷).

ثانیاً: شیخ طوسی وی را در اصحاب امام هادی علیه السلام بر شمرده که با ادعای امامت برای زیدیه تنافی دارد (طوسی، ۱۳۷۳: ص ۳۸۵).

ثالثاً: ادعای امامت توسط فردی که خدا و رسولش وی را انتخاب نکرده‌اند؛ گناهی



نابخشودنی نزد امامیه بوده که در حد شرک به خدای متعال است و اهل بیت علیهم السلام با بدعت گذاران در این وادی به سختی برخورد کرده‌اند. حال چگونگی قابل‌تصور است که ناصرالدین الاطروش خود را امام زیدیه بداند و همانند دیگر زیدیه در تقابل با ائمه اطهار علیهم السلام قرار گیرد؛ در حالی که سید مرتضی وی را تمجید کرده و در وصف او کلماتی ویژه بیان کند و خود را موظف بداند که مسائل فقهی وی را بررسی و نام او را زنده کند؟! یا این که در قسمت‌های مختلف از کتاب خود با بردن نام وی، در خصوص ایشان این واژه‌های احترام آمیز را ذکر کند: ترضی (رضی الله عنه)، ترحم (رحمه الله) و تکریم (کرم الله وجهه)؟!؛

برخی از محققان گمان کرده‌اند که عبارت نجاشی بر امامی بودن دلالتی ندارد، بلکه مذمت وی خوانده شده و معنای عبارت «کان یعتقد الامامة»، ادعای امامت برای خودش بوده که با عقاید زیدیه موافق است (افندی، ۱۴۳۱: ج ۱، ص ۲۹۱). این اشکال وارد نیست؛ چرا که: اولاً: هیچ یک از بزرگان فقه‌های امامیه این نکته را از عبارت نجاشی برداشت نکرده و حتی عالمان عرب زبان، از این جمله، اعتقاد وی به اهل بیت علیهم السلام به ذهنشان متبادر شده است (حائری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۴۱۴ و امین عاملی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۸۲).

ثانیاً: نجاشی کتاب دیگری از وی نام برده است با عنوان: «أنساب الأئمة و موالیدهم إلى صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف»^۱ که جای تردید باقی نگذاشته که وی نمی‌توانسته، به امامت خود و مبانی زیدیه معتقد باشد؛ اما از دیگر ائمه امامیه نام ببرد؛ به ویژه این که زیدیه به عدم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسن عسکری علیه السلام اعتقاد دارند و تمام هم‌تشان صرف اشکال به دیدگاه ائمه دوازده گانه بوده است؛ تا جایی که عالمان امامیه آن‌ها را متعصب‌ترین مخالفان خود دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۲۶).

ثالثاً: این عبارت در میان عرب برای کسی به کار رفته است که به امامت اهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشته باشد؛ آن گونه که یاقوت حموی، از جناب ناشی اصغر، شاعر اهل بیت علیهم السلام چنین یاد کرده است:

۱. احتمال دارد عبارت «الی صاحب الامر»، بیان و توضیح نجاشی از کتاب باشد و احتمال دارد جزء عنوان کتاب بوده است. در مجموع دلالت متن، آشکارا گویای گرایش ناصر الکبیر الاطروش به امامیه است.

قال الخالع: و كان الناشئ ... يعتقد الامامة و يناظر عليها بأجود عبارة، فاستنفذ عمره في مديح أهل البيت حتى عرف بهم؛ خالع گوید: ناشی، به امام اهل بیت علیهم السلام معتقد بود و با بهترین عبارات‌ها در مناظره‌ها از آن اعتقاد دفاع و عمرش را در مدح اهل بیت علیهم السلام صرف کرد، تا جایی که به شاعر اهل بیت علیهم السلام مشهور گشت (یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۱۷۸۴).

۲. ابن قبه رازی

شیخ صدوق اشکال زبیدی را بر امامیه در عدم اجرای احکام جهاد و عمل به آیات قرآن مطرح کرده و در ادامه به پاسخ ابن قبه رازی (حدود ۳۱۷ق) اشاره کرده که معتقد است امامیه با جهاد مخالف نیستند، بلکه معتقدند شرط اساسی در جهاد با کفار، داشتن اصحاب و نیروی کارآموده و شرایط اجتماعی مهیا برای قیام است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۲۵). نکته دیگر این که جناب ابن قبه معتقد بوده که جهاد باید به دست عالم به احکام شرعی و سیاست‌دان (فقیه اهل سیاست) صورت پذیرد (همان).

۳. شیخ مفید

شیخ مفید از جمله عالمانی است که فقیه را جانشین امام معصوم در دوران غیبت دانسته و سرپرستی جامعه اسلامی را به دست فقیهان می‌داند؛ به گونه‌ای که اجرای حدود الهی، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد ابتدایی با کفار را از شئون فقیه ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳(ب): ص ۶۷۵ و ۸۱۰). ایشان معتقد است در صورتی که دفع ظالم به واسطه حکومت ظالم دیگری امکان‌پذیر باشد، واجب است که فقیه بدان اقدام کند. از طرف دیگر، اگر فقیهی منصبی در دستگاه حکومت ظالم به عهده گرفت و قصدش اجرای عدالت و کمک به پیشبرد دین الهی باشد؛ در واقع او از جانب امام معصوم منصوب است و عنوان حکومت طاغوت به وی نسبت داده نمی‌شود (همان: ص ۸۱۲).

معتزله، از اهل سنت، یکی از دلایل خود را در باطل بودن آموزه غیبت و پنهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدم امکان اجرای احکام و جهاد در صورت فقدان امام دانسته‌اند. شیخ مفید در پاسخ به استدلال آنان، نقش فقهای امامیه را در دوران غیبت یادآور شده و آنان را نایبان



حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته که به امر به معروف و نهی از منکر، اقامه حدود الهی و جهاد با
کفار اقدام می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ (ج): ص ۱۰۶).

۴. فقهای معاصر

افزون بر موارد پیش‌گفته، دیگر عالمان امامی، ولایت فقها در امور مرتبط با اجرای حد و حداقل جهاد دفاعی را پذیرفته و هیچ‌یک از آنان، به طاغوت بودن قیام در دوران غیبت تحت بیرق فقیه جامع شرایط و یا لزوم نشستن در خانه و تعطیل کردن احکام الهی، معتقد نیست (مومن قمی، ۱۴۱۵: ص ۳۲۱). در میان فقهای معاصر، آیت الله خویی (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۶۶) و آیت الله سید صادق روحانی (خویی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۹۶ و روحانی، ۱۴۱۲: ج ۱۳، ص ۱۰۸)، همانند صاحب جواهر و امام خمینی و تعدادی دیگر از فقها، نه تنها جهاد دفاعی را لازم شمرده، بلکه به ولایت فقها در اذن جهاد ابتدایی نیز اشاره کرده‌اند. آیت الله شیخ جواد تبریزی، به امور سیاسی توجه داشته و فقیه را صاحب اذن در دستور قضایی و اجرای حدود و جهاد می‌داند (تبریزی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۷). این روحیه و فتوا را می‌توان در فتاوا و عملکرد آیت الله سید علی سیستانی نیز ملاحظه کرد (حسینی، ۱۳۹۳: ص ۸۳).



نتیجه‌گیری

اسلام دین را از سیاست جدا ندانسته و این پیوستگی را به زمانی مشخص محدود نکرده است. مطابق قواعد عقلی، قرآنی، روایی و سیره متشرعه، این پیوستگی در دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ادامه دارد و اهل بیت علیهم السلام به تشکیل «حکمرانی فقیهانه» و تمسک به «انتظار مقاومتی» دستور داده‌اند. شهید سلیمانی انسان تراز انقلاب اسلامی است که با فهم عالمانه و محققانه از حاکمیت فقیه در دوران غیبت، سیره عملی خود را تنظیم کرد. توجه این شهید به مبانی و دلایل عقلی، نقلی و تاریخی حکمرانی فقیهانه در عصر غیبت، حاصل بیش از بیست سال تلاش علمی و عملی او درباره «ولایت فقیه» است و این مبانی به صراحت در وصیت نامه ایشان ملاحظه می‌شود. ایشان با توجه به دلایل برگرفته از عقل، قرآن، روایات و سیره متشرعه، ضرورت حکمرانی فقیهانه را اثبات کرده است و لازمه انتظار مقاومتی را حاکمیت و تسلط فقیه جامع الشرایط بر جامعه عنوان می‌کند. همچنین شهید سلیمانی با یادآوری برخی از مبانی در سخنان خود، عملکرد و تاثیر اجتماعی وی در حین مقاومت و حتی در جریان شهادت خود و تشییع پیکرش، در نقد انگاره انتظار واپس‌گرا اقدامی موثر داشته است.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ادریس، محمد (۱۴۱۰ق). *السرائر*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲. افندی، عبدالله بن عیسی (۱۴۳۱ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، بیروت، موسسه التاریخ العربی.
۳. الهی نژاد، حسین (تابستان ۱۴۰۰). «گستره مفهومی انتظار با تأکید بر قانون اشتراک لفظی و معنوی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۵۸، ص ۱۰۵-۱۱۷.
۴. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعة*، لبنان، دارالتعارف.
۵. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳). *در شناخت حزب قاعدین زمان*، تهران، نشر دانش اسلامی.
۶. بروجردی، سید حسین (بی تا). *البدر الظاهر فی الصلاة الجمعة و المسافر*، (تقریر مباحث توسط حسینعلی منتظری)، قم، انتشارات منتظری.
۷. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. تابنده، سلطان حسین (۱۳۸۴). *نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم*، تهران، حقیقت.
۹. تبریزی، شیخ جواد (۱۴۱۳ق). *ارشاد الطالب الی التعليق علی المكاسب*، قم، اسماعیلیان.
۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق). *الغارات*، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۱. حائری، سید کاظم (۱۴۲۴ق). *ولاية الامر فی عصر الغیبة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۲. _____ (۱۴۲۵ق). *المرجعية و القيادة*، قم، دارالتفسیر.
۱۳. حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسائل الشیعة*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۵. حسینی، سید ابراهیم (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «تبیین نظریه ولایت فقیه با تأکید بر دیدگاه آیت الله سیستانی»، فصلنامه معرفت سیاسی، شماره ۱۱، موسسه امام خمینی، ص ۸۳-۱۰۳.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *خلاصة الاقوال*، نجف، دارالذخائر.
۱۷. خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۶۷). *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. _____ (۱۳۹۱). *روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. _____ (بی تا). *ولاية فقیه*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*، قم، مدینه العلم.



۲۱. _____ (بی تا). **منهاج الصالحین** (با حواشی سید صادق روحانی)، قم، بی نا.
۲۲. _____ (۱۴۳۵ق). **مبانی تکملة المنهاج**، نجف، مؤسسه الخویی الاسلامیة.
۲۳. _____ (۱۴۱۳ق). **معجم رجال الحدیث**، بیروت، مدینة العلم.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت-دمشق، دار القلم-الدار الشامیة.
۲۵. رجبی، آرش (۱۳۹۴). **نقد و بررسی انجمن حجتیه**، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲۶. رشتی، سید کاظم (۱۴۳۲ق). **جواهر الحکم**، بصره، شركة الغدیر.
۲۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۳). **دریغ است ایران که ویران شود**، تهران، سهامی انتشار.
۲۸. روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق). **فقه الصادق علیه السلام**، قم، دارالکتاب.
۲۹. سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۱۷ق). **مسائل الناصریات**، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۰. سیستانی، سید علی (بی تا). **قاعده لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام**، نجف، بی نا.
۳۱. شهبازیان، محمد (۱۳۹۷). **ره افسانه**، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). **التوحید**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۳. _____ (۱۳۷۸). **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، تهران، نشر جهان.
۳۴. _____ (۱۳۹۵). **کمال الدین و تمام النعمة**، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
۳۵. _____ (۱۴۱۳ق). **من لایحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۳۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۷. _____ (۱۳۷۳). **رجال**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۸. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق (ب)). **المقنعة**، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
۳۹. _____ (۱۴۱۳ق (ج)). **الفصول العشرة**، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
۴۰. _____ (۱۴۱۳ق (الف)). **الارشاد**، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). **مجمع البیان**، بیروت، دارالمعرفة.
۴۲. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷م). **تاریخ الأمم والملوک**، بیروت، دار التراث.
۴۳. قادیانی، غلام احمد (۲۰۰۷م). **باقة من بستان المهدي**، اسلام آباد پاکستان، الشركة الاسلامیة.



۴۴. قادیانی، غلام احمد (۲۰۱۳م). *براهین الاحمدیه*، چهار جلد در یک جلد، لندن، الشركة الاسلامیه المحدودة.

۴۵. کرمانی، محمد کریم خان (بی تا). *سی فصل، برگرفته از سایت مکارم الابرار*، به نشانی:

<http://m-kermani.ir/wp-content/uploads/book>.

۴۶. کشی، محمد بن عمرو (۱۴۰۹ق). *اختیار معرفة الرجال*، مشهد، دانشگاه مشهد.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۸. گروهی از مولفان مرکز آموزشی پژوهشی کوثر (۱۳۹۳). *دیانت عافیت*، تهران، مرکز آموزشی پژوهشی کوثر.

۴۹. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق). *تنقیح المقال*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۵۰. _____ (بی تا). *تنقیح المقال فی علم الرجال* (رحلی)، قم، بی نا.

۵۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۵۲. _____ (۱۴۰۶ق). *ملاذ الاخيار*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.

۵۳. _____ (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۵۴. مدرس چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۰). *سلسله های صوفیه در ایران*، تهران، بتونک.

۵۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). *حکیمانه ترین حکومت*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار*، ج ۲، قم، انتشارات صدرا.

۵۷. _____ (۱۳۷۸). *یادداشت های استاد مطهری*، قم، انتشارات صدرا.

۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۵۹. مومن قمی، محمد (۱۴۱۵ق). *کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۶۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). *رجال*، قم، نشر اسلامی.

۶۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، تهران، صدوق.

۶۲. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق). *فرق الشیعة*، بیروت، دارالاضواء.

۶۳. واحدی، سید تقی (صالحعلیشاه) (۱۳۸۴). *در کوی صوفیان*، تهران، نخل دانش.

۶۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳م). *معجم الادباء*، بیروت، دارالغرب.

سایت ها

65. <https://soleimani.ir>

66. <https://nsr313.com>

67. <https://farsi.khamenei.ir>



توسعه دانش بنیان از غرب تا جامعه عصر ظهور^۱

۲ سلیمان خاکبان

۳ رحیم کارگر

۴ سعید توسلی خواه

چکیده

در میان نظریه‌های مختلف «توسعه»، در جهان غرب، «توسعه دانش بنیان»، به مثابه آخرین دستاورد و رویکرد در موضوع توسعه شناخته می‌شود. در مقابل، جامعه عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در جهان اسلام، به عنوان مقصد و هدف نهایی توسعه و پیشرفت مطرح است. نوشتار پیش رو، با روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای، نخست می‌کوشد با نگاه انتقادی به بازخوانی توسعه دانش بنیان و تبیین ابعاد آن بپردازد و آن‌گاه با نسبت سنجی آن با توسعه جامعه عصر ظهور، ضمن تعیین و برجسته کردن مؤلفه‌های ضعف و کاستی‌های توسعه دانش بنیان، ضرورت توجه به توسعه جامعه عصر ظهور، به مثابه نسخه‌ای بدیل و جایگزین برای توسعه دانش بنیان را نمایان کند.

دستاورد این پژوهش، گویای آن است که توسعه دانش بنیان، به‌رغم توانایی در فراهم کردن مراتبی از آسایش انسان، از پاسخگویی به همه نیازهای او ناکام بوده است و در مقابل، توسعه در عصر ظهور، تحت مدیریت منطق جامع معرفت و با بهره‌گیری از همه منابع معرفتی، به تأمین همگی نیازهای انسان در ابعاد گوناگون آن قادر است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه دانش بنیان، جامعه توسعه یافته، عصر ظهور.

۱. برگرفته از رساله دکتری «تحلیل نظریه‌های توسعه جهان مدرن و ارزیابی آن‌ها براساس توسعه عصر ظهور» دانشگاه قم.

Khakban34@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم.

rkaragar313@gmail.com

۳. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

saeedtavasoli@chmail.ir

۴. دانشجوی دکتری رشته مبانی نظری اسلام دانشگاه قم.

محوری ترین موضوع و دغدغه اصلی جهان معاصر، «توسعه» است. همه تحولات جهان را می توان به نوعی با موضوع توسعه مرتبط دانست. پس از جنگ جهانی دوم، دانشمندان علوم اجتماعی برای برون رفت کشورهای جهان سوم از وضعیت نابسامانی که در آن قرار داشتند، در قالب نظریه های توسعه پیشنهادهایی ارائه کردند. ضرورت بازسازی و ایجاد رفاه در کشورهای درگیر جنگ که دچار آثار مخرب و ویران گر آن شده بودند؛ و نیز به وجود آمدن کشورهای تازه استقلال یافته در این که مقوله توسعه مورد توجه قرار گیرد، مؤثر بوده است.

نظریات رسمی درباره توسعه غربی^۱ از ابتدا (۱۹۵۰ میلادی) تا کنون و در طول عمر هفتاد ساله خود، دارای سیر تاریخی و تطور مفهومی است؛ و در طول این سال ها، گرچه هدف توسعه و برنامه های آن، همواره رسیدن به رفاه؛ و توسعه نیز ابزاری برای رسیدن به آن بوده است؛ تلقی از جامعه مرفه گسترش یافته و ابعاد تازه تری مورد توجه قرار گرفته است. در این جا به طور خلاصه، نظریه های پنج گانه توسعه را مرور می کنیم:

۱. توسعه به مثابه رشد اقتصادی (افزایش تولید ناخالص ملی)؛
۲. توسعه به مثابه رشد اقتصادی + عدالت اقتصادی؛
۳. توسعه به مثابه رشد اقتصادی + عدالت اقتصادی + توجه به آزادی؛
۴. توسعه به مثابه رشد اقتصادی + عدالت اقتصادی + توجه به آزادی + حفظ محیط زیست = توسعه پایدار؛
۵. توسعه پایدار با تکیه بر دانش = توسعه دانش بنیان.

نظریه «توسعه دانش بنیان»، به عنوان آخرین رویکرد توسعه، سعی دارد با استراتژی جدید و مبتنی بر دانش، اهداف توسعه پایدار را تأمین کند. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ میلادی هفده آرمان را برای توسعه پایدار (SD)^۲ اعلام کرده است. این آرمان ها را می توان در سه موضوع اصلی: رشد اقتصادی، محافظت از محیط زیست و برابری اجتماعی دسته بندی کرد. بر این

۱. منظور از نظریات توسعه غربی، نظریات مورد قبول UNDP است.

اساس، می‌توان ادعا کرد که مفهوم توسعه پایدار، اساساً بر سه رکن مفهومی «پایداری اقتصادی»، «پایداری اجتماعی»^۱ و «پایداری محیط زیست» استوار است.^۲ در توسعه پایدار، اگر چه به عدالت و آزادی نیز توجه شده است؛ پایه و اساس آن، تنها توسعه اقتصادی و پاسخگویی به نیازهای مادی و حیات دنیوی انسان است. بدین‌رو، اشکال اساسی آن، یک سویه بودن و تأکید بیش از حد بر مسائل اقتصادی و تمرکز صرف بر امور مادی و دنیوی و بی‌توجهی به نیازهای اساسی بشر در بعد معنوی آن است که این امر، به تدریج و با گذر زمان، مشکلاتی را در عرصه‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی برای کشورهای پیشرفته موجب شد و ناکارآمدی توسعه غربی در حل مشکلات جوامع بشری، بیش از پیش نمود یافت (کارگر، ۱۳۹۳: ص ۸-۹).

گفتنی است در کشور ما ایران نیز برنامه‌های مختلف توسعه از سال ۱۳۲۹ شمسی به اجرا گذاشته شده و تا امروز ادامه دارد. در طول این مدت، فراز و فرودهایی در این مسیر رخ داده است. وقوع انقلاب اسلامی و شعار «نه شرقی، نه غربی»، رویکرد جدیدی را در مسیر حرکت کشور نوید می‌داد: «حرکت جامعه بر اساس توحید، عدالت و در یک کلمه اسلام».

با این‌که پس از انقلاب و وقفه ده ساله متأثر از جنگ تحمیلی، چندین برنامه توسعه، طراحی و به اجرا گذاشته شده است؛ در عمل، برنامه‌ریزی‌ها تغییرات اساسی نداشته و اگرچه سعی می‌شد مواردی که با احکام اسلام در تعارض آشکار بودند، اصلاح شوند؛ برنامه‌های مذکور، با همان رویکرد و الگویی از برنامه‌های توسعه در غرب ادامه یافت. از طرفی، تغییرات استراتژی در این برنامه‌ها گویای این واقعیت بود که برنامه‌های مزبور از چشم‌اندازی بلندمدت تبعیت نمی‌کنند. در این زمینه، در سال ۱۳۸۴ شمسی چشم‌انداز بیست ساله کشور ابلاغ شد؛ ولی همچنان عدم الگویی مناسب و بومی، کارایی برنامه‌های توسعه کشور را تهدید می‌کند (نوبخت، ۱۳۹۵: ص ۶۵۲).

۱. برای آشنایی با شاخص‌های پایداری اجتماعی، رک: مقاله «ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه»، نسترن، مهین و دیگران، پاییز ۱۳۹۲، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۵۱.

2. Justice Mensah, Sustainable development: Meaning, history, principles, pillars, and implications for human action: Literature review, Cogent Social Sciences 2019

با توجه به دغدغه مقام معظم رهبری و سایر منتقدان فعال در این عرصه که انتقادهای ایشان به کاستی‌های موجود در الگوی توسعه غربی و مشکلات و معضلات برآمده از آن معطوف است؛ ضروری و بایسته است که با نگاهی نقادانه به توسعه غربی و از جمله توسعه دانش بنیان نگریت و در این بین ضمن تعیین و برجسته کردن مؤلفه‌های ضعف و کاستی‌های آن، در اندیشه نسخه‌ای بدیل و جایگزین برای آن بود. در این میان، بهترین منبعی که از آن می‌توان در مسیر حرکت اصلاحی و تدوین سند جامع توسعه و پیشرفت بهره جست؛ جامعه عصر ظهور است؛ چرا که این جامعه تجلی کامل جامعه آرمانی و نشان پویایی و ماندگاری آن است. در این جامعه دستورهای ناب دین مبین اسلام، در قالب نظامی یکپارچه و منسجم به تصویر کشیده شده است. بدین‌روی، در ترسیم نقشه راه پیشرفت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ظرفیت عظیمی در خود نهفته دارد.

نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی- تحلیلی و مقایسه‌ای، نخست می‌کوشد با نگاه انتقادی به بازخوانی توسعه دانش بنیان و تبیین ابعاد آن بپردازد و آن‌گاه با نسبت‌سنجی آن با توسعه جامعه عصر ظهور، ضمن تعیین و برجسته کردن مؤلفه‌های ضعف و کاستی‌های توسعه دانش بنیان، ضرورت توجه به توسعه جامعه عصر ظهور، به مثابه نسخه‌ای بدیل و جایگزین برای توسعه دانش بنیان را نمایان کند.

۱. توسعه دانش بنیان

امروزه «توسعه دانش بنیان» (kBD) آخرین رویکرد پذیرفته شده برای توسعه از سوی جهان مدرن شناخته شده است و نظریه مرتبط با آن، سعی دارد با استراتژی جدید و مبتنی بر دانش، اهداف توسعه پایدار را تأمین کند. تعریف‌ها و تبیین‌های مختلفی برای توسعه دانش بنیان ارائه شده که بسیاری از آن‌ها یا کامل نبوده و یا به رشته‌ای خاص ناظر است؛ اما اگر بخواهیم آن را با نگاهی جامع توصیف کنیم؛ این چنین می‌توان تعریف کرد:

توسعه دانش بنیان، رویکردی است که به توانمندی‌های انسانی و فرآیند توسعه با استفاده از انواع سیستم‌ها و رویکردهای مدیریت دانش و مجموعه ارزش‌ها مربوط است تا از این رهگذر، فرصت‌های جدید، پیشرفت در اقتصاد و جامعه، رقابت موفقیت‌آمیز در اقتصاد دانش پایه و جهانی و دستیابی به پیشرفت در تکامل تمدن بشری حاصل آید



(Tan Yigitcanlar: p.11).

آنچه در توسعه دانش بنیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، درک چپستی «دانش» مورد نظر است؛ چرا که محور این توسعه، دانش است.

۱-۱. مفهوم دانش، در توسعه دانش بنیان

واژه «Knowledge» که به دانش یا دانایی تعبیر می‌شود، در فرهنگ واژگان «webster's New word» به معنای «تمام آنچه به وسیله ذهن ادراک می‌شود»، آمده است. فرهنگ لغت مزبور، دانش را شامل هر نوع دانسته‌ای می‌داند و بین منبع آن تفاوتی قائل نیست؛ ولی پرسش این است که آیا منظور از دانش در این توسعه، همان علم تجربی است؟ و نیز آیا دانش مورد نظر در توسعه دانش بنیان از همه منابع معرفتی (تجربه، عقل، شهود و وحی) بهره می‌برد؟ این‌ها پرسش‌هایی جدی در مورد این سنخ از توسعه است که برای پاسخ به آن‌ها باید رابطه دانش و علم تجربی تبیین گردد.

۱-۱-۱. نسبت دانش با علم تجربی و اطلاعات

در زمینه واژه «دانش» در توسعه دانش بنیان نکاتی بایسته توجه است: نخست آن که واژه دانش با «علم» و به عبارت دقیق‌تر «علم تجربی» اشتباه گرفته نشود. علم، در فرهنگ لغت مذکور به معنای آگاهی نظام یافته‌ای است که از طریق مشاهده، مطالعه و آزمایش به منظور مشخص شدن طبیعت یا اصول آنچه تحت بررسی قرار گرفته، به دست می‌آید. با این توضیح در مورد نسبت دانش با علم تجربی می‌توان گفت، دانش شناختی است که در قالب یک گزاره قابل بیان است؛ ولی علم تمام بدنه ذخیره شده در ارتباط با پدیده‌های هستی از طریق کشف در طول زمان است (همان: ص ۱۹۷).

برای نمونه، در جدول زیر اعداد و ارقامی آمده‌اند که هیچ معنای خاصی را منتقل نمی‌کند؛ این‌ها «داده» هستند:

۱۰۰	۱
۱۵۰	۲
۳۰۰	۳



حال یک ردیف به آن اضافه می‌کنیم تا مشخص شود که این اعداد چه معنایی دارند:

میزان چربی خون (میلی‌گرم)	کد بیمار
۱۰۰	۱
۱۵۰	۲
۳۰۰	۳

این اعداد، نشان دهنده میزان چربی خون بیماران هستند که به آن‌ها «اطلاعات» گفته می‌شود. حال وقتی پزشک اطلاعات مزبور را مشاهده می‌کند و با استفاده از علم و تجربه خود، متوجه می‌شود که بیمار کد ۳ دارای چربی خون بیش از حد طبیعی و در معرض خطر سکت قلبی است؛ این دانسته پزشک در مورد بیمار، «دانش» نام دارد و زمینه تصمیم‌گیری در مورد وی را فراهم می‌کند. در حقیقت، دانش در این مفهوم، همان نتایج کاربردی از طریق علوم تجربی است.

۱-۲-۱. مفهوم دانش از منظر کارکرد

دانش از منظر کارکرد به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱. «دانش چستی» که به واقعیت‌های موجود در جهان اطراف ما می‌پردازد و پدیده‌ها را توصیف می‌کند (کارکرد توصیفی)؛
 ۲. «دانش چرایی» که قوانین و اصول موجود در طبیعت انسان و جامعه را بررسی می‌کند (کارکرد علت و معلولی)؛
 ۳. «دانش چگونگی» یا همان دانش فنی که مجموعه مهارت‌ها و قابلیت‌های (توانایی انجام دادن کارها را به بهترین شکل ممکن) فردی اجتماعی سازمانی در بر می‌گیرد (کارکرد فرایندی)؛
 ۴. «دانش قابلیت» که به اطلاعات موجود درباره این‌که چه کسی چه چیزی را می‌داند، یا چه کسی چه چیزی را بهتر می‌تواند انجام دهد؛ اطلاق می‌شود.
- نتیجه آن‌که دانش در توسعه دانش بنیان، دانش تجربی است. دانش تجربی نیز در حقیقت همان دانش چرایی و چگونگی است (انتظاری، ۱۳۹۹: ص ۲۱۸).

۱-۲. پیشینه توسعه دانش بنیان

اقتصاد در جهان مدرن سه دوره را پشت سر گذاشته است: اولین دوره، اقتصاد مبتنی بر کشاورزی است. در آن دوره، محور رشد اقتصادی، تولید محصولات کشاورزی بوده است. مرحله دوم، توسعه صنعتی بود که در آن، صنعت محور رشد اقتصادی شد و با انقلاب صنعتی در اروپا همراه بود. در اقتصاد صنعتی سه عامل سرمایه، زمین و نیروی کار از عوامل تولید بودند؛ اما از سال ۱۹۷۰ میلادی، نقش دانش در رشد اقتصادی نمایان شد و مرحله سوم به نام «اقتصاد دانش بنیان» شکل گرفت. اولین بار واژه مذکور را پیتر دراگر ابداع کرد. به این ترتیب، دانش، به عنوان چهارمین عامل تولید در اقتصادهای پیشرفته مورد تأیید قرار گرفت. اتکای اقتصاد دانش بنیان بر تولید، توزیع و کاربرد دانش است. به مرور زمان، رویکرد دانش بنیان در ابعاد دیگر توسعه به عنوان یک رویکرد توسعه مطرح شد و شهرهای دانش بنیان نیز به عنوان بستر تحقق توسعه دانش بنیان در کانون توجه نظریه پردازان قرار گرفتند.

رویکرد توسعه دانش بنیان، نخستین بار در سال ۱۹۹۵ میلادی، برای احیای شهرهای صنعتی اروپا و آمریکا از طریق ارتقای ظرفیت‌های انسانی و نهادی و ایجاد محیط‌های مساعد خلاقیت، نوآوری، آموزش و تغییر شکل گرفت. در توسعه دانش بنیان، افزون بر رشد اقتصادی، تمام پارامترهایی که کیفیت زندگی و پایداری را در یک زمینه بین المللی منعکس می‌کند، مورد توجه است. بدین رو، از فعالیت‌های تولید محور سنتی کاملاً متفاوت است. توسعه دانش بنیان بر اصطلاحات فاکتورهای نرم، یعنی نرم افزار، موجود زنده و سازگاری تأکید دارد و نیازمند استراتژی متفاوتی است (جمعه پور، و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۵۵-۵۶).

۱-۳. زیست بوم توسعه دانش بنیان

مفاهیم «شهر دانش» و «توسعه دانش بنیان» در رسانه‌های معاصر، ارتباط میان دانش و شهر را منتقل می‌کند. همچنین توجه پژوهشگران شهرسازی و معماری را در قالب ایجاد شهرهای دانش محور به خود جلب کرده است. محققان حیطه توسعه دانش بنیان معتقدند که برای تحقق این توسعه، بایستی زیست بوم‌های دانش بنیان ساخته شوند. شهرهای دانش بنیان، به عنوان زیست بوم توسعه دانش بنیان، فضایی مرکب از نظام‌های اقتصادی، اجتماعی،



فرهنگی، سیاسی و نهاد حکومت داری است که اکوسیستم‌های متنوع در آن شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند.

شهرهای دانش، ترکیبی هستند از قابلیت‌های تکنولوژیکی دانشگاهی، فرهنگی، علمی و نوآوری در شهرها و مناطقی که به عنوان موتور رشد اقتصادی عمل می‌کنند. جامعه دانش‌بنیان، به زیرساخت‌های دیجیتالی و فناوری اطلاعات، همچنین ارتقا و تحول علمی، آموزشی و نوآوری نیازمند است؛ ولی به این‌ها محدود نمی‌گردد.

اکوسیستم توسعه دانش‌بنیان، اکوسیستم پویایی است که در آن، افراد و سازمان در رقابت و همکاری با یکدیگر یاد می‌گیرند که قوه خلاقیت خود را به کار گیرند، دانش انباشت کنند، به نوآوری دست بزنند، کارآفرینی کنند و در نهایت، به رفاه برسند و استانداردهای بالاتری را برای زندگی تجربه کنند (انتظاری، ۱۳۹۹: ص ۳۲۷). در حقیقت، توسعه دانش‌بنیان فرآیندی با تحول همه‌جانبه در ارزش‌های اجتماعی است.

۱-۳-۱. عناصر زیست‌بوم توسعه دانش‌بنیان

سه عنصر اصلی زیست‌بوم مناسب توسعه پایدار، عبارتند از: آزادی، عقلانیت و عدالت (همان، ص ۱۰۱). زیست‌بوم دانش‌بنیان محیط انسانی محافظت شده از منظر زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که به خوبی اداره می‌شود (Tan Yigitcanlar: p.11). بر این پایه، هدف الگوی توسعه جدید در عصر اقتصاد دانش، رونق اقتصادی، پایداری محیط زیست، نظم اجتماعی، فضایی عادلانه و حکمرانی مناسب برای شهرها است. ناگفته نماند در این الگو از زیست‌بوم دانش‌بنیان، معیار عناصر مزبور و حکمرانی خوب، بر اساس ارزش‌های سکولار سنجیده شده است. این الگو تلاش دارد شهری را تولید کند که هدف آن، تشویق به تولید و گردش دانش باشد. بر این اساس، یکی از شاخص‌ها و پیشران‌های شهرهای دانش‌بنیان، آموزش پویا و همگانی مردم شهر، از طریق ارتباط دانشگاه با مردم است (نبی‌پور، ۱۳۹۲: ص ۳۷).

شایان ذکر است قلمرو و افق و ابعاد شهر دانش هنوز به طور کامل روشن نیست؛ با وجود این، در حال حاضر می‌توان شهری را تصور کرد که از رهگذر تولید مدام دانش و نیز اشتراک‌گذاری،

ارزیابی، بازنگری و بروزرسانی دانش و به‌کارگیری آن به دنبال توسعه دانش محور است (همان: ص ۱۰).

۱-۴. اقتصاد دانش بنیان

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، محور توسعه دانش بنیان و مرحله آغازین آن «توسعه اقتصادی» است؛ چرا که هدف از توسعه در نظریه‌های توسعه، مقوله رفاه و مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن رفاه، ثروت است و بدین رو، توسعه اقتصادی عنصر محوری توسعه قلمداد می‌شود و توسعه در ابعاد دیگر آن (توسعه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) همگی در ذیل توسعه اقتصادی تعریف و سنجیده می‌شوند. بدین‌سان شناخت اقتصاد دانش بنیان، به‌عنوان محور اصلی توسعه دانش بنیان می‌تواند دریچه مناسبی برای شناخت این توسعه باشد.

«سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» (OECD 1996) در تعریف و توصیف اقتصاد دانش بنیان، بر نقش تولید، توزیع، نشر، استفاده از دانش در فعالیت و رشد و توسعه اقتصادی تأکید کرده و فاز جدید توسعه اقتصادی را اقتصاد دانش بنیان نامیده است (انتظاری، ۱۳۹۹: ص ۶۲).

اگر چه توسعه اقتصادی دانش بنیان، اکوسیستمی است که موجب می‌شود جامعه صنعتی به جامعه دانش بنیان یا جامعه یادگیری تبدیل شود؛ به معنای تعطیلی صنعت نیست. توماس ال استوارت به این نکته اشاره می‌کند:

درست همان‌طور که انقلاب صنعتی باعث پایان دادن به کشاورزی نشد؛ چرا که مردم به خوردن مجبور بودند؛ بعید است که انقلاب دانش باعث پایان دادن به صنعت باشد؛ زیرا مردم هنوز به محصولات فیزیکی احتیاج دارند (Stewart, 1997: p.2).

اقتصاد دانش بنیان، پدیده‌ای نو ظهور است و آنچه با ذهن‌ها مأنوس است و ما با آن آشنا هستیم؛ اقتصاد صنعتی است. بدین‌رو، در ادامه به منظور ابهام زدایی از واژه «اقتصاد دانش بنیان» و فهم بهتر آن، به اختصار برخی از وجوه تمایز این سنخ از اقتصاد با اقتصاد صنعتی تبیین می‌شود.



۱-۴-۱. تمایز اقتصاد صنعتی با اقتصاد دانش بنیان

یکی از تمایزات اصلی اقتصاد صنعتی با اقتصاد دانش بنیان در نوع محصولات و کالاهای تولیدی است. در اقتصاد صنعتی، محصولات فیزیکی هستند؛ ولی محصولات اقتصاد دانش بنیان، از نوع دانش است. در واقع در اقتصاد دانش بنیان، محصولات فیزیکی جای خود را به محصولات غیر فیزیکی می دهند؛ محصولاتی که افراد را توانمند می کند و پشتوانه دانشی مهارت های آن ها را افزایش می دهد.

معادلات در اقتصاد دانش بنیان متفاوت است؛ زیرا نوع محصول، ویژگی ها و تولید آن تغییر می کند. در تولید صنعتی برای تولید هر نمونه از محصول، به صرف مواد اولیه نیازمند هستیم و توزیع آن، محدودیت زمانی و مکانی دارد؛ ولی در تولیدات و محصولات دانشی، می توان بدون صرف مواد جدید و محدودیت زمانی، هزاران محصول داشت و آن ها را در مدت زمان کوتاهی به دست مصرف کنندگان رساند. به عنوان مثال، اپلیکیشن که یک محصول دانشی است، پس از تولید اولیه و صرف انرژی، نخست، برای تکثیر و توزیع آن محدودیتی وجود ندارد و می توان بدون مواد اولیه و صرف هزینه و در زمان کوتاهی، آن را در سرتاسر جهان به دست میلیون ها مصرف کننده رساند. بر همین اساس، سرعت تغییر در اقتصاد دانش بنیان شتاب ویژه ای به خود گرفته است.

در اقتصاد دانش بنیان، فعالیت های فیزیکی توسط ماشین ها و به صورت خودکار انجام می شوند و فعالیت های فکری و خلاقانه تولید، توزیع، تبدیل، ترویج و بهره برداری از دانش را انسان ها انجام می دهند.

در مورد عوامل و منابع تولید نیز تفاوت های معناداری وجود دارد. در گذشته، سرمایه و نیروی کار به عنوان عوامل تولید شناخته می شدند؛ ولی در توسعه دانش بنیان، دانش و اطلاعات، جایگزین دارایی های فیزیکی مولد ثروت شده اند. همچنین اقتصاد صنعتی بر منابع فیزیکی و طبیعت؛ ولی اقتصاد دانش بنیان بر دانش مبتنی است.

۲. توسعه در عصر ظهور

واژه «ظهور» از اصطلاحات بسیار رایج در فرهنگ مهدویت است. این واژه در لغت به معنای



آشکار شدن چیز پنهان است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۳۷)؛ و در اصطلاح نیز به معنای نمایان شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از غیبت کبرا (دوران پنهان زیستی طولانی) برای برپایی عدل و داد جهانی تعریف شده است. بر پایه این معنا، هرگاه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حجاب غیبت را کنار زند و خود را برای مردم نمایان کند و بشناساند؛ ظهور اتفاق افتاده است (ر.ک: صدر، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۹۵ و سلیمیان، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۱۵۵).

بر پایه مطالب یاد شده، مراد ما از عصر ظهور، دورانی طلایی از عمر این دنیا است که در آن دوران، بر پایه آموزه‌های سعادت آفرین دین مبین اسلام، وعده حتمی الهی، مبنی بر تحقق جامعه آرمانی در سایه ظهور منجی از خاندان اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم محقق می‌شود. جامعه‌ای متعالی و توحید محور که تعالیم نورانی اسلام در آن، به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عمل عینیت کامل می‌یابد و نیازهای آدمی در ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پاسخ داده می‌شود.

در این جامعه با آغاز قیام جهانی از سوی یگانه مصلح موعود، مبارزه و مقابله با کفر، الحاد، بی‌عدالتی و نظام‌های فاسد و ستم پیشه؛ در رأس تمام فعالیت‌های اصلاح‌گرایانه قرار می‌گیرد و در سایه آن، زمینه استقرار حکومت جهانی حق فراهم گشته و مسیر توسعه و پیشرفت و رشد و بالندگی جوامع بشری که همگی در جهت تحقق جامعه آرمانی و زیست سعادت‌مندانه سامان می‌یابد؛ به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن فراهم می‌شود.

در این جامعه متعالی، که بشر سال‌ها در آرزوی تحقق آن بوده است؛ ضمن دریافت شناختی صحیح و جامع از نیازهای اصیل انسان - به مثابه نخستین گام در مسیر توسعه و تحقق جامعه آرمانی - به تمام این نیازها توجه ویژه می‌شود و از این رهگذر، زمینه رشد و بالندگی و شکوفایی استعداد‌های انسان فراهم می‌گردد. این اهتمام از این‌رو است که انسان به دلیل برخورداری از ابعاد وجودی مختلف، متناسب با آن ابعاد، نیازهای گوناگون و درهم تنیده و شبکه‌واری را با خود دارد. در این میان، نگاه تک بعدی و محدود به نیازهای مادی سبب می‌شود، توسعه در گستره‌ای محدود طراحی و برنامه‌ریزی و در قالب الگویی ناقص ارائه شود؛ که این امر، در نهایت به ایجاد مانعیت در مسیر دستیابی به جامعه مطلوب و آرمانی منجر خواهد شد.



۲-۱. وجوه تمایز توسعه عصر ظهور از توسعه دانش بنیان

توسعه در عصر ظهور، به رغم شباهت ظاهری با توسعه دانش بنیان در زمینه بهره‌مندی از پتانسیل علم و دانش، به دلیل مبتنی بودن بر اندیشه توحیدی و بهره‌گیری از توانمندی و ظرفیت بی‌بدلیل امام معصوم علیه السلام بر ویژگی‌هایی استوار است که موجب تمایز آن از توسعه دانش بنیان شده است. در ادامه، این ویژگی‌ها، در قالب وجوه تمایز توسعه عصر ظهور از توسعه دانش بنیان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند:

۲-۱-۱. مبتنی بودن توسعه عصر ظهور بر منطق جامع معرفت و بهره‌گیری آن از تمام

ظرفیت‌های منابع معرفتی

در موضوع نیازها، نکته شایان توجه آن‌که شناخت نیازها و پاسخ به آن‌ها، همگی در سایه علم و دانش معنا پیدا می‌کند و بدون چراغ علم و دانش، نه نیازها به طور صحیح شناخته می‌شوند و نه پاسخ مناسبی برای آن‌ها به دست می‌آید. بدین‌رو، بر پایه روایات، توسعه عصر ظهور، دانش محور بوده و در این زمینه به علم و دانش در تمام رشته‌ها و مصادیق آن توجه ویژه می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور، از حقایق پنهان مادی و معنوی عالم پرده برمی‌دارد و از این رهگذر، تمامی پرسش‌ها، شبهات و جهل و ناآگاهی بشر در زمینه‌های گوناگون برطرف خواهد شد. بر پایه روایات معصومان علیهم السلام، شیوه حکومتی آن حضرت با شیوه حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۱۲۲) و امام علی علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۴۴۴)؛ مشابه است و به دلیل این همسانی، می‌توان به این نتیجه رسید که علم و دانش در دوران حکومت مهدوی، به سان حکومت نبوی و علوی^۱ از جایگاه ویژه برخوردار است. بدین‌رو است که بر پایه

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همان آغاز تأسیس جامعه اسلامی از هر فرصتی برای ارتقای دانش جامعه استفاده می‌کردند. ایشان در جنگ بدر، به اسیرانی که نمی‌توانستند حداقل فدیة را پرداخت کنند. فرمودند: «هرکدام از شما که به ده نفر از فرزندان انصار، خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد می‌گردد» (آیتی، ۱۳۹۱: ص ۲۸۲). اسلام بالاترین جایگاه و ارزش را برای علم قائل است. آن حضرت به دلیل اهمیت فراگیری علم و دانش، علم آموزی را بر همه مسلمانان واجب دانسته‌اند: «ظَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۰ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ص ۶۸).

روایات معصومان علیهم السلام، دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، دوران شکوفایی علم و دانش است؛ به گونه‌ای که قله‌های علم و دانش در آن دوران در پرتو راهنمایی حضرت شکوفا می‌شوند. در پی گسترش شناخت و کشف اسرار جهان هستی، پایه‌های خدانشناسی و حق‌باوری در جامعه استوار و جامعه‌ای پیشرفته و سامان‌یافته تشکیل خواهد شد. دانش در عصر ظهور، پایه و بنیان تحولات و تحقق جامعه آرمانی است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام به جهش شگفت‌آور علم اشاره و رشد علم در مقایسه با دوران قبل از ظهور، بیش از دوازده برابر بیان شده است. آن حضرت می‌فرماید:

علم و دانش ۲۷ شعبه است و هر آنچه پیامبران آورده‌اند، جز دو شعبه از آن نیست؛ و مردم نیز تاکنون بیش از آن را نشناخته‌اند. هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را استخراج می‌کند و در میان مردم گسترش می‌دهد و آن دو حرف را نیز به آن ضمیمه می‌کند و در مجموع ۲۷ حرف را منتشر می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۳۶).

در جامعه آرمانی عصر ظهور، به هدف تحقق توسعه و پیشرفت همه جانبه، رشد و بالندگی علمی برای عموم افراد جامعه در نظر گرفته می‌شود و بدین‌سان، آموزش همگانی در همه زمینه‌ها در عالی‌ترین سطح آن در دستور کار دولت جهانی قرار می‌گیرد و همگان از فرصت علم آموزی فراگیر بهره‌مند می‌گردند (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۳۳۷).

در موضوع توسعه عصر ظهور، پرسش اساسی این است که منظور از دانشی که در توسعه عصر ظهور مورد اتکاست چیست. پاسخ این پرسش و حقیقت این امر با توجه به مبنای معرفت‌شناختی حاکم بر نظام اعتقادی و فکری و عملی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آشکار می‌گردد. شاید گمان شود علم، به علوم عقلی و نقلی و دینی منحصر است؛ در حالی که حقیقت این گونه نبوده و در آن عصر در سایه حکمت و علم امام علیه السلام دانشی که برای جوامع بشری مفید باشد، در همه زمینه‌ها رشد و تعالی خواهد یافت؛ و این، بدین‌رو است که از منظر دین مبین اسلام (به عنوان نسخه تکامل یافته تمام ادیان آسمانی) توصیه به تلاش برای فراگیری علم و دانش در



اسلام عمومیت داشته و به علوم دینی^۱ محدود نیست، بلکه علوم مادی و طبیعی را نیز شامل می‌شود. بر اساس حدیثی پیامبر خدا ﷺ: «علم را بجویید؛ اگر چه در چین باشد» (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ص ۱۳ و ری شهری، ۱۳۸۶: ص ۲۶).

در فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، کشور چین، سمبلی برای اشاره به دور دست‌ترین مناطق است و در واقع، آن حضرت بدون تعیین هیچ‌گونه محدودیت و حد و مرزی، در صدد ترغیب مسلمانان به فراگیری علم و دانش بوده است؛ اگر چه این امر مستلزم طی مسافت فراوان و تحمل دشواری و سختی‌های فراوان باشد. همچنین این حقیقت را می‌توان برداشت کرد که علم مورد نظر آن حضرت، فقط علوم دینی نبوده است؛ چرا که حقیقت علم دین، نزد خود ایشان بوده و توصیه به علم‌آموزی در چین، اشاره است به تعلّم علوم طبیعی که در آن دیار رشد داشته، است.

گفتنی است میزان اثرگذاری توسعه عصر ظهور بر شکوفایی و رشد و بالندگی علوم تجربی و فناوری در عرصه‌های گوناگون آن؛ به اندازه‌ای چشم‌گیر است که گویی بشر طی هزاران سال قبل از آن، تنها کودکی خام و خفته در گهواره بوده و اینک آن طفل، با کمک حکومت مهدوی به دریایی از علم و نبوغ و فناوری دست یافته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمینه گسترش علم و دانش در جامعه عصر ظهور فرموده‌اند: «خدای عزوجل به وسیله او [قائم] زمین را پس از تاریکی آن، از نور آکنده می‌کند و پس از ستم، آن را از داد پر و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالمال می‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۴۸۷).

همچنین امام صادق علیه السلام درباره ابزارهای ارتباطی پیشرفته آن دوران فرموده‌اند:

هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند، که میان آنان و قائم، نامه‌رسان نخواهد بود. با آن‌ها سخن می‌گوید [و آن‌ها] سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است و آن‌ها در نقاط دیگرند (مجلسی، ۱۴۰۳: ص ۳۹۱).

در روایتی از امام باقر علیه السلام از وسایل نقلیه پیشرفته در دوران ظهور سخن به میان آمده است:

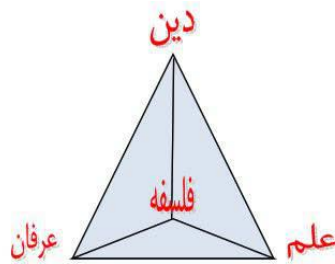
۱. مقصود ما از علوم دینی، علمی هستند که با هدف تبیین و تفسیر کتاب و سنت و یا معارفی هستند که از تفسیر و تبیین قرآن و سنت به دست می‌آیند.

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر ابرها سوار می‌شود و از وسایلی نظیر وسایل آسمان‌های هفتگانه استفاده می‌کند» (همان، ص ۳۲۱). در حدیث قدسی نیز چنین آمده است: «بادها را مسخر او و ابرهای تندراگین سخت را برای او رام خواهیم کرد. او را از طریق اسبابی به سفر کردن به آسمان‌ها موفق خواهیم داشت» (صدوق، ۱۳۹۵: ص ۲۵۶).

موارد یاد شده مطالبی است از سوی پیشوایان معصوم که به شایستگی به میزان رشد و بالندگی علم و دانش و فناوری‌های گوناگون در دوران طلایی عصر ظهور اشاره دارد. با توجه به گستره دانش در عصر ظهور، می‌توان بدین نتیجه رسید که رشد و گسترش دانش در توسعه عصر ظهور، بر مبنای «منطق جامع معرفت» استوار است. منظور از منطق جامع معرفت استفاده از تمام ظرفیت‌های معرفتی، اعم از علوم تجربی، فلسفه، عرفان و دین است. در پرتو علم تجربی می‌توان به شناخت عالم ماده و با مدد فلسفه نیز می‌توان به شناخت ذهنی عالم غیرمادی دست یافت. همچنین در پرتو عرفان می‌توان افزون بر مشاهده باطن عالم ماده، آنچه را فلسفه یا دین معرفی می‌کند، با چشم دل مشاهده کرد. در نهایت در سایه چراغ پرفروغ دین الهی نیز تمام حقایق عالم، بی‌کم‌وکاست و به صورت معصومانه از منبع اصلی علم و دانش و معرفت، که خداوند متعال و علیم علی الاطلاق است؛ دریافت می‌شود.

هر چند علم و فلسفه و عرفان در صدد شناخت هستند؛ از آن جا که همگی محصول تلاش معرفتی و شناخت انسان غیر معصوم‌اند؛ شناختی نیازمند تکامل هستند. بدین‌رو، این علوم همواره در معرض نقص و خطا هستند و این، در حالی است که شناخت دینی، هنگامی که بدون واسطه انسان خطاپذیر و توسط امام معصوم که به منبع زلال وحی متصل است، به دست آید؛ هم کامل است و هم مصون از خطا. به همین دلیل است که در عصر ظهور، با اشراف و مدیریت امام معصوم علیه السلام، دین در رأس هرم منابع معرفتی قرار می‌گیرد و علم، فلسفه و عرفان نیز زیر مجموعه دین ناب الهی به اوج رشد و بالندگی خود خواهند رسید.





این هرم معرفتی که بر پایه روایات می‌توان از آن به «حکمت» یاد کرد^۱، به صورت منظومه‌ای منسجم و پیوسته در عصر ظهور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از این رهگذر موجبات رشد و پیشرفت جوامع بشری را در کامل‌ترین و بهترین وجه ممکن فراهم می‌کند.

بر پایه مطالب یاد شده، منطق جامع معرفت سازکار عملیاتی و برنامه اجرایی توسعه و رشد دانش در مسیر حکمت و در نهایت زیست سعادت‌مندان بشر است. اجرای جامع و کامل این برنامه و پارادایم در عصر ظهور و در سایه حاکمیت امام معصوم به انجام خواهد رسید. در آن دوران، امام علیه السلام به دلیل اتصال به منبع همیشه جوشان وحی الهی از اشراف تام و جامع در زمینه مدیریت علوم برخوردار است و بدین رو است که ایشان تبلور جامعی از معارف الهی است و با تکیه بر این معرفت جامع، قادر خواهد بود به صورت کامل و جامع، این سازکار را مدیریت و اجرا کند و از این رهگذر رشد و پیشرفت را که می‌توان آن را «حکمت بنیان» نامید، در عصر ظهور محقق کند.

بهره‌مندی توسعه عصر ظهور از تمام ظرفیت‌های منابع معرفتی؛ اعم از وحی، عقل، عرفان و تجربه، در حالی است که توسعه دانش بنیان متأثر از فلسفه ماتریالیستی و حاکمیت روح مادی‌گرایانه بر آن، درست در مقابل توسعه عصر ظهور قرار گرفته است و به دلیل انحصار قلمرو دانش در آن بر علم تجربی، از ظرفیت‌های یاد شده استفاده نکرده و در توسعه و پیشرفت از سایر منابع معرفتی بی‌بهره است. در جهان مدرنی که محصول توسعه دانش بنیان است، به جای این که هدف و انگیزه دانش، تفکر در طبیعت به عنوان مخلوقات الهی باشد، رسیدن به

۱. برای نمونه امام باقر علیه السلام در این زمینه فرموده است: «در زمان مهدی علیه السلام حکمت و دانش [به مردم] ارزانی می‌شود، تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکم می‌کنند» (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۳۳۷).

قدرت و رفاه مادی بشر است.

۲-۱-۲. جامعیت توسعه عصر ظهور در توجه و پاسخ به نیازهای اصیل انسان

از زمره حقایق انکار ناپذیر در انسان، «نیازهای» اوست. نیاز از ساختار وجودی انسان نشأت می‌گیرد و در واقع آفرینش او بر نیاز بنیان نهاده شده است. بر اساس مکتب سعادت آفرین اسلام، انسان از آن رو که موجودی فناپذیر و به زمان و مکان وابسته است؛ سراسر وجودش نیاز است و تنها خدا بی‌نیاز است (فاطر: ۱۵). انسان پیش از تولد نیازمند محیطی است با وضعیتی خاص و پس از آن نیز با پا نهادن به جهان هستی همواره نیازها در وجودش موج می‌زند و این نیازها از شکلی به شکل دیگر تغییر می‌یابند. بدین رو، سراسر وجود و زندگی آدمی تحت تأثیر این حقیقت قرار گرفته است (شجاعی، ۱۳۸۶: ص ۸۸). این امر به وضوح گویای نقص و فقر اوست که در این میان بی‌تردید پاسخ مناسب به نیازهای انسان ضمن این که کمک شایانی در رفع نقایص او می‌کنند، می‌توانند موجبات استمرار زندگی همراه رشد و کمال بشر را در هر زمینه فراهم کنند. نیاز عامل انگیزشی بسیار نیرومندی است که با هدایتگری انسان به سوی راه کمال و جهت دهی به رفتار او، موجبات تعادل روحی و آرامش آدمی را فراهم می‌کند.

از آن جا که موضوع علم روانشناسی، «رفتار انسان» و نیاز مهم‌ترین انگیزه رفتار انسان است؛ موضوع نیازهای انسان مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است و ایشان بر اساس مبانی انسان‌شناختی خود به مطالعه و تبیین نیازها و تهیه فهرست نیازها پرداخته‌اند. در این میان، فروید نخستین فردی است که در روانشناسی به موضوع نیازها پرداخت. او به جای اعتقاد به وجود نیازها در انسان، به وجود غریزه در انسان اعتقاد داشت. بدین رو، با نگاه جبرگرایانه، انسان را موجودی انباشته از غرایز و نیازهای زیستی می‌دانست (همان، ص ۹۰).

پس از فروید، موری در این زمینه تحقیقاتی را انجام داد و نخستین تلاش برای رسمی کردن نظریه نسبتاً جامعی از سوی او به عمل آمد. این روانشناس معروف، با توجه به مبانی ماتریالیستی، نیاز را نیرویی زیستی - شیمیایی در مغز تعریف می‌کند که توانایی عقلانی - ادراکی را سازماندهی می‌کند. او بر این باور است که نیازها می‌توانند ترکیب شوند و یگدیگر را تقویت کنند و یا شکلی جدید از یک نیاز را به وجود آورند و یا با هم متعارض شوند.



موری و همکارانش فهرست جامعی از نیازهای انسان را تهیه و آن‌ها را در دو دسته کلی «نیازهای اولیه» و «نیازهای ثانویه» تقسیم کردند. نیازهای اولیه، به نیازهای فیزیولوژیک انسان ناظر هستند و نیازهای ثانویه جنبه روانشناختی دارند. گرچه نیازهای اولیه بسیار مهم هستند؛ نیازهای ثانویه، توجه موری را بیش‌تر به خود جلب کرد (همان).

نظریه دیگر، نظریه آبراهام مازلو (۱۹۷۰-۱۹۸۷) است. این روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی، نخستین بار در سال ۱۹۴۵ کتاب «انگیزش و شخصیت» را درباره نظریه سلسله مراتب نیازها منتشر کرد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۱۵۰).

در اندیشه آبراهام مازلو، نیازهای انسان در ۵ طبقه قرار می‌گیرند و موارد ذیل را شامل می‌شوند: نیازهای فیزیولوژیک (نظیر نیاز به هوا، غذا، نوشیدنی، سرپناه، لباس، گرما، رابطه جنسی و خواب)؛ نیازهای امنیتی و ایمنی (نظیر امنیت عاطفی، امنیت مالی، قانون و نظم، رهایی از ترس، ثبات اجتماعی، سلامتی و رفاه، ایمنی در برابر حوادث و آسیب‌ها)؛ نیازهای عشق و محبت (نظیر دوستی‌ها، دلبستگی‌های عاشقانه، خانواده، گروه‌های اجتماعی، اماکن، سازمان‌ها و گروه‌های مذهبی، تیم‌های ورزشی و سایر فعالیت‌های گروهی)؛ نیاز به قدردانی و احترام (نیازهای این سطح به عزت نفس مربوط است و افزون بر نیاز به احساس موفقیت و اعتبار؛ مواردی مانند اعتماد به نفس و ارزش شخصی را شامل می‌شود)؛ نیاز به خودشکوفایی (این سطح از نیاز به تحقق توانایی‌های بالقوه، خودشکوفایی فرد، رشد شخصی و اوج تجارب او اشاره دارد) (همان).

به گفته مازلو، در سلسله مراتب نیازهای یاد شده، آن دسته از نیازهایی که در سطوح پایین‌تر قرار دارند، نسبت به نیازهایی که در سطوح بالاتری قرار دارند؛ از قوت بیش‌تری برخوردار هستند (مازلو، ۱۳۷۲: ص ۱۵۰).

از نکات بایسته توجه در زمینه نیازهای انسان شناخت نیازهای اصیل و متعالی انسان و ارضای صحیح و پاسخ منطقی به آن‌ها است و در این زمینه توسعه عصر ظهور به دلیل توجه تام و کامل به تمام نیازهای اصیل انسان و برخورداری از توان کافی در پاسخ‌گویی مناسب و منطقی به آن‌ها؛ از توسعه دانش بنیان که از این ویژگی محروم و بی‌نصیب مانده است؛ متمایز می‌شود. در ادامه در جهت اثبات این مطلب، ضمن طبقه‌بندی نیازهای اصیل انسان، چگونگی پاسخ به

آن‌ها در عصر ظهور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲. طبقه بندی نیازهای انسان

به دلیل گستردگی و تنوع نیازهای انسان، می‌توان آن‌ها را در قالب‌ها و اشکال مختلف دسته بندی و ارائه کرد:

الف) نیازهای صادق و کاذب

«نیازهای صادق»، آن دسته از نیازهایی هستند که از واقعیت عینی نشأت می‌گیرند و تأمین آن‌ها در شکوفا شدن استعدادهای بالقوه آدمی؛ که از اهداف مهم زندگی تلقی می‌شوند؛ نقش اساسی ایفا می‌کنند. در این دسته از نیازها، استعداد لقای پروردگار، از والاترین استعدادهای نهفته در وجود آدمی است (قصص: ۷۷)؛ که شکوفایی و به فعلیت رسیدن آن، به شایستگی می‌تواند موجبات سعادت ابدی انسان را فراهم کند. «نیازهای کاذب» نیز از منظر قرآن کریم (مؤمنون: ۷۱)؛ همان هوس‌های باطلی هستند که ارضای آن‌ها هیچ‌گونه نقشی در شکوفا کردن استعدادهای اصیل انسان ندارد و جز تباهی و فساد زمین و آسمان و موجودات آن، پیامدی نخواهد داشت (امامی، ۱۳۹۷: ص ۸).

در عصر ظهور در مسیر تحقق توسعه و پیشرفت جوامع بشری، نیازهای صادق از نیازهای کاذب کاملاً متمایز هستند و دولت مهدوی با تلاش وصف ناپذیر در پاسخ به نیازهای صادق و جلوگیری از شعله‌وری نیازهای کاذب در وجود انسان، گام‌های اساسی بر می‌دارد. از استوارترین گام‌ها و کامل‌ترین کارویژه‌های این دولت جهانی، تعالی بخشیدن به جوامع بشری به لحاظ دینی، فرهنگی، اخلاقی و عقلانی است.

در آن دوران، در حوزه باورها، خداباوری و توحید محوری بندگان تقویت می‌شود و بندگان در مسیر صحیح بندگی خدا قرار می‌گیرند و به عبادت خالصانه روی می‌آورند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۹ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۱). در حوزه اخلاق، به طور ویژه با هواپرستی (سیدرضی، ۱۴۱۴: خ ۱۳۸) و زشتی‌ها و ناراستی‌های اخلاقی مبارزه می‌شود و رشد و بالندگی اخلاقی به اوج خود می‌رسد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۳۷ و نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۵). در سایه تلاشی که از سوی دولت جهانی در حوزه‌های یاد شده صورت خواهد گرفت؛ فضیلت‌ها، خیرات و معنویت و



عقلانیت، بر جهان هستی حاکم می‌شود و آتش ویرانگر نیازهای کاذب در وجود آدمی به افول و خاموشی می‌گراید.

توجه ویژه توسعه عصر ظهور، پاسخ همه جانبه به نیازهای واقعی انسان است؛ در حالی که محوری‌ترین عنصر و رکن اساسی توسعه دانش بنیان، توسعه اقتصادی، رفاه مادی و تولید ثروت است و تلاش علمی و ارتقای دانش در این توسعه، همگی در جهت دستیابی به اهداف مادی سامان می‌یابد. بدین‌سان در این سنخ از توسعه به طور جامع به نیازهای واقعی التفاتی نمی‌شود.

از این رو شعار «علم برای علم»، که تلویحا توسعه دانش بنیان به آن اشاره می‌کند، افسانه‌ای بیش نیست؛ و تنها حربه‌ای برای خالی کردن علم از ارزش‌های انسانی و جایگزین کردن ارزش‌های نفسانی و اعتبار بخشیدن به آن تلقی می‌شود؛ و گرنه هیچ فعالیت علمی در خلأ و بدون قضاوت ارزشی شکل نمی‌گیرد. القای این شعار باعث می‌شود دانشمندان نسبت به نتایج کار علمی‌شان، به ملاحظات اخلاقی توجه نکنند که این اختراع و اکتشاف در خدمت چه کاری و چه کسانی قرار می‌گیرد و به این نکته توجه نکنند که آیا نیاز واقعی انسان‌ها را برآورده می‌کند یا قدرت ظالمان و سلطه‌جویان و مستکبران را افزایش می‌دهد.

از نکات بایسته توجه در توسعه غربی و از جمله توسعه دانش بنیان، نخست، آن‌که در این سنخ از توسعه، نظریات مطرح شده همگی بر نیازهای مادی و حیوانی متکی و متمرکز هستند؛ دوم آن‌که در این مدل از توسعه، انسان‌های ابتدایی و رشد نیافته بیش‌تر درگیر نیازهای مادی و حیوانی هستند؛ سوم آن‌که نظام‌های مرتبط با آن، از نظام سلطه و سرمایه‌سالاری متأثر هستند؛ و در نهایت نکته چهارم آن‌که در توسعه غربی، تبلیغات سرمایه‌داری مبتنی بر نیازهای مادی است و حتی بر این نوع نیازها دامن می‌زند و تلاش می‌کند نسبت به این نوع نیازها عطش ایجاد کند؛ بر این پایه انسان مدرن رشد یافته در توسعه غربی، برای پاسخ به نیازهای مشروع و طبیعی مادی و حیوانی خود اسیر و گرفتار نیازهای کاذب مادی و حیوانی شده است.

فریمن دایسون، از فیزیک‌دانان برجسته معاصر، با اشاره به ناتوانی علم جدید از رفع نیازهای واقعی مردم و جهت‌گیری به سمت ارضای نیازهای کاذب و امیال ثروتمندان و قدرتمندان، به حقیقتی مهم در این زمینه اشاره می‌کند. او می‌گوید: «ناتوانی علم در تولید فایده برای فقرا در

دهه‌های اخیر معلول دو عامل است: دانشمندان علوم محض نسبت به نیازهای روزمره انسان‌ها بی‌توجه بوده‌اند و دانشمندان علوم کاربردی بیش‌تر به سودآوری فوری دلبستگی داشتند» (Dyson, 1997: p.12).

کم و کیف بازار خوراک، پوشاک، مسکن، وسیله نقلیه و غیره در جهان مدرن و مقایسه آن با کم و کیف عقلانی و علمی نیازمندی به امور مذکور؛ گویای میزان انحراف انسان مدرن از نیازهای صادق به سمت نیازهای کاذب است. بر این پایه، نظریه توسعه غربی بر خلاف توسعه عصر ظهور که به نیازهای صادق و متعالی اصالت می‌بخشد و جامعه را از بند اسارت نیازهای کاذب رها می‌کند؛ به دلیل این‌که از پاسخ به نیازهای متعالی غفلت کرده است، عملاً به سمت نیازهای کاذب غلتیده و در دام آن گرفتار شده است.

ب) نیازهای مادی و معنوی

با توجه به دو بُعد انسان (جسم و روح)، نیازهای او نیز متناسب با این دو بعد در دو بخش نیازهای مادی و معنوی قابل بررسی است. نیازهای مادی با بعد جسمانی مرتبط است و نیازهای معنوی نیز به بعد روحانی انسان ناظر است (امامی، ۱۳۹۷: ص ۹).

از نکات بایسته توجه آن‌که در عصر ظهور در جهت تحقق توسعه و پیشرفت جامعه، نیازهای مادی و معنوی، به طور ویژه در کانون توجه دولت کریمه مهدوی قرار می‌گیرد و پاسخ به آن‌ها از کارویژه‌های اصلی آن دولت کریمه است. نکته اساسی در بعد نیازهای مادی انسان در عصر ظهور، آن است که اگر چه دولت کریمه بر توحید و اخلاق بنیان نهاده می‌شود؛ این هرگز به معنای نادیده انگاری نیازهای مادی و ظاهری انسان نمی‌شود و به این سنخ از نیازها به طور ویژه توجه می‌شود. در سایه حکومت آن حضرت، توسعه و رفاه اقتصادی بی نظیر و پرشکوهی برای جوامع بشری به ارمغان خواهد آمد. در آن دوران، اقتصاد جامعه شکوفا می‌گردد؛ فقر و تنگدستی رخت بر می‌بندد و تجارت و بازرگانی رونق فراوانی می‌یابد.

دولت کریمه مهدوی به بعد نیازهای معنوی انسان نیز اهتمام ویژه نشان خواهد داد و عملکردی بی نظیر در این زمینه خواهد داشت. مهم‌ترین نیازهای معنوی مورد توجه این دولت جهانی، عبارتند از: نیاز به یکتا پرستی و دین و مذهب، نیاز به فضایل اخلاقی، نیاز به رشد و



بالندگی فکری و عقلی است که همگی از دسته نیازهای صادق انسان تلقی می‌شوند و بر پایه آنچه پیش‌تر در بحث نیازهای صادق بدان اشاره شد؛ طرح و برنامه‌های توسعه همگی در جهت پاسخ مناسب و منطقی به آن‌ها سامان می‌یابد.

جامعیت توسعه عصر ظهور در پاسخ به نیازهای مادی و معنوی انسان، در حالی است که توسعه دانش بنیان که آخرین و کامل‌ترین نظریه توسعه غربی است، به دلیل نگاه ناقص به شبکه نیازهای انسان از این جامعیت برخوردار نیست و نظریه پردازان توسعه دانش بنیان در تلاش‌های علمی و ارائه نظریات خود در زمینه توسعه، نگاه تک بعدی دارند و تنها به نیازهای مادی اهتمام نشان داده و نیازهای متعالی انسان را نادیده گرفته‌اند. این امر را می‌توان مشکل کلیدی و اصلی این نظریه به شمار آورد.

اهمیت مطلب یاد شده از این‌رو است که غفلت از نیازهای متعالی، ناخود آگاه آدمی را در دام فلسفه دنیاپرستی گرفتار می‌کند. اگر انسان در گزینش فلسفه زندگی، راه سالم و درستی را برای خویش برنگزیند، به دلیل لذت ظاهری و فریبنده‌ای که در پاسخ به نیازهای مادی و حیوانی نهفته است، ناخود آگاه به فلسفه لذت پرستی مادی یا همان خودپرستی کاذب و دنیاپرستی گرفتار می‌شود؛ همان‌طور که انسان و جامعه مدرن این‌گونه شده است. اینان در واقع مصداق این آیه شریفه هستند: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آن‌که از آخرت غافل‌اند» (روم: ۷).

پیتر مداوار، برنده جایزه صلح نوبل پزشکی به شایستگی به ناتوانی علم در پاسخ‌گویی به نیازهای متعالی اشاره می‌کند:

علم رایج که برخاسته از جهان بینی سکولار است نیازهای متعالی و نیازهای اخلاقی انسان را بی‌پاسخ گذاشته و همه تلاش خود را صرف نیازهای مادی کرده است. گویی این پیام را به ما می‌دهد که نیازهای دیگر، واقعی نیستند و آنچه حقیقت است همین نیازهای مادی است. با این ادعا که علم پاسخ‌گوی شماسست انسان‌ها را تحت تأثیر جذابیت‌های فناوری و رفاه مادی قرار داده و بر سایر ابعاد وجودی او سربوش می‌گذارد. توسل به سحر، جادو و عرفان و استقبال از آن‌ها در غرب، شاهدی گویا بر عدم توانایی علم در پاسخ‌گویی به نیازهای متعالی انسان است (گلشنی، ۱۳۹۷: ص ۱۸).



واقعیت آن است که تا وقتی بشر از پاسخ به نیازهای متعالی خود غافل است، از درک و دریافت توسعه حقیقی محروم خواهد بود؛ و این، بدین‌رو است که از منظر بینش اسلامی دنیا دوستی و دنیاپرستی منشأ هرگناهی و پایه همه انحرافات و مفاصد تلقی می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۱۵). بدین‌سان بشر همان‌گونه که برای حیات مادی خود به تنفس هوای پاک نیاز دارد، برای حیات متعالی خود نیز به فلسفه‌ای صحیح و به دور از نفسانیات محتاج است. به همین دلیل است که جامعه توسعه یافته عصر ظهور نسبت به نیازهای متعالی جامعه بی‌تفاوت نیست و آن جامعه آرمانی، با محوریت توحید، افزون بر رفع نیازهای مادی و تأمین رفاه، زمینه رشد و تعالی را برای همگان فراهم می‌آورد.

۳-۱-۲. توانمندی توسعه عصر ظهور در سامان بخشی به معیشت و نظام اقتصادی انسان

از اقدامات و برنامه‌های اساسی توسعه و پیشرفت در حکومت جهانی مهدوی در عصر ظهور؛ تأمین معیشت و ایجاد رفاه و سامان دهی به نظام اقتصادی جوامع بشری است. در آن عصر، به منظور تحقق عدالت اقتصادی از رهگذر کاربست راهکارهای کارآمدی نظیر رفع تبعیض و توزیع عادلانه ثروت و اموال عمومی (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۶۱ و حرعاملی، بی‌تا: ج ۳، ص ۴۹۶)؛ کمک‌رسانی مالی به قشرهای ضعیف و نیازمند جامعه (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۹)؛ پس‌گیری ثروت‌های غصب شده (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۶۱)؛ رشد فراگیر اقتصادی در تمامی بخش‌ها و زوایای زندگی بشر به صورت عینی نمود خواهد یافت و غبار فقر و نداری از چهره ضعیفان و محرومان جهان زوده می‌شود؛ به گونه‌ای که مردم بر اثر دستیابی به رفاه و آسایش مطلوب، از گنجینه کردن و انبوه‌سازی و دریافت وجوهات و کمک‌های مالی احساس بی‌نیازی می‌کنند (مفید، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۸۱).

در برابر توسعه عصر ظهور که در زمینه حل مشکلات معیشتی و سامان بخشیدن به نظام اقتصادی جوامع بشری بسیار موفق عمل خواهد کرد؛ بایسته است به توسعه دانش بنیان، به مثابه آخرین رویکرد و مترقی‌ترین نسخه توسعه در جهان غرب، توجه کرد و توانمندی و عملکرد آن را در این زمینه به دقت مورد نقد و ارزیابی قرار داد. گفتنی است این نوع از توسعه، در حقیقت استراتژی و فرایندی برای تأمین اهداف توسعه پایدار، یعنی تولید ثروت و ایجاد رفاه برای انسان،



همراه حفظ محیط زیست است و در اقتصاد مرتبط با آن نیز هدف از تولید دانش، نوآوری و تبدیل دانش به ارزش اقتصادی، ثروت و رفاه انسان است (نوبخت، ۱۳۹۵: ص ۲۵۶). بر این اساس، بایسته است که در رسیدن به این اهداف بسیار موفق ظاهر شود؛ اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهند طی دو سده گذشته که رشد علم و فناوری و تکنولوژی جهش و رشد بی‌سابقه‌ای داشته، به دلیل انحصار دانش در دست صاحبان ثروت و قدرت، در عمل اولویت این رشد به جای رفع نیازهای فقرا و یا عموم انسان‌ها، بیش‌تر برای امیال و منافع ثروتمندان بوده است و بر این اساس، اغنیا ثروتمندتر و فقرا وابسته‌تر شده‌اند.

برتراند راسل در سال ۱۹۲۳ می‌نویسد:

کتاب ددالوس آقای هالدین، تصویر زیبایی از آینده به دست داده است؛ چه آن می‌تواند از طریق استفاده از کشفیات علمی، شادی انسان را ارتقا بخشد. من اگر چه مایلیم با پیش‌بینی او موافقت کنم؛ تجارب دراز مدت از سیاستمداران و حکومت، مرا تا حدی مشکوک کرده است. من مجبورم احساس ترس کنم از این‌که علم به نحوی مورد استفاده قرار گیرد که بر قدرت گروه‌های غالب بیفزاید؛ به عوض آن‌که انسان‌ها را شاد کند (Russell, 1924: p.1). به نقل از گلشنی: (۲).

در دهه‌های اخیر نیز با وجود این‌که برنامه‌های توسعه دانش بنیان اجرا می‌شوند؛ هنوز هم توسعه در خدمت قشر محدودی از جامعه است و قشرهای ضعیف از رفاه عمومی بهره‌عادلانه‌ای نبرده‌اند. نیکولاس ماکسول، فیلسوف معاصر، حدود ۸۵ سال بعد از راسل، در سال ۲۰۰۸ میلادی می‌نویسد:

بسیاری از تحقیقات علم و فناوری صرف علایق ثروتمندان می‌شود تا رفع نیازهای فقرا. تحقیقات پزشکی بیش‌تر صرف بیماری‌های ثروتمندان می‌شود، نه بیماری فقرا. تحقیقات نظامی از همه تأسّف‌آورتر است: ۳۰٪ بودجه تحقیقاتی انگلیس و ۵۰٪ بودجه صرف تحقیقات نظامی می‌شود (Maxwell, N, 2008 : p.102).

بر پایه مطالب یاد شده، توسعه دانش بنیان، درست در مقابل توسعه عصر ظهور است؛ ضمن غفلت از این نکته اساسی که آسایش تنها مرتبه نازلی از آرامش است و رشد علم و فناوری، گرچه موجبات آسایش را فراهم ساخته است؛ هرگز نمی‌تواند شادی و آرامش کامل را به ارمغان بیاورد.



همچنین در سامان بخشیدن به نظام معیشتی و اقتصادی جوامع بشری نیز عملکرد خوبی از خود نشان نداده و در تحقق اهداف مرتبط به این حوزه ناکام بوده و در این زمینه توفیقات چندانی نداشته است، که در این میان، وضعیت عمومی رفاه مردم در جوامع مختلف که نابسامان و نامطلوب می‌نماید؛ می‌تواند گواه روشنی بر این امر باشد.

نتیجه‌گیری

نوشتار پیش‌رو کوششی است که با نگاه انتقادی، نخست به بازخوانی توسعه دانش بنیان و تبیین ابعاد آن می‌پردازد و آن‌گاه با نسبت‌سنجی آن با توسعه جامعه عصر ظهور؛ ضمن تعیین برجسته‌کردن مؤلفه‌های ضعف و کاستی‌های توسعه دانش بنیان، ضرورت توجه به توسعه جامعه عصر ظهور به مثابه نسخه‌ای بدیل و جایگزین برای توسعه دانش بنیان را نمایان می‌کند.

بر اساس یافته‌های این نگاشته، در نظریه توسعه دانش بنیان، علم و دانش به عنوان عنصر محوری این نظریه مطرح است، که این، خود، گامی مهم و رو به جلو دانسته می‌شود. افزون بر آن، تلاش برای پاسخگویی به نیازهای مادی و تا حدودی نیازهای انسانی و نیز توانایی در فراهم کردن مراتبی از آسایش انسان از جنبه‌های مثبت آن است. با وجود این، این نوع از توسعه در مقایسه با توسعه عصر ظهور، با اشکالات و کاستی‌های اساسی و جدی مواجه است که همین امر سبب تمایز آن از توسعه عصر ظهور گردیده است. نگارنده این کاستی‌ها را در قالب «وجوه تمایز توسعه عصر ظهور از توسعه دانش بنیان» مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

نخستین وجه از وجوه تمایز توسعه عصر ظهور از توسعه دانش بنیان، مبتنی بودن توسعه عصر ظهور بر منطق جامع معرفت و بهره‌مندی آن از تمام ظرفیت‌های منابع معرفتی، اعم از وحی، عقل، عرفان و تجربه است و این، در حالی است که توسعه دانش بنیان متأثر از فلسفه ماتریالیستی و حاکمیت روح مادی‌گرایانه بر آن، درست در مقابل توسعه عصر ظهور قرار گرفته است و به دلیل انحصار قلمرو دانش در آن در علم تجربی، از ظرفیت‌های یاد شده استفاده نکرده و در توسعه و پیشرفت از سایر منابع معرفتی بی‌بهره است.

از دیگر وجوه تمایز یاد شده، جامعیت توسعه عصر ظهور در توجه و پاسخ به نیازهای اصیل



انسان، اعم از نیازهای صادق و نیازهای مادی و معنوی است و در این زمینه نشان داده شده است که توسعه عصر ظهور به دلیل توجه تام و کامل به تمام نیازهای اصیل انسان و برخورداری از توان کافی در پاسخگویی مناسب، منطقی، همه‌جانبه، متوازن و به‌هنگام به آن‌ها؛ از توسعه دانش بنیان که از این ویژگی محروم و بی‌نصیب مانده است؛ متمایز می‌شود.

آخرین وجه از این وجوه تمایز نیز، توانمندی توسعه عصر ظهور در سامان بخشی به معیشت و نظام اقتصادی جوامع بشری است که بر اساس آن، غبار فقر و نداری از چهره قشرهای ضعیف و محروم جهان زدوده می‌شود و مردم به سطح بسیار مطلوبی از رفاه و آسایش دست می‌یابند؛ به‌گونه‌ای که از صمیم قلب از گنجینه کردن و دریافت هرگونه کمک مالی احساس بی‌نیازی خواهند کرد. درست در مقابل، در توسعه دانش بنیان، به دلیل انحصار دانش در دست صاحبان ثروت و قدرت، در عمل رشد و توسعه به جای رفع نیازهای فقرا و یا عموم انسان‌ها بیش‌تر در جهت امیال و منافع ثروتمندان حرکت کرده است و بر این اساس، در سامان بخشیدن به نظام معیشتی و اقتصادی جوامع بشری نیز عملکرد خوبی از خود نشان نداده و در تحقق اهداف مرتبط به این حوزه ناکام بوده و در این زمینه توفیقات چندانی نداشته است.



منابع

قرآن کریم.

۱. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۹۱). *تاریخ پیامبر اسلام ﷺ*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. امامی، مجتبی (بهمن ۱۳۹۷). «نیاز و نیازمندی از منظر روان شناسی و اسلام»، فصلنامه نامه الیهات، شماره ۴۵.
۴. انتظاری، یعقوب (۱۳۹۹). *توسعه اقتصادی دانش بنیان*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
۵. منسوب به امام صادق علیه السلام (۱۴۰۰ق). *مصباح الشریعة*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۶. جمعه پور، محمود؛ عیسی لو، شهاب الدین؛ گودرزی، وحید؛ دوستی سبزی، بهزاد (پاییز ۱۳۹۶). «*تدوین راهبردهای توسعه شهری با رویکرد توسعه دانش بیان*»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۲۰.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *امام مهدی علیه السلام موجود موعود*، قم، انتشارات اسراء.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). *اثبات الهداة*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۹. سلطانی، محمدرضا؛ ازگلی، محمد؛ احمد نیا آلاشتی، سیامک (بهار ۱۳۹۵). «*درآمدی بر نقد نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو*»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۱۷.
۱۰. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۱). *درسنامه مهدوی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام موعود فرجه الشریف.
۱۱. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، محقق: صالح صبحی، قم، هجرت.
۱۲. شجاعی، محمدصادق (پاییز و زمستان ۱۳۸۶). «*نظریه نیازهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله مراتب نیازهای مازلو*»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۱.
۱۳. صدر، محمد (۱۴۱۲ق). *تاریخ ما بعد الظهور*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت- لبنان.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. _____ (بی تا). *علل الشرایع*، قم، مکتبه الداوری.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *کتاب الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *العین*، قم، نشر هجرت.
۱۸. کارگر، رحیم (تابستان ۱۳۹۳). «*توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم انداز آن در جامعه منتظر*»، فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود، شماره ۴۵.



۱۹. _____ (۱۳۸۷). *آینده جهان*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۲۰. کریمی، جعفر و جمالی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۰). «*شاخص‌های توسعه جامعه دانش‌محور در شهر اصفهان*»، دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری تهران.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. _____ (۱۳۷۲). *ترجمه اصول کافی*، ج ۱، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، انتشارات اسوه.
۲۳. گلشنی، مهدی (۱۳۹۷). «*از دانش تا حکمت: یک نگرش اسلامی*»، مجله حکمت متعالیه، ش ۲۰.
۲۴. مازلو، آبراهام (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*، مترجم: احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، قم، انتشارات دارالحدیث.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، دار المفید.
۲۸. نبی پور، ایرج (۱۳۹۲). *راهنمایی برای سیاست‌گذاران توسعه شهری*، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۳۰. نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۵). *الگوهای توسعه*، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

منابع انگلیسی

31. Dyson, F. (1997). Can science be ethical?. *Christian Ethics Today*, 3(5), 12.
32. Feynman, R. (1998). *The meaning of it all : Thoughts of a citizen scientist*. Landon : Penguin Books.
33. Maxwell, N. (2008) Do we need a scientific revolution ? . *Jornal of Biological physics and Chimistry* , 8(3), 95-105.
34. Maxwell, N. (2012) . *The menace of science without wisdom* . *E thical Record* , 117(9), 10-15 . Medawar , P . (1984) . *The limits of science* . Oxford : Oxford University Press.
35. Russell , B .(1970). *Religion and science* . NewYork : Oxford University Press.
36. Stewart, Thomas A. (1997). *Intellectual Capital*. Bantam Doubleday Dell, New York.
37. Tan Yigitcanlar (Queensland University of Technology, Australia) Source Title: *Encyclopedia of Information Science and Technology*, Third Edition.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الانتظار الموعود مجلة فصلية علمية -
تحقيقية

انتظار الموعود

تم وحسب الرسالة المرقمة ٦٠٦٤ والصادرة بتاريخ ١٨ / ٧ / ١٣٩٥ من قبل شوراي وهيئة إصدار التراخيص العلمية التابعة للحوزة العلمية ترقية مجلة الإنتظار الموعود وجعلها في مصاف المجلات العلمية - التحقيقية

هيئة التحرير (حسب تسلسل الحروف):

بهرزوى لك، غلام رضا
(استاذ فى جامعة باقر العلوم عليه السلام)
جبارى، محمد رضا
(معيد فى مؤسسة الإمام الخميني عليه السلام التعليمية والتحقيقية)
خسروپناه، عبدالحسين
(أستاذ فى مركز الدراسات الثقافية والفكر الإسلامى)
رضانجاء، عزالدین
(استاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
رضائى الاصفهانى، محمدعلى
(أستاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
زارعى متين، حسن
(أستاذ فى جامعة طهران)
شاكى الزواردهى، روح الله
(معيد فى جامعة طهران)
صفرى الفروشانى، نعمة الله
(أستاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
كلباسى، مجتبى
(أستاذ فى الحوزة العلمية)
محمد الرضائى، محمد
(أستاذ فى جامعة طهران)

صاحب الامتياز:

مركز المهديه التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسة

المدير المسئول:

حجة الإسلام والمسلمين الشيخ محسن القرائتى

رئيس التقرير:

حجة الإسلام الدكتور روح الله الشاكى الزواردهى

المدير الداخلى و سكرتير التحرير:

محسن رحيمى الجعفرى

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

التنضيد والإخراج:

مسعود سليمانى

مصمم الغلاف:

عباس فريدى

المترجم الإنجليزى:

زينب فرجام فرد

المترجم العربى:

ضياء الزهاوى

المواقع المعتمدة فى نشر المجلة:

www.entizar.ir

موقع مجله الانتظار الموعود

www.isc.gov.ir (ISC)

موقع علوم العالم الإسلامى

www.magiran.com

بنك المعلومات للصحف والمجلات

www.noormags.com

موقع نور للمجلات التخصصية



حوزه علمیه قم
مركز تخصصى مهادونى

العنوان: قم المقدسة شارع الشهداء (صفائية) زقاق آمار، مركز المهديه
التخصصى

الهاتف: ٢٥٣٧٨٤١٦٦١ - رقم الفاكس: ٢٥٣٧٧٣٧١٦٠

موقع المجلة: www.entizar.ir

البريد الإلكتروني: Entizarmagg@gmail.com

قيمت: ١٣٠٠٠٠٠٠ ريال

شرح معنى «اجتماع العقل وكمال العقيدة الإنسانية في عصر الظهور» على أساس عقيدة ورؤية «الإنسان الكامل» في العرفان الشيعي

حسن بناهي آزاد

واحدة من الأوصاف المذكورة في الروايات الشريفة الواردة عن عصر الظهور هي «جمع العقول وكمال العقيدة والرؤية الإنسانية» وتعتبر هذه الخصلة في الفكر الشيعي هي حاصل وهبة للحضور الظاهر للإمام القائم عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ الشُّرُوفِ في اوساط وبين عباد الله تعالى. ولاشك فإن الإمام المعصوم هو الإنسان الكامل والمظهر الجلي لجميع أسماء البارئ عز وجل وصفاته، ومن هذا المنطلق فان جمع العقل وكمال الرؤية الإنسانية وحدها من تحقق الهداية التشريعية ووصول بالمعرفة الإنسانية وذلك من خلال التعلّم من النفس المتعالية للإنسان الكامل والتي هي أحد أبعاد ظهور الحق وتحقيق المجتمع التوحيدي وفقاً لظهور آخر الذخائر والودائع الإلهية والمظهر الكامل للتوحيد يعني الإمام المعصوم القائم عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ الشُّرُوفِ والمقالة الحاضرة تغور في دراسة الصفات والخصائص المذكورة بالإهتمام بعقيدة الإنسان الكامل في العرفان الشيعي بإتباع الأسلوب التشريحي - التحليلي ومستندة الى وجود الروايات الشريفة.

المصطلحات المحورية: عصر الظهور، جمع العقل وإكماله، كمال العقيدة والرؤية، الهداية، الإنسان الكامل، خاتمية الولاية.



مستقبل الدراسات المهدوية للتعليم والتربية من خلال نهج التقارب والتفاعل التكنولوجي

هدايت كاركور الشوري^١
فاطمة باك نجاد^٢

إن المسألة الأساسية التي تبحثها هذه الدراسة هي ان نظام التعليم والتربية المهدوية وعلى الرغم من وجود الدور الإستراتيجي له في عملية إنتقال الرؤية والعقيدة الوحيانية للمجتمع فإنه يقع في دائرة تأثير المكونات المختلفة والتي من جملتها نظام العلوم والتكنولوجيا ويتوقع أن تكون للحركة الجديدة للتقارب والتفاعل التكنولوجي آثار اساسية عليه ولكن لم تتضح تلك التأثيرات بالشكل المطلوب وبالتالي تأخذ أبعادها الحقيقية والأهم من ذلك وجود حالة الإبهام والغموض في مصير النظام المذكور في مواجهة التقنيات الحديثة المتقاربة وتسعى المقالة التي بين أيدينا ومن خلال الإستفادة من تكتيك واسلوب الدلني وكتابة السيناريو، تجسيد وتصور الحلول الممكنة ومعالم مستقبل هذه الحركة من أجل إيجاد الجواب لهذا السؤال، وفي خضم هذا السياق فقد بدأت في إعداد فهرس من حساب قائمة الاتجاهات الكلية للتقارب التكنولوجي وإحصاء وتحديد أولوياتها علاوة على ذلك فقد تم ومن خلال عدم وجود القاطعية واليقين الناظر الى هذه الإتجاهات وضع اربعة سيناريوهات لمعالم مستقبل النظام التعليم والتربية المهدوي (الشجرة الطيبة، ملك سليمان، الشجرة الخبيثة، إبراهيم في النار) ويمكن أن ترشد النتائج الحاصلة من هذه الدراسة المسؤولين القائمين على نظام التعليم والتربية الدينية والمهدوية في مواجهة المستقبل ومعالمه وذلك من خلال تطوير العلوم والتكنولوجيا الموجود، وخاصة التقنيات الحديثة المتقاربة.

المصطلحات المحورية: المهدوية، التعليم والتربية المهدوية، التقارب التكنولوجي، التقنيات المتقاربة، الدراسات والأبحاث المستقبلية.

١. دكتوراه في قسم الإدارة من جامعة يزد.

٢. ماجستير في إدارة الموارد البشرية جامعة بيام نور- يزد.

دراسة مؤشرات الإنتظار البناء والإنتظار الهدام في النظام التربوي الإسلامي من خلال محورية خطابات وتصريحات المرشد الأعلى للثورة الإسلامية.

محمد رضا جابر الأنصاري^١
ندا كاوند^٢

مما لا شك فيه فإن عقيدة «الإنتظار» هي من المكونات والمعتقدات والمعطيات التي تصنع أكسير الحياة ومن العوامل القادرة على إنقاذ وإنتشار المجتمعات الإسلامية من اللاهوية والعدمية وعامل للتكامل والتعالى الإنساني، ولسوء الحظ والاسف، فقد تمت مهاجمة ومحاربة هذه العقيدة والنيل منها وذلك بأبعاد وطرق شتى مع انتشار فكرة العدمية وانعدام الهوية واليأس والقنوط. والهدف من وراء المقالة هذه هو معرفة وتشخيص وبيان مكونات وسياقات ومعطيات الإنتظار البناء والهدام في النظام التربوي الإسلامي، وتجب المقالة هذه على هذا السؤال ماهي المكونات والسياقات التي يتضمنها الإنتظار البناء والإنتظار الهدام والمخرب في النظام التربوي الإسلامي وذلك من خلال محورية المنظومة الفكرية للمرشد الأعلى وقائد الثورة الإسلامية وفي هذه الدراسة التي نحن بصددتها هي من جملة الدراسات التركيبية وأحد الأبحاث المشتركة، تم استخدام طريقة تحليل المحتوى النوعي لتحليل المصادر والإستفادة من اسلوب موثوقية هولشتاين ذات المعدل الواطى وذلك لاجل قياس موثوقية البيانات. وقد تم تاييد ذلك بمعدل عالي وصل الى ٨ / ٥. وفقاً للنتائج، يُعرف الإنتظار البناء بمؤشرات مثل التحول والحويوية والديناميكية، ويُعرف الإنتظار الهدام بمؤشرات مثل الانعزالية والخرافات والتعود والتطبع على الوضع الراهن.

المصطلحات المحورية: الإنتظار، المرشد الأعلى، الإنتظار البناء، الإنتظار الهدام، النظام التربوي، المؤشرات.



١. أستاذ مساعد في قسم الإدارة الحكومية، الجامعة الإسلامية الحرة، فرع جامعة بروجرد.
٢. دكتوراه في الإدارة الحكومية من الجامعة الإسلامية الحرة فرع طهران، الكاتب المسؤول.

دراسة مكونات ومؤشرات التربية المهدوية في فكر ورؤية الأستاذ مرتضى المطهري

السيد محمد علي مير الجليلي^١

يمكن أن تساعد الرؤية والفكرة التي بلورها مؤسسي الثورة الإسلامية وقياداتها ونسبة تلك الرؤية والفكرة مع الخطاب المهدوي في تسهيل وتوجيه القدوة الإسلامية - الإيرانية وتطويرها وتفتح آفاق رحبة للوصول الى السيادة والحاكمية الإسلامية الأكمل. وتهدف كتابة المقالة هذه الى الغور في رؤى وافكار الأستاذ المطهري في مجال التربية المهدوية ونظراً الى سهولة الحصول على مؤلفاته في قالب ١٠٨ كتاباً فقد جرى إستخراج نصوص تلك الكتب بالإسلوب التحليل النوعي والمفاهيم والموضوعات المتعلقة بالتربية المهدوية وقد تم تقسيم وتصنيف المضامين وذلك في إطار ١٣٠ مضموناً أساسياً من أجل إكتشاف شبكة الموضوعات والمضامين ذات الصلة بالتربية المهدوية وذلك بالإعتماد على الاسلوب اتريد - استرلينك، وجرى في الخطوة التالية تصنيف شبكة المواضيع والمضامين للتربية المهدوية تحت ٩ مضامين بعد بسط المعاني وذلك من خلال توسيع المعاني والإرتباط المفهومي للموضوعات والمضامين وهي: البعد المعرفي، القيمي، السياسي، التطوري، واصلاح الشروط، الإعتدال والصلح، الظلم، طلب العدالة، السلوكي والإجتماعي، الأمل والإنتظار البناء، والبعد الأخلاقي والمعنوي. ونظراً الى سعة الآثار التي قام بتأليفها المطهري وعمق المفاهيم لكل المكونات التي تم استخراجها جرى أعمال منهجية نوشته ودراسة كل واحدة من تلك المكونات بصورة مستقلة بلحاظ العملية التطبيقية. وتهيئة الآليات المناسبة لاجل تحقيقها وإنزالها على ارض الواقع في حياة المواطنين لكي يتم عن هذا الطريق إيجاد خطوة متقدمة وأساسية في تهيئة الأرضية للظهور.

المصطلحات المحورية: التربية المهدوية، الشهيد المطهري، تحليل المضامين، الأسلوب النوعي، الظهور.



١. أستاذ مساعد في قسم العلوم التربوية، كلية المعلمين، بريس الشهيد باك نجاد، يزد.

دراسة أسس ومقومات الإنتظار المقاوم وإنعكاسته في وصية الشهيد قاسم سليمان^١

محمد شهبازيان^٢

من الملاحظ فان من أهم الخصوصيات والصفات التي تتمتع بها عقيدة الإنتظار الحركي والدياميكي هي إيجاد مجتمع حركي وهادف نحو العقيدة المهدوية والسعي لأجل تهيئة الأرضية المناسبة للظهور، ومن هنا يمكن تجسيد الإنتظار الى قسيمين وهما «الإنتظار المقاوم» وهو الإنتظار ذات صفة الحضور الإجتماعي والسياسي الإجهادي للمنتظرين ودوره المتمثل في المجتمع وتشكيل سلطة منبثقة من التعاليم الدينية وتحت إدارة وإشراف الفقيه الجامع للشرائط و «الإنتظار الرجعي» يهدف الى فكرة البقاء في البيت والإنعزال ومراقبة الوضع الفوضوي للمجتمع فقط. ولاشك فان الشهيد قاسم سليمان يعتبر إنموذج ومثال إنساني ونبراس نابع عن الإنتظار المقاوم واستطاع ومن خلال التمسك بالأسس المنبثقة عن مذهب إمامي الثورة طرح وتجسيد الأسس النظرية والمنافع والفوائد العينية لهذا النوع من الإنتظار. وقد تم السعي في هذه المقالة الى تنظيم وترتيب مواضيع في سياق الإجابة على السؤال الذي يقول: «ماهي اسس الإنتظار المقاوم لمحورية الفقيه وانعكسها في حياة واحاديث الشهيد الحاج قاسم سليمان» ويشير البحث هذا والذي تم إتباع الأسلوب الدراسة التلقفية المتكاملة ونوع معالجة البيانات الوصفية التحليلية فيه الى خلفية المواجهة مع الإنتظار المقاوم في خضم الحركات الإنحرافية وتتطرق وبعد بيان آراء الشهيد الحاج قاسم سليمان حول الإنتظار المقاوم الفقهي الى الأدلة والبراهين على ذلك.

المصطلحات المحورية: الأسس، الإنتظار، المقاومة، الفقيه، السيرة، الحاج الشهيد قاسم سليمان.



سال بيسست ويكم / شماره ٧٤ / پاييز ١٤٠٠

١. تم تقديم هذا المقالة الى ملتقى الوطني «للشهادت سليمانى ومذهب الإنتظار والمقاومة» وتم طباعتها بواسطة معهد الدراسات والتحقيقات للعلوم والثقافة الإسلامية.

٢. أستاذ مساعد فى معهد الدراسات والتحقيقات للعلوم والثقافة الإسلامية، معهد المهدوية والدراسات المستقبلية قسم معرفة الحركات.

توسعة الأسس المعرفية من الغرب وحتى مجتمع عصر الظهور^١

سليمان خاكبان^٢

رحيم كاركر^٣

سعيد توسلي خواه^٤

لقد عُرفت في أوساط نظريات «التوسعة» المختلفة في العالم الغربي نظرية توسعة الأسس المعرفية وتعتبر بمثابة آخر النتائج والثمارات والمنهجية في موضوع التوسعة، وفي مقابل ذلك فقد طرحت في مجتمع عصر الظهور للإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام في العالم الإسلامي ايضاً على إنها المقصد والهدف النهائي للتوسعة والتطور والمقالة الحاضرة التي تم كتابتها بالأسلوب الوصفي - التحليلي والمقارني تسعى أولاً ومن خلال الإعتقاد على وجهة النظر النقدية للإعادة قراءة التوسعة المعرفية والتطرق الى بيان أبعادها في الوقت نفسه، من خلال مقارنتها مع تطور مجتمع عصر الظهور، مع تحديد وإبراز المكونات الضعيفة ونواقص التنمية القائمة على توسعة المعرفة، فمن الضروري التوجه والاهتمام إلى تطوير مجتمع عصر الظهور كبديل ونسخة للأحلال محل توسعة التطوير المعرفي. والنتائج الحاصلة من هذه الدراسة تبرز ان التوسعة المعرفية وعلى الرغم من قدرتها في تهيئة درجات من راحة الإنسان فهي عاجزة عن الإجابة وتلبية جميع حاجاته ومتطلباته وفي مقابل ذلك فإن التوسعة في عصر الظهور وتحت إدارة المنطق الشامل للمعرفة وباستخدام كافة مصادرها قادرة على تأمين جميع الحاجات الإنسانية في مختلف الأبعاد.

المصطلحات المحورية: التوسعة، التوسعة المعرفية، المجتمع المتطور، عصر الظهور.

١. مأخوذة من رسالة الدكتوراه تحت إسم «تحليل نظريات التطور والتنمية في العالم الحديث وتقييمها بناءً على تطور عصر الظهور» جامعة قم المقدسة.
٢. أستاذ مساعد في قسم العلوم والمعارف جامعة قم المقدسة.
٣. أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية.
٤. طالب في مرحلة الدكتوراه في قسم الاسس النظرية للإسلام، جامعة قم المقدسة.



Knowledge-based Development from the West to the Society of Appearance Age¹

Soleiman Khakban²

Rahim Kargar³

Saeed Tavasoli Khah⁴

Among the various theories of “development”, in the West, “the knowledge-based development” is considered as the ultimate achievement and approach in the subject of development. On the opposite, the society at the era of Appearance of Imam Mahdi (a.s) in the world of Islam is considered as the ultimate goal and destination of the development. The following paper, with descriptive-analytic and comparative method, firstly attempts to review the knowledge-based development with a critical point of view and explains its aspects and then by comparing its relation with the development of the society at the era of Appearance, it reveals the necessity of the development of the society at the era of Appearance like an incomparable prescription and an alternative for the knowledge-based development while it determines and distinguishes the weak components and shortages of the knowledge-based development.

The findings of this research show that the knowledge-based development is unsuccessful in fulfilling all the needs of human being in spite of the fact that it provides some levels of comfort for humans. On the contrary, development at the era of Appearance, under the full management of comprehensive logic of knowledge and with the use of all knowledge resources, is capable of providing all human needs at its various aspects.

Keywords: development, knowledge-based development, the developed society, the era of appearance.

1. Taken from the doctoral thesis “Analysis of the Theories of Development of Modern World and their Evaluation based on the era of Appearance” Qom University.

2. Assistant Professor at the Group of Islamic Knowledge, Qom University.

3. Assistant Professor at the Research Institute of Islamic Sciences and Culture.

4. Ph.D. Student of “Theoretical Principles of Islam”, Qom University.

Examining the Basics of Resistive Appearance and its Reflection in the Will of Martyr Ghasem Soleimani¹

*Muhammad Shahbaziyan*²

The most important characteristic of the awaiting doctrine is giving dynamism and goal to the society believing the savior and attempting to pave the ground for the appearance. Therefore, awaiting can be depicted in two forms: “the resistive awaiting” with the feature of social, political and jihadi presence of the awaiters as well as playing a role in society and forming a government derived from the religious teachings under the complete permission of a well-qualified jurisprudence; and the “passive or regressive awaiting” with the feature of staying at home and witnessing the chaotic situation of the society.

In this paper, we have tried to answer this question: “which one of the basics of resistive awaiting with the centrality of a jurisprudence has been reflected in the conduct and speeches of Martyr Ghasem Soleimani. The following paper has pointed to the history of confrontation with the resistive awaiting among the deviant movements using an integrated research and descriptive-analytic data processing. After presenting the view point of Martyr Ghasem Soleimani in relation to the jurisprudential resistive awaiting, we have examined its reasons.

Keywords: basics, awaiting, resistance, jurisprudence, conduct, Martyr Ghasem Soleimani.

1. This paper has been presented in the National Conference of “Shahid Ghasem Soleimani and the Doctrine of Awaiting and Resistance” and is printed with the permission of “the Research Center of Islamic Sciences and Culture”.

2. Assistant Professor of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture, the Research Center of Mahdism and Future Studies, Group of Movement Studies.

Investigating the Components of Mahdavi Training in the Thought of Professor Morteza Motahari

Seyyed Muhammad Ali MirJalili¹

The ideas of the founders of the Islamic Revolution and the relation of this idea with Mahdavi discourse can lead to the facilitation and direction of the Islamic-Iranian model of progress and achievement of completely Islamic governance. This paper has been carried out aiming to investigate the thoughts of Ostad Motahari in the field of Mahdavi education. Considering the fact that we have access to his writings in the form of 108 books, the contexts of the books have been examined qualitatively and the concepts and subject-matters are derived in relation to Mahdavi education. With the reliance on the Ethrid-Sterling method, and in order to discover the network of concepts of Mahdavi education, the concepts have been categorized into 130 main concepts. At the next step, with the expansion of meaning and conceptual relations of the concepts, the network of Mahdavi education concepts is categorized under 9 concepts: cognitive, value, political dimension, transformationalism and reforming conditions, moderation and pacifism, anti-tyranny and justice, behavioral and social aspect, constructive hope and waiting, and moral and spiritual dimension.

Considering his numerous writings and the conceptual depth of each of these derived components, the method of writing of the following paper is that each of these components have been examined separately in terms of its application and the proper methods of their application for their realization in the citizens' daily life are presented so that a fundamental step can be taken towards the pavement of the ground for the appearance.

Keywords: Mahdavi education, Shahid Motahari, analysis of the concepts, qualitative method, appearance.

1. Assistant Professor of Group of Educational Sciences at Farhangiyan University. Shahid Paknezhad Campus, Yazd.

Investigating the Indicators of Constructive Awaiting and Destructive Awaiting in the Islamic Educational System, with the Centrality of the Speeches of Supreme Leader

*Muhammad Reza Jaber Ansari*¹

*Neda Kavand*²

The religious teaching of “awaiting” is of components and beliefs which is the elixir of life and one of the lifesaving factors for the Muslim communities from identitylessness and nihilism and the factor of human perfection and excellence; however, unfortunately, this teaching has been offended from various aspects with the spread of the thought of nihilism, identitylessness and despair. The goal of the present article is recognizing and explaining the constructive awaiting and destructive awaiting in the Islamic training system, with the centrality of thought system of the Supreme Leader. In the following paper, which is of the compound studies, we have benefited from the methods of analysis of the qualitative content in order to decompose and analyze the sources and to measure the reliability of the data, the quantitative method of Holsti's reliability coefficient was used and it has been confirmed with a coefficient above 0.8. According to our findings, the constructive awaiting with the indicators such as transformationalism, vitality and dynamism and destructive expectation with indicators such as isolationism, superstition and getting used to the status quo are recognized and identified.

Keywords: awaiting, the Supreme Leader, constructive awaiting, destructive awaiting, the training system, indicators.

1. Assistant Professor at the Group of Public Administration, Islamic Azad University, Broujerd Branch.

2. Ph.D. of Public Management at Tehran Azad University. (Corresponding Author).

Futurology of Mahdavi Training and Education with Technological Convergence Approach

Hedayat Kargar Shouraki¹

Fatemeh Pak Nezhad²

The leading subject of the present research is that the system of Mahdavi training and education is itself affected by various components including the system of science and technology in spite of the strategic role in transmitting the revealed thought to the society, and we expect that the emerging trend of technological convergence has a fundamental impact on it; however, these impacts cannot be easily recognized and most importantly, the destiny of the mentioned system in the face of convergent technologies are indistinct. To find an answer to this question, the present qualitative research attempts to depict the possible futures in this trend using Delfi and scenario writing methods. In this regard, at first, a list of macro-trends of technological convergence has been counted and prioritized. In the following, with the coincidence of the uncertainty principle observing these trends, four scenarios of the future of the system of Mahdavi training and education (including the good tree, Solomon's kingdom, corrupt tree, and Ibrahim in the fire). The findings of this research can guide the authorities in charge of system of Mahdavi and religious training and education in the futuristic face of the development of science and technology especially the convergent technologies.

Keywords: Mahdism, Mahdavi training and education, technological convergence, convergent technologies, futurology.

1. Ph.D. of Management, Yazd University.

2. Master Degree of Islamic Human Resources of Yazd Payam-e-Nour University.

An Explanation of the Meaning of “the Agreement of Intellect and the Perfection of Thought at the Era of Appearance” on the Basis of the Doctrine of “the Perfect Human” in Shiite Theosophy

*Hasan Panahi Azad*¹

One of the mentioned attributes in the narrations for the era of Appearance is the agreement of human intellect and the perfection of thought. This characteristic is the result of the apparent presence of the Imam Qaem (a.s) among God’s servants. The infallible Imam is the Perfect Man and the perfect manifestation of God’s names and attributes. Therefore, the agreement of intellect and the perfection of thought of human beings is not only the realization of the revealed guidance and the human cognitive maturity by learning from the transcendental soul of the Perfect Man, but also one of the aspects of the appearance of the truth and the realization of the monotheistic society following the appearance of the last divine reserve and the perfect manifestation of monotheism, that is Imam Qaem (a.s). The present article, based on the narrations, has investigated the mentioned feature by paying attention to the doctrine of the Perfect Man in Shiite theosophy with an explanatory-analytic method.

Keywords: the era of Appearance, the agreement of reason, the perfection of thought, guidance, the Perfect Man, the Seal of saintship.



1. Assistant Professor at the Group of Theoretical Basics of Islam at Islamic Maaref University.

According to the letter No.6064 of the council for granting licences and scientific privileges to the seminaries dated 18.7.1395, the journal of "Awaiting the Expected" was promoted to the rank of scientific-research.

IN THE NAME OF ALLAH

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار مود

Entizar-e-Moud (aj)

Editorial Board: (In Alphabetical Order)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir -al- Ulum University)

Jabbari, Muhammadreza (Associate Professor at Imam Khomeini Educational and Research Institution)

Khosro Panah, Abdol Husseyn (Professor at center of Islamic Culture and Thought)

Rezanezhad, Ezzodeen

(Professor at AL -Mustafa International University)

Rezaee Isfahani, Muhammad Ali (Professor at AL -Mustafa International University)

Zare'ee Matin, Hasan

(Professor at University of Tehran)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Associate Professor at University of Tehran)

Safari Foroushani, Ne'matollah (Professor at AL -Mustafa International University)

Mojtaba Kalbasi

(Professor at Qom Seminary)

Muhammadreza'ee, Muhammad (Professor at University of Tehran)

Owner:

Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Managing Director:

Hojjat al-Islam Mohsen Ghara'ati

Editor in Chief:

Dr. Rouhollah Shakeri Zavardehi

Internal Manager and Editorial Secretary:

Mohsen Rahimi Jafari

Editor:

Abolfazl Alidoust

Layout Specialist:

Masoud Soleimany

Cover Designer:

Abbas Faridi

English Translator:

Zeynab Farjamfard

Arabic Translator:

Ze'ya az-Zahavi

Full text in:

www.entizar.ir
www.isc.gov.ir (ISC)
www.magiran.com
www.noormags.com

Address: The Office of Entezar-e-Mo'oud Journal, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada Street (Safa'eeyeh), qom.

Tel: +982537841661

Fax: +982537737160

Journal site: www.entizar.ir

Email: entizarmagg@gmail.com

Price: 1.300.000 Rials



هزینه اشتراک

نوع درخواستی	پست عادی (ریال)
تک شماره	۱۳۰۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰
دوره یک ساله	۵۲۰۰۰۰۰۰ + ۸۰۰۰۰۰

نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۱۰۹۵۷۶۶۳۶۰۰۷) و یا شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۲۰۷۵ بانک ملی شعبه حجتیه قم، کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات مرکز تخصصی مهدویت و اریز و اصل فیش بانکی را همراه این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس کنید:

قم، فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶



یادآوری:



از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید.
در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید.
تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

فرم اشتراک فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود

نام خانوادگی میزان تحصیلات

شغل نشانی

کد پستی تلفن

تعداد درخواستی شروع اشتراک از شماره

مبلغ پرداختی

تک شماره های

نوع درخواست حواله

کد اشتراک نوع درخواست: پست سفارشی - پیشتاز

محل امضا